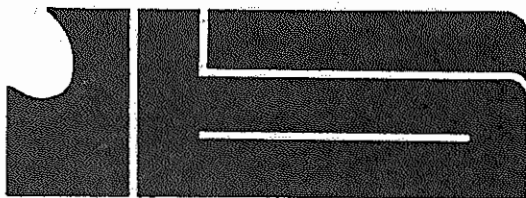


مرحله جدید جنگ قدرت در روسیه

در صفحه ۷



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۷۱ - ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ - دوره سوم شماره ۵۱

KAR, No. 51 Wednesday 13 Jan 1993

آیا آمریکا در بو سنی مداخله خواهد کرد؟

در صفحه ۸

خطر کتمان جنایت رژیم در برلین توسط دولت آلمان

- دولت آلمان در صداست تا مانع از افشای نقش جمهوری اسلامی در ترور برلین شود.
- اپوزیسیون ایرانی باید دست بدست هم دهد و هر چه سریع تر مانع اجرای توطئه مشترک دولت آلمان و جمهوری اسلامی شود.

مقاله اشترن یک نگرانی بزرگ ما را که از هنگام وقوع جنایت برلین آزارمان می‌داد، تایید می‌کند: مقامات آلمانی با تکرار این ادعا که "معلوم نیست چه کسانی ترور را کارگردانی کرده‌اند" می‌خواهند پای جمهوری اسلامی را از ماجرا بیرون بکشند، احتمالا قضیه به اینجا ختم خواهد شد که افراد دستگیر شده، بویژه عاملان لبنانی ترور به زندان محکوم شوند و دخالت حکومت تهران که بر اساس تحقیقات پلیس آلمان مسجل است، مکتوم بماند.

در اینجا تصادین رانداریم که از این رسوایی، برای افشای ماهیت سیستم سیاسی و قضایی قرب استفاده کنیم، هر کس، ادامه در صفحه ۲

اشترن:

آیا بن و تهران معامله کرده‌اند؟

از دو گانگستر، که پولیور خود را روی نیمه پایینی صورتش کشیده بود، به فارسی نعره زد: "مادر تحبه‌ها!" او سپس ساک ورزشی‌اش را بالا آورد و با مسلسلی که در آن پنهان کرده بود، چند رگبار شلیک کرد. سه مرد بر اثر اصابت گلوله کشته شدند و به زمین افتادند. چهارمی که روی زمین در خون خود غوطه‌ور بود، توسط قاتل دوم با یک شلیک از نزدیک، اعدام شد. صاحب رستوران با جراحات سخت از ترور جان‌برانگیر رهبران حزب دمکرات کردستان ایران (ح.د.ک)، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس برلین، مراسم پایانی کنگره انترناسیونال سوسیالیستی را که حکومت ایران نشسته بودند، یکی

هفته‌نامه آلمانی اشترن در نخستین شماره سال ۱۹۹۳ خود مقاله‌ای تحت عنوان "وقتی کارآگاهان بیش از حد موفق باشند" چاپ کرده است. اشترن در این مقاله می‌نویسد "قتل چهار سیاستمدار کرد در برلین به طور آشکار توسط سرویس مخفی ایران صورت گرفته است، اما در بن به هلاک سیاسی و اقتصادی پیرامون نتیجه تحقیقات کارآگاهان کاملا سکوت کرده‌اند." ترجمه مقاله اشترن در این شماره کار به چاپ می‌رسد.

دو قاتل، زیاد تامل نکردند، آنها وقتی در ساعت ۲۲ و ۵۴ دقیقه وارد رستوران شدند، مستقیما به سمت میز رفتند که دور آن هشت نفر از مخالفان حکومت ایران نشسته بودند، یکی

بررسی بودجه سال ۷۲ در مجلس

- درآمدهای بودجه همچنان برارز حاصل از فروش نفت متکی است
- به جهت پیش‌فروش نفت برای پرداخت بدهی‌ها، درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه تامین نخواهد شد.

بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور که آخرین بودجه برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی است، توسط رفسنجانی به مجلس شورا تقدیم شد و بررسی آن در دستور کار مجلس قرار گرفت. رفسنجانی هنگام تقدیم بودجه، گزارش مشروحي از شرایط گذشته و حال اقتصاد کشور و ویژگیهای بودجه ارائه کرد. او در این گزارش در زمینه تولید ملی، صنایع، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، وضعیت مالی و بودجه دولت، سیستم بانکی و سیاست‌های پولی و اعتباری و صادرات و واردات ارقام و آماری را ردیف کرد که همگی بر پیشرفت قابل توجه اقتصادی در طی سه سال دلالت می‌کرد. رفسنجانی در این گزارش آنچنان از موفقیت‌ها سخن گفت که گویا او کابینه‌اش در این مدت موفق شده‌اند که اقتصاد کشور را

تشدید منازعه در مورد سیاست‌های آموزشی

به‌این وزارتخانه، ادعاهای مسئولین آموزش عالی کشور در زمینه خصوصی کردن دانشگاه‌ها، اقدام وزارت آموزش عالی در وزارت آموزش و پرورش و دریافت شهریه را تکذیب کرد. اما علیرغم این تکذیب، "ایجاد زمینه مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی خیر و تدارک مجوزهای قانونی برای ادارات دانشگاه بر اساس ترتیبات مدیریتی تعیین شده توسط سرمایه‌گذار، "استقلال مالی دانشگاه‌ها" و "تنبیهات مالی" برای دانشجویان جزو خط مشی‌های پیشنهادی این سازمان در آموزش عالی کشور اعلام شده است.

سهم بسیار اندک نظام آموزش ادامه در صفحه ۲

درباره جابجایی صفحات کار شماره ۵۰

متأسفانه به دلیل پاره‌های مشکلات فنی، صفحات اول و آخر شماره پیشین کار جابجا چاپ شده بود. ما هنگامی از این اشتباه اطلاع حاصل کردیم که اقدام به چاپ مجدد این صفحات با توجه به در پیش بودن تعطیلات سال نو میلادی در کشورهای اروپایی منجر به وقفه‌ای طولانی در چاپ و ارسال نشریه می‌شد. بدین سبب ما علیرغم علم به این اشتباه به توزیع نشریه پرداختیم. تلاش ما این خواهد بود که از بوجود آمدن چنین مواردی اجتناب شود.

موضع تحریک آمیز سران شورای همکاری خلیج فارس

مناقشه میان جمهوری اسلامی و امارات عربی متحده بر سر جزیره ابوموسی با واکنش سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد مرحله جدیدی گردید. اجلاس شش کشور عرب حوزه خلیج فارس در ابوظبی در بیانیه پایانی خود از ادعاهای ارضی امارات عربی متحده نسبت به جزایر تنب و ابوموسی حمایت کرده و از ایران می‌خواهد به "اقدامات خود در ابوموسی" و ادامه "اشغال جزایر تنب بزرگ و کوچک" پایان دهد. این کشورها هادی سازی مناسبات با ایران را به حل و فصل مناقشه ارضی میان ایران و امارات مشروط کردند.

این موضع سران شش کشور عرب حاشیه خلیج فارس که تاکنون در این سطح بی‌سابقه بوده، واکنش شدید مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی را برانگیخت و هاشمی رفسنجانی با "فقط و خطرناک" خواندن حرکت سران کشورهای خلیج فارس، اعلام کرد "این کشورها برای رسیدن به این جزایر باید از دریای خون بگذرند."

مواضع متخذه در بیانیه شش کشور عربی آشکارا حکایت از آن دارد که رفتار اعراب فراتر از واکنش در برابر "اقدامات جمهوری اسلامی در جزیره ابوموسی" است و پیش از آنکه به تحریکات او آخر تابستان دولت جمهوری اسلامی مربوط باشد، بخشی از مجموعه فشارهای بین‌المللی ماههای اخیر علیه حکومت جمهوری اسلامی است. البته موضع حاکمیت سه جزیره مورد اشاره از هنگام اعلام موجودیت امارات عربی متحده و استقرار ایران در جزایر توق میان دو کشور حل نشده باقی مانده است، اما پذیرفتنی نیست که تجدید دعوا پس از ۲۱ سال سکوت و تبدیل آن به یک بحران حاد و اصرار کشاندن ماجرا به مجامع بین‌المللی از جانب امارات در همراهی آشکار با دیگر کشورهای عرب منطقه، تنها به آن اقدامات و تحریکات جمهوری اسلامی در ابوموسی مربوط باشد که ظاهرا مسبب بروز بحران بود. بنابراین بنظر می‌رسد مناقشه بر سر جزایر حداقل در حال حاضر و بویژه موضع تحریک آمیز کنونی اعراب حاشیه خلیج فارس، جز ایراد فشار به جمهوری اسلامی در همراهی و همکاری با فشارهای بین‌المللی چیز دیگری نیست.

در اتخاذ چنین موضعی از سوی سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پاره‌ای از رژیم‌های منطقه بویژه رژیم مصر بی‌تأثیر نبوده‌اند. مصر در یکی دو سال اخیر در تلاش برای حضور و گسترش نفوذ خود در حوزه خلیج فارس از طریق حضور در سیستم امنیتی خلیج فارس، که در همین حال تلاشی برای کسب رهبری در جهان عرب است، در کشمکش حاد با جمهوری اسلامی قرار دارد. از این رو در تحریکات و فشارهای منطقه‌ای علیه ایران رژیم مصر نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. ماه گذشته مصر کوشید با آشتی دادن قطر و عربستان سعودی که بخاطر دعوای ارضی در ماههای اخیر با یکدیگر در نزاع بودند، زمینه‌های برگزاری اجلاس شورای همکاری با شرکت همه اعضای آن را فراهم کند و آنها را به اتخاذ موضع تحریک آمیز علیه ایران ترغیب نماید.

ما در شماره‌های پیشین کار درباره هلاک و زمینه‌های این فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران سخن گفته‌ایم. دستاویز همده این فشارها و تحریکات علیه ایران عملکرد جمهوری اسلامی ادامه در صفحه ۳

ممنوعیت صدور کالاهای ژاپنی به ایران

بر اساس تصمیم دولت ژاپن و به منظور اجرای توافق‌های انجام شده در اجلاس هفت کشور بزرگ صنعتی، صدور ۱۰۰ قلم کالای صنعتی این کشور به ایران ممنوع اعلام شد. از جمله این کالاهای مواد اورانیوم، کامپیوتر و ماشین ابزار هم می‌باشند. همچنین از سوی مقامات ژاپن اعلام شد که این ممنوعیت شامل کالاهایی نیز خواهد شد که جهت اهداف غیر نظامی صادر می‌شوند، هرگاه احتمال استفاده از این کالاهای برای اهداف نظامی در میان باشد. این ممنوعیت که از روز ۳۱ دی ماه برابر با ۲۰ ژانویه به

به انگیزه هفتادمین سالگرد سرایش "افسانه" "افسانه" نیما، نیما "افسانه" در صفحه ۵

ضمیمه

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

متن پیش‌نویس گزارش
نمایندویژه کمیسیون حقوق بشر
سازمان ملل متحد
درباره
نقض حقوق بشر در ایران

یادداشت پیرامون "برائت" گردون

تبرئه مجله گردون از اتهامات حزب الله، ابتدا توسط هیئت منصفه مطبوعات و سپس دادگاه، همان گونه که پیش بینی می شد موجی از اعتراض و فشار را علیه این تصمیم برانگیخت. روزنامه کیهان چون همیشه سردمدار این اعتراض بود و تا آنجا که در قدرت داشت علیه رای دادگاه جنجال ایجاد کرد. کیهان که به زبان حزب الله در مقابله با هرگونه دگراندیشی بدل شده است برای تحریک بیشتر دست به دامان خبرنگاران خود در "بوسنی مظلوم" شد و از آنجا زبان به اعتراض گشود و خود "جرائم" تازه ای بر جرایم این نشریه افزود. از جمله این جرایم "تجلیل از نویسنده ملحد و ضدانقلاب غلامحسین ساعدی"، "تجلیل از احمد شاملو"، "درج سفرنامه سیمین بهائی"، "ترویج و ستایش از کانون نویسندگان"، "چاپ تصویر بی حجاب یک خانم نویسنده ایرانی"، تجلیل از شاهنامه و... بود.

این جنجال آفرینی و فشار به روزنامه کیهان محدود نماند. رضائوی رئیس کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی مجلس شورای اسلامی و یونس دادستان عمومی تهران نیز به جرگه معترضین پیوستند. حزب الله فشار خود را از حد اعتراض فراتر برد و خواهان طرح مجدد پرونده در دادگاه گردید. این خواست به طور مکرر از جانب روزنامه کیهان و هم چنین رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس طرح گردید. یونس دادستان عمومی تهران در گفتگو با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد به دایره اجرای احکام دادرسی تهران دستور داده است پرونده را جهت بررسی مجدد به دادگاه هودت دهد. این فشارها موجب شد که صدر واثقی یکی از اعضای ۸ نفره هیئت منصفه طی نامه ای به روزنامه ها با حکم هیئت منصفه به مخالفت علنی برخیزد.

در مقابل این فشار اکثریت هیئت منصفه مطبوعات و برخی از جراید به دفاع از حکم دادگاه پرداختند. روزنامه سلام متن کامل کیفرخواست و دفاعیات را به چاپ رساند و نوشت اگر این کیفرخواست به زبان های خارجی ترجمه شود آبروی انقلاب اسلامی را خواهد برد. این روزنامه نوشت: "مشکل اصلی اینجاست که هر از چندی موضوعی را مطرح می کنند و موضوع روز می ساید و همه ای را هم در این بین لگدمال میکنند و حقوقی را ضایع می سازند ولی سرانجام مرجعی که باید حرف آخر را بزند خط بطلان بر همه آن جنجالها میکشد و باز هم روز از نو روزی از نو".

شدت اعتراضات، به ویژه از سوی مقامات در دستگاه قضایی کشور، موجب شد که یزدی رئیس

سازمان توضیح نداده است که بحران های عظیم مالی دانشگاه ها از کجا ناشی شده است. اخیرا رئیس دانشگاه تهران اعلام کرد که این دانشگاه ۱/۵ میلیارد تومان کسری بودجه دارد و حتی در پرداخت حقوق کارکنان خود نیز با مشکل مواجه است. این وضع تقریبا در همه دانشگاه ها حاکم است. رئیس یکی از دانشگاه های کشور چندی پیش با اشاره به این وضع گفت: "تعیین بودجه آموزش عالی توسط سازمان برنامه و بودجه پوزخندی به آموزش عالی است".

تشدید منازعه ...

ادامه از صفحه ۱

هالی از بودجه دولتی، از جمله محورهای مورد اعتراض وزارت آموزش عالی است. سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به این اعتراض مدعی شده است که هزینه های مربوط به آموزش عالی همواره از توجه ویژه ای برخوردار بوده و طی سه سال ۳/۸ برابر شده و در بودجه سال ۷۲ نیز به ۶/۷ میلیارد ریال افزایش یافته است. اما این

ادامه از صفحه ۱

خطر کتمان جنایت رژیم در برلین توسط دولت آلمان

سازمان های سیاسی با نیروی بیشتری در این کمیته ها حضور یابند. ثانیا - نامه ای با امضای تعداد هر چه بیشتری از سازمان ها و شخصیت های سیاسی ایرانی و خارجی به مقامات آلمانی نوشته شود و در آن از این مقامات خواسته شود که پیرامون مفاد مقاله اخیر "اشترن" موضع گیری رسمی کنند. ثالثا - مقاله "اشترن" در

چند خبر دیگر در مورد ترور برلین

آخرین خبرهای رسیده حاکی از آنست که مسئله ترور شرفکندی و یاران او در رسانه های گروهبی آلمان و در بین مقامات این دولت به مسئله دایمی تبدیل شده است. علاوه بر مجله "اشترن" در روزنامه های "تاگس اشپیگل" و "برلینر تسایتونگ" گزارش هایی در این زمینه چاپ شده است که در آنها به دخالت جمهوری اسلامی در این قتل و دست داشتن کاردار ایران در آلمان پرداخته شده است.

در روز ششم ژانویه از شبکه محلی تلویزیون برلین گزارشی در مورد ادامه تحقیقات راجع به عوامل ترور پخش شد. در برنامه از زبان مقامات پلیس و دادستانی گفته شد که به قاتلان پول داده شده بود. در این گزارش مصاحبه با یکی از اعضای کمیته اپوزیسیون ایران علیه ترور در برلین و ۳ تن از شاهدان هینی ترور نیز پخش

دستور چه کسانی صورت گرفته است. برخی مقامات آلمانی حتی به طور ناخواسته نام حزب کارگران کردستان ترکیه را مطرح کردند که مورد تکذیب نوری این حزب قرار گرفت. اما در کنار اظهارات همراه کننده، تحقیقات پلیس ادامه یافت و به دستگیری تعدادی از اعضای شبکه ترور جمهوری اسلامی در آلمان انجامید. اشترن فاش می کند که سر نخ ها به دو دیپلمات ایرانی هم رسیده است. اکنون علیرقم نتایج روشن تحقیقات، خطر کتمان دخالت تهران در جنایت برلین بسیار زیاد است. این در حالی است که روندی که تاکنون در رابطه با جنایت برلین طی شده است، فرصتی استثنایی برای محکومیت جمهوری اسلامی ایجاد می کند، فرصتی برای آنکه همراه با هملان قتل، حکومت تهران هم محاکمه شود و این رسوائی، دولت های غربی را وادار برای پیش گیری از وقایعی مانند حادثه قتل دکتر کاظم رجوی، دکتر قاسملو، دکتر بختیار و دکتر شرفکندی، دست به اقدامات موثری بزنند. نباید گذاشت فرصت کنونی از دست برود. ما تاکنون چندین بار اپوزیسیون را دعوت به همکاری علیه ترور کرده ایم. این دعوت اکنون ضرورت مبرم و فوری یافته است. ما پیشنهاد می کنیم:

اولا - کمیته های موجود علیه ترور فوراً فعال تر شوند و

اشترن:

آیا بن و تهران معامله کرده اند؟

ادامه از صفحه ۱

در آن روزها در پایتخت آلمان تشکیل جلسه داده بود، تحت الشعاع قرار داد. ویلی برانت که سال ها صدر انترناسیونال سوسیالیستی بود، نخست می خواست در این اجلاس نطق و داع خود را ایراد کند، اما به علت بیماری سخت نتوانست. قربانیان ترور وحشیانه مزبور، به عنوان نمایندگان رسمی در اجلاس انترناسیونال سوسیالیستی شرکت کرده بودند: *صادق شرفکندی معروف به دکتر سعید، ۵۴ ساله، دبیرکل خ.د.ک.ا. *همایون اردلان، ۴۲ ساله، نماینده خ.د.ک.ا. در آلمان. *فتاح هبدلی، ۳۱ ساله، نماینده خ.د.ک.ا. در خارج از کشور. *نورالله محمدپور دهکردی معروف به نوری، ۴۶ ساله، که به عنوان مترجم شرفکندی در اجلاس حضور داشت. اکنون ممکن است ترور برلین به یک رسوائی سیاسی تمام عیار تبدیل شود، زیرا به نظر می رسد نتایج تحقیقات کمیسیون ویژه "میکونوس" اداره آگاهی فدرال آلمان اصلا به مذاق سیاستمداران و مقامات امنیتی بن خوش نمی آید. یک مقام عالی رتبه وزارت دادگستری به اشترن گفت: "هر اظهار نظر هلنی در این مورد، یک موضع گیری مهم سیاسی است". از این رو، سکوت حاکم است.



از راست به چپ: دکتر شرفکندی، نوری دهکردی، فتاح هبدلی

بنز، "ابوکو - ماگیرس اولم" نیز به گفته "برودیک" کمی بیشتر صادر کرده است. "انضای عملیات جنایتکارانه سرویس مخفی ایران در خاک آلمان به مناسبات میان دو دولت لطمه می زد و احتمالا معامله پر سود کامیون ها را قریب ممکن می کرد. مقامات آلمانی با سرسختی تکذیب می کنند که به هل سیاسی، نتایج تحقیقات اداره آگاهی کتمان شده است. هانس - یورگن فورستره سخنگوی دادستان کل آلمان در کارلسروهه این امر را "بی اساس" می داند، اما اذعان دارد که "قاتلان، ترور را به سفارش سازمانی انجام داده اند که علیه ح.د.ک.ا. مبارزه می کند." وی می گوید "اینکه چه کسانی دستور دهندگان اصلی اند، کاملا روشن نیست". یک سخنگوی وزارت دادگستری به اشترن گفت: "محاکمه "میکونوس" مانند هر محاکمه دیگری اکیدا طبق مقررات قانونی انجام خواهد شد".

عجیب است که علیرغم این تکذیب ها، "میکونوس" در دایره مربوطه امنیت دولتی اداره آگاهی در مکنه ایم در نزدیکی بن، با دلخوری نسبت به تلاش های پرده پوشانه واکنش نشان داده اند. یک مامور اداره آگاهی در ماه نوامبر گفت: "می کوشند در کار مداخلت کنند". برای اینکه همه ارگان ها و ادارات دخیل در ماجرا از یک مشی واحد پیروی کنند، برند اشمیدباوشر، رئیس دفتر ۵۳ ساله صدر اعظم، یک جلسه اکیدا سری فراخواند. در این جلسه که هشتم دسامبر تشکیل شد، پیرامون یک راه حل ملایم توافق حاصل شد. نتیجه این شد که در گفتگو با سفیر ایران در بن، ترتیب خروج بی سرو صدای دیپلمات هایی که در ترور شرکت داشته اند، داده شود.

ادامه از صفحه ۱

بررسی بودجه سال ۷۲ در مجلس

در نظر گرفته شده است که نسبت به سال قبل از افزایش معادل ۱۴۸ درصد بر خوردار است. نسبت هزینه‌های عمرانی به کل اعتبارات بودجه عمومی دولت ۴۱ درصد است. بگفته رفسنجانی سهم هزینه‌های عمرانی نسبت به کل هزینه‌ها، بالاترین سطح در طی ۲۷ سال گذشته است.

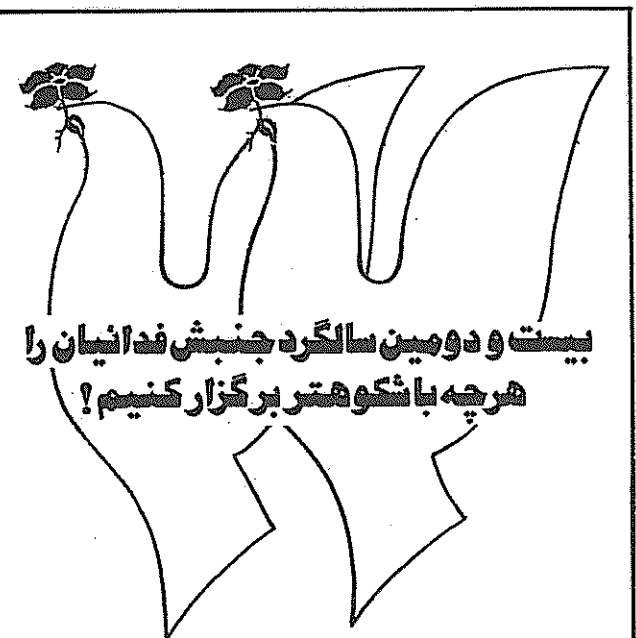
از متن بودجه و از اخبار مندرج در مطبوعات مشخص است که بر سر بودجه کشمکش جدی در بین جناح‌های حکومتی جریان داشته است. این امر موجب شد که بودجه ۴۸ ساعت دیرتر به مجلس ارائه شود. بر سر بودجه ارزی و یکسان کردن نرخ ارز، میزان ارقام اختصاصی به بخش‌های مختلف و سمت‌گیری‌های اقتصادی در بین جناح‌های رژیم اسلامی و بین دولت و مجلس اختلاف وجود دارد. مجلس شورا بشرطی با یکسان کردن نرخ ارز موافقت نمود که مختار پنج میلیارد دلار با نرخ رسمی صرف خرید و تامین تسلیحات، کالاهای اساسی و دارو اختصاص یابد. و بقیه تعهدات ارزی با نرخ شناور در اختیار وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی قرار گیرد.

وضع تحریک آمیز...

ادامه از صفحه ۱

در سیاست خارجی و رفتار مقایسه با عرف و مقررات بین المللی است. نقشه‌های توطئه گرانه و تحریکات مغرضانه منطقه‌ای و بین المللی علیه کشور ما در پرده دودی که سیاست‌های نابخردانه جمهوری اسلامی ایجاد کرده، استار می‌شود. تا جائیکه اکنون یکبار چنگی کشور نیز در معرض این تحریکات و توطئه آفرینی‌هاست. این خطر با توجه به حساسیت بیش از پیش منطقه ما و فعل و انفعالات اخیر در شاخ افریقا و جنوب عراق کاملاً هشدار دهنده است، بگونه‌ای که حتی نمی‌توان خطر بروز جنگی تازه در خلیج فارس را بعید و غیر محتمل دانست.

ما مقامات جمهوری اسلامی را فراموش نمی‌کنیم که از افزودن به تشنج دوری جویند و با تغییر جدی در رفتار بین المللی خود زمینه‌های سوءاستفاده را از بین ببرند. باید راه سالم سازی روابط و مذاکره و گفتگو با کشورهای منطقه منجمله با امارات را بر سر ماجرای ابوموسی هدف قرار داد. هیچکس حق ندارد با سر نوشت کشور و مردم ایران بازی کند.



بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را
هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم!

جشن سالگرد باشکوهت هنرمندان:

عارف و عاشورپور

زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر

محل: آلمان - بن

BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL
Zentrum Kennedybrücke
Friedrich-Breuer-Strasse 17
5300 Bonn 3 · Tel. 02 28/46 03 79

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

وام‌های کوتاه مدتی که سرسیدشان رسیده و پرداخت نشده اند به مبلغ ۵ میلیارد دلار بالغ شده است که می‌بایستی در سال آتی پرداخت شوند. علت این امر آنست که در دو سال گذشته واردات ایران بشدت بالا رفته ولی از درآمدهای ارزی کاسته شده است. رقم بدهی‌های جمهوری اسلامی مرتباً بالا می‌رود. بنوشته کیهان هوایی میزان بدهی‌های خارجی ایران در عرض سه سال یعنی از سال ۱۹۸۹ تاکنون از حدود ۴/۵ میلیارد دلار به بیش از ۱۵ میلیارد دلار یعنی بیش از سه برابر رسیده است. برخی مطبوعات این رقم را ۳۴ میلیارد دلار نوشته‌اند. لذا رقم منظور شده در درآمدها از محل فروش نفت، تحقق نخواهد یافت.

رفسنجانی اولین ویژگی بودجه سال آتی را در یکسان بودن درآمدها و هزینه‌ها قلمداد کرده و آن را یکی از موفقیت‌های بزرگ دولت بحساب آورده است، با آنجه که در مورد درآمدهای نفتی گفته شده است، در همل و نه در کافذ، بودجه سال ۷۲ با کسری قابل توجهی مواجه خواهد شد و دولت رفسنجانی مجبور خواهد گردید که همانند سالهای قبل برای تامین کسری بودجه بر استقراض از سیستم بانکی توسل جوید. بعلاوه در واقعیت همواره میزان هزینه‌ها بویژه هزینه‌های جاری از ارقام پیش‌بینی شده بیشتر خواهد شد و این امر به بالا رفتن کسری بودجه خواهد انجامید.

پاسخ به نامه

چهار سازمان ایرانی در تروژ از سوی رئیس مجلس آلمان

مخالف رژیم در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین، روز ۱۳ اکتبر در جلسه مجلس مورد بحث قرار گرفت.

نمایندگان مجلس آلمان پیوسته خواستار رعایت حقوق بشر شده و این کار را بعد از این نیز دنبال خواهند کرد. آنها بویژه در کمیسیون ویژه حقوق بشر و کمک‌های انسانی مجلس که نامه شما برای آن هم ارسال شده نیز مسئله رعایت حقوق بشر را پیگیری خواهند نمود.

با بهترین آرزوها و سلام‌های دوستانه

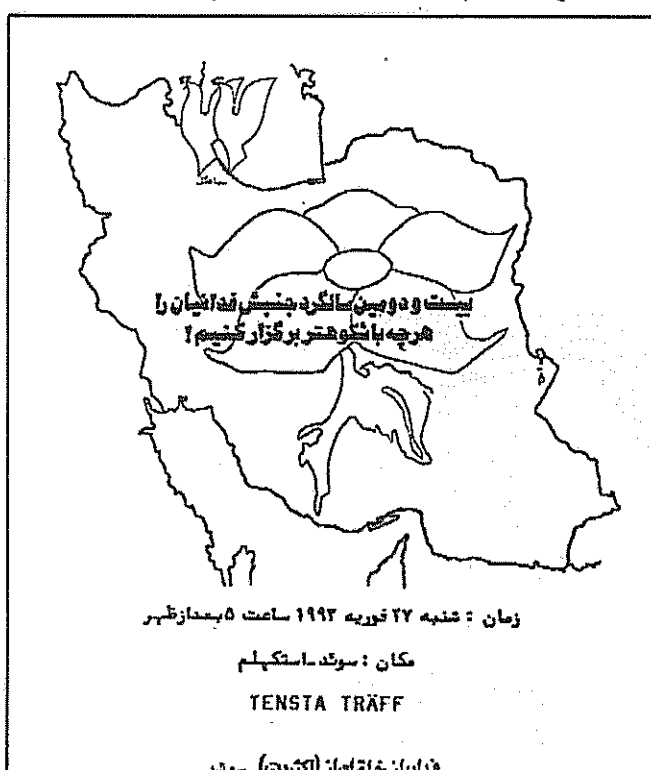
از طرف ریتازیس موت

رئانه مانکه

در پاسخ به خواست فعالین سازمان ما، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان فدایی و سازمان فدائیان خلق در تروژ به رئیس مجلس آلمان درباره لزوم دستگیری و محاکمه عاملین ترور برلین، خانم رناته مانکه از سوی رئیس مجلس آلمان نامه‌ای فرستاده که متن آن به قرار زیر است:

رئیس پارلمانی آلمان، خانم ریتازیس موت به خاطر نامه‌ای که در تاریخ ۲۷ نوامبر به‌وی نوشته‌اید، از شما سپاسگزار است. وی پاسخگویی به این نامه را به من وانهاده است.

موضوع ترور چهار ایرانی



در حاشیه رویدادها

"عراق نیز آزموده شود!"

ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: "به نوبه سرنوشت دو کشور منطقه در مقابل خطر مشترک قرار دارد." نتیجه‌گیری سلام از این ارزیابیها و فرضیات چنین است: "مصلحت عمومی کشورمان ایجاب می‌کرده است که روابط خوبی با اعراب داشته باشیم، اما آنان را که آزموده‌ایم، تصمیم گیرندگان مستقلی نبوده‌اند. پیشنهاد مشخص این است که عراق نیز آزموده شود."

اگر گردانندگان روزنامه سلام رابخشی از رژیم بدانیم که چنین نیز هست - معنی اینکار این است که حداقل در میان محافل از رژیم، اندیشه اتحاد با صدام برای مقابله با فشارهای خارجی وجود دارد و این برای حداقل محافلی در حکومت اسلامی امر عجیبی نیست. اما این سخن سلام کاملاً عجیب است که نوشته دیگران را آزموده‌ایم، اینبار عراق آزموده شود. آیا صدام آزموده نشده؟

بین رژیم صدام و حکومت جمهوری اسلامی تعلقا مشابعت‌های زیادی وجود دارد. اما بنظر نمی‌رسد که رژیم بخت آنرا داشته باشد فاجعه آفرینی دیگری را در مقابل مردم ایران بیازماید.

"تهاجم فرهنگی به بخش در مانی!"

زنان و مردان در مراکز درمانی تاکید دارد و برای اجرای آن تاکنون هیچ طرحی را نیز پیشنهاد کرده است. از جمله طرح‌های ایشان ایجاد "بیمارستانها و مراکز ویژه درمانی بانوان" است که گویا وزارتخانه ایشان در تلاش برای انداختن آنهاست. به گفته معاون فرهنگی وزارت بهداشت "اطاقهای حمل و بخش‌های مختلف بیمارستان‌ها باید مطابق احکام الهی باشند نه جایی برای آنهاییکه جسم‌شان را عرضه کنند."

با چهارتا و نصفی پزشک و متخصص که کشور در اختیار دارد باید از این پس در انتظار خبرهایی از این دست باشیم که بخاطر نبود پزشک یا متخصص زن، فلان بیمار زن فوت کرده است.

فشارهای دنیای غرب و در راس همه آمریکا علیه جمهوری اسلامی در ماههای اخیر، با تغییرات محسوس در رفتار کشورهای عرب منطقه و جبهه آرائی آشکار آنان علیه ایران همزمان است. حمایت آشکارش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از ادعاهای ارضی امارات نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک مورد بارز این جبهه آرائی است. در کنار این، منطقه ما هم چنین شاهد فعل و انفعالات و تحركات جدی در شاخ افریقا و آبهای خلیج فارس و جنوب عراق نیز بود. روزنامه سلام با عنایت به این مسائل احتمال میدهد که در روزهای پایانی ریاست جمهوری بوش "مساله نیمه تمام عراق در دستور کار دولت بوش باشد" و می‌نویسد: "دور از ذهن نخواهد بود که مسئله ایران نیز که بعنوان یک خصم دیرینه آمریکا همچنان مطرح است به نحوی کاندیدای یک توطئه دیگر قرار گرفته باشد."

این روزنامه تغییر رویه آشکار اعراب از جمله بیانیه اجلاس سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که هم علیه ایران و هم علیه عراق بود را در ارتباط با همین مقاصد آمریکا علیه ایران و عراق

بخش درمانی و بیمارستان‌ها و مراکزهای کشور جبهه تازه مبارزه حکومت اسلامی با "تهاجم فرهنگی" شده است. گویا اکنون نوبت پاکسازی این بخشها از "مهاجمی" رسیده است که بعنوان "دانشجو" در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها به جان زنان مسلمان افتاده‌اند و قصد "نظر بازی" انتم در اطاق همل دارند!

آقای باقر لاریجانی معاون فرهنگی و حقوقی وزارت بهداشت و درمان، تماس میان زن و مردناحرم در بخشهای درمانی کشور را "از جنبه‌های بارز تهاجم فرهنگی" اعلام کرده و می‌گوید: "ما باید این تماس را به حداقل برسانیم و این، از اصول جدی ماست. هیچ فکر روشن ماباندای هم نباید ما را از این مهم غافل کند." آقای معاون بر جدا سازی

پیرامون مواضع "سازمان بابک خرم‌دین" و تصحیح و پوزش‌ها

واپس‌گرای ولایت فقیه می‌رزد نمی‌تواند با نظام سلطنتی که خود نوبی دیگر از واپس‌گرای است سرآشتی داشته باشد تا چه رسد که "در ضد جلب توجه طیف سلطنت‌طلبان برآید". این اتهام دلیلی نمی‌تواند داشته باشد جز اینکه گروهای چپ‌هتوز اسیر در تار و پودی از پندارهای باطلی هستند که در اطراف خود تنیده‌اند و سخت باور کنند جز سازمان‌های چپ و یا راست باشند نیروهایی که در راستای هدف‌های ملی الهام گرفته از تاریخ و فرهنگ و سنن ایرانی بپا خواسته و پرچم مبارزه را بدست گرفته باشند. ما به سازمان‌های چپ بویژه سازمان فدائیان خلق (اکثریت) توصیه می‌کنیم یکبار دیگر از دیدگاه یک ایرانی تاریخ ایران زمین را از سر فرصت و با علاقه مورد مطالعه قرار دهند آنوقت در خوانند پانت فرهنگ ایرانی بالاتر از هر ایسم وایدئولوژی وارداتی است. فرهنگ ایرانی خواهان ساختار نظامی است که بر پایه‌های دادگری و برابری، آزادی‌خواهی و آزاداندیشی استوار گردد. پادرو دمجدد سخنگوی برون مرزی بابک خرم‌دین بامداد

ستون "در حاشیه رویدادها" شماره پیش نشریه کار حاوی مطلبی بود پیرامون "سازمان بابک خرم‌دین" که در آن به‌طور غیر مستقیم این سازمان جزو چریکات سلطنت‌طلب معرفی شده بود. سخنگوی برون مرزی سازمان مزبور با ارسال نامه‌ای به نشریه‌کار نسبت به این اظهار نظر اعتراض کرده و در نامه خود، هم علیه نظام ولایت فقیه و هم علیه نظام سلطنتی که آن را "نوبی دیگر از واپس‌گرایی" توضیح داده است، موضع گرفته است. ما ضمن پوزش از "سازمان بابک خرم‌دین" به خاطر خطای صورت گرفته، همین نامه ارسالی سخنگوی برون مرزی آن به نشریه‌کار را از چاپ می‌کنیم. نشریه وزین کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) پس از درود فراوان در صفحه سه شماره ۵۵ آن نشریه مطلبی زیر عنوان "داستان بابک خرم‌دین" درج شده بود که بدین وسیله تکذیب می‌گردد. لازم است یادآور شویم هدف اصلی انقلاب شکوهمند مردم ایران برای رسیدن به آزادی و دادگری نیازمند برکناری نظام سلطنتی بود. سازمان بابک خرم‌دین که در راستای مبارزات ملت ایران به پیش می‌رود و با نظام

از میان رویدادها

دیپورت
پناهجویان ایرانی
در کانادا

اداره مهاجرت کانادا میخواست پناهجویی بنام "کارولین تقی زاده" را اخراج کند. بخشی از ایرانیان مقیم کانادا روز سوم دسامبر به اعتراض جمعی علیه این اخراج دست زدند. بر اثر این اعتراض، اداره مهاجرت کانادا حکم اخراج پناهجوی یاد شده را پس گرفته و او را بعنوان پناهنده قبول کرد. اما اداره مهاجرت کانادا هم چنان مصمم است حدود ۹۵ تن پناهجوی ایرانی را دیپورت کند.

محافل دمکراتیک و ترقیخواه کانادا از حرکت اعتراضی ایرانیان حمایت بعمل آورده و نسبت به دیپورت پناهجویان شدیداً اعتراض نمودند.

قیمت شیر
۲۵ درصد
افزایش یافت

از روز ۱۵ دی ماه، قیمت هر بطری شیر پاستوریزه ۲۵ ریال افزایش یافت. براساس قیمت های جدید، بهای شیر در تهران از ۱۰۵۰ ریال به ۱۲۵۰ ریال و در استان ها از ۸۵۰ ریال به ۱۰۵۰ ریال افزایش یافت. به گفته مدیر عامل صنایع شیر ایران، این افزایش قیمت با مجوز سال گذشته شورای اقتصاد و با هماهنگی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و صنایع شیر ایران صورت گرفته است.

در اطلاعیه های دولتی، به رسم معمول، بر برخورد جدی با تخلف کنندگان از قیمت های اعلام شده تاکید شده است. اما بنا به گزارش برخی روزنامه های تهران، عرضه شیر در همه جابجی های از قیمت های اعلام شده صورت می گیرد. روزنامه کیهان افزایش بهای شیر را پیش درآمد تک نرخی شدن ارز نامید که به گرانی بیشتر کالاها منجر خواهد گردید.

سه وزارتخانه
صنعتی

ادغام می شوند

کلیات طرح ادغام سه وزارتخانه صنعتی (صنایع، صنایع سنگین، و معادن و فلزات) در کمیسیون های صنایع و امور اداری مجلس به تصویب رسید. به گفته رمضانپور نرگسی عضو هیئت رئیسه مجلس، هدف این طرح ایجاد یک وزارتخانه واحد به منظور ایجاد تمرکز در خط مشی صنعتی است. به گفته وی وجود مراکز متعدد تصمیم گیری، سیاست گذاری در زمینه خط مشی صنعتی کشور را دچار مشکل ساخته است. وی سمت گیری در مورد محدود کردن دخالت های دولت در اداره صنعت کشور را یکی دیگر از دلایل فوق دانست و گفت: این محدود شدن وجود وزارتخانه های چندگانه را بيمورد می سازد. به گفته وی، اجرای این طرح در راستای سیاست تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار اداری و تعدیل نیروی انسانی است. طرح ادغام وزارتخانه های فوق قرار است به زودی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

تشکیل کمیسیون به منظور
پاسخگویی فقهی به مسایل روز

گذارده است، هومایلی است که وجود این ارگان تازه را در کنار حوزه های علمیه ضروری ساخته است.

این ضرورت ظاهراً ادامه راهی از بن بست های مردم فزاینده تر در پاسخ به "مسایل فقهی" و اداره اسلامی جامعه انجام میدهد. بن بست ها به ویژه در ناتوانی رژیم جهت ارائه الگویی قابل قبول از حکومت اسلامی در سطح جامعه به وجود آمده و به سرعت تشدید می شود. رژیم در برابر موج فزاینده ایده های نو که خود آن را "تأجیم فرهنگی" مینامد، از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی ناتوان مانده و جز استفاده از ابزار سرکوب و سیله و پاسخ دیگری در اختیار ندارد. نه تنها جامعه دست رد بر سینه ایدئولوژی حاکم زده است بلکه اکنون مدتهاست در درون و پیرامون خود رژیم نیز فکری روبه گسترش است که اسلام و ولایت فقیه را فاقد توانایی برای اداره حکومت و جامعه میدانند و مدیریت جامعه را بر اساس فقه نئی و خواهان سازماندهی و مدیریت علمی جامعه است.

تشکیل این کمیسیون ظاهراً کجکی است که تاکنون به طور سنتی و معمول برعهده حوزه های علمیه و فقه های درجه اول بوده است و به این فکر دامن زده که حوزه های علمیه با ترکیب و سازماندهی کنونی خود در "انطباق اسلام با پیشرفت های علمی نو به نو" در مانده اند. خامنه ای برای رفع این شبهه در حکم خود تاکید کرده که: "نمایندگان جمهوری اسلامی از حوزه های علمیه قم و دیگر مراکز فقهی در ایران اسلامی، با حضور در مجامع فقهی بین المللی، توانسته اند سهم مهمی در طرح و حل سئوال های فقهی امروز برعهده گیرند. پاسخگویی به نیازهای کنونی فرد و جامعه مسلمان از دیدگاه شریعت اسلامی را تسهیل نمایند." اما آنچه ناگفته باقی

سخنان جنجال برانگیز دکتر سروش

نمیستند. در حالیکه دانشگاه ها با خواصی سرو کار دارند اصلاً چنین وظیفه ای که نامش وظیفه هدایت مردم باشد به عهده ندارند به همین دلیل هم علوم را از خطر عوام زدگی نگاهداری میکنند. اگر من در اینجا ادعا میکنم که محیط دانشگاه محیط عدم تسلیم است و محیط حوزه ای محیط تسلیم است ادعای گزافی نکرده ام. ما در علوم تجربی هیچ خط قرمزی نداریم، اما در علوم حوزه مناقشه زوی مبانی نیست.

مکارم شیرازی رئیس شورای مدرسن حوزه علمیه قم سرباعه سخنان سروش پاسخ داد و گفت بحث های عنوان شده از سوی دکتر سروش دارای پیامدهای سوء برای انقلاب است و اضافه کرد که بر ایام وحدت کاملاً فیروحدت عمل شد و بدبینی و نفرت در بین این دو قشر عظیم که وابسته به هم و در کنار هم هستند ایجاد شد. در همین حال تعدادی از انجمن های اسلامی دانشجویان به سخنان سروش اعتراض کردند.

جاذبه دلخراش رانندگی در تهران

مختاری درس می خواندند. بدنبال این حادثه دلخراش، مدارس منطقه ۱۱ تهران تعطیل شد و انبوه پیشماری از مردم در مراسم تشییع جنازه این دختران دانش آموز شرکت کردند. مقامات پلیس راهنمایی تهران هنوز نتوانسته اند علت دقیق این حادثه را تعیین کنند. گفتنی است که در خیابان ولنجک تهران تاکنون حوادث رانندگی زیاد و مرگباری رخ داده است که یکی از هلال آن دیوار بتونی است که در انتهای سرازیری تند این خیابان بنا شده و موجب حادثه اخیر گردید. به نوشته روزنامه های تهران وزارت کشاورزی این دیوار بتونی را به منظور محافظت از باغ موسسه تحقیقات آفات و بیماری های گیاهی وابسته به وزارت کشاورزی برخورد نمود. در نتیجه این تصادف ۱۶ دانش آموز، یک معلم، یک مستخدمه مدرسه و راننده مینی بوس دردم کشته و بقیه دانش آموزان مجروح شدند. در روزهای بعد خبر درگذشت یکی دیگر از مجروحین این حادثه نیز منتشر شد. دانش آموزان مذکور، در سال سوم مدرسه راهنمایی دخترانه ارشاد در خیابان

تعلیق قرار داد فرهنگی ایران و آلمان

ایران در زمان خود موجی از اعتراض روشنفکران آلمان را برانگیخت، اما دولت آلمان برای به خطر نیانداختن روابط تجاری خود با ایران به این اعتراضات وقعی ننهاد. با تصمیم اخیر و نیز با توجه به محرومیت ایران از شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت و همچنین با اشاعه پاره ای از خبرها مبنی بر قطعیت دخالت رژیم در قتل رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، روابط تهران و بن که نسبت به روابط ایران با سایر کشورهای اروپایی ثابت و پایداری بیشتری داشت، اینک بعید نیست که دچار نوسان شده و ایران در چهارچوب روابطش با غرب با دشواری های بیشتری مواجه شود.

"حرکت فرهنگی تازه"

تعداد شده و مورد حمایت سازمان ها و نهادهای مختلفی قرار گرفته است. خانم ساکی اخیراً در پاسخ به سوالی که: "آیا مایل هستید با یک نوع دیگر از حجاب در مقابل دوربین ظاهر شوید؟" پاسخ داده است: "بله البته به شرط آنکه کاملاً از چادر باشد".

حضور خانم "ساکی" با چادر و مقنعه در برنامه های اخبار تلویزیون، روح تازه ای در جان حزب الله مایوس از همه جادیده است! این خانم چادری توجه، پشتیبانی و قدر دانی شدید حزب الله و جراید حزب الهی را برانگیخته است. این اقدام بعنوان یک "حرکت فرهنگی" و جزیی از مبارزه با تأجیم فرهنگی

دو انجمن اسلامی
در صنف بازار!

به گفته فرخ مسئول انجمن اسلامی صنف آهن فروشان انجمن اسلامی جدیدی در مقابل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار" در حال تشکیل است. او که همانند هم صنف هایش از این جریان بشدت ناراحت است، در جلسه هفتگی "جامعه" زبان به شکایت گشوده است. فرخ میگوید که هدهای در صدد ایجاد یک انجمن اسلامی برآمده اند و وزارت کشور از این جریان حمایت به عمل می آورد. به گفته او سران "انجمن اسلامی" به خامنه ای توسل جسته اند و از او درخواست کرده اند که جلو ایجاد انجمن اسلامی رقیب را بگیرد. خامنه ای در پاسخ گفته است که من از مجموعه مطالبی که گفته می شود احتمال میدهم حق با "جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار" باشد و اضافه کرده است که وجود دو انجمن اسلامی در یک صنف معنی ندارد، آقایان نباید بگذارند اختلاف و انشعاقی بوجود آید و وزارت کشور باید ضوابط قانونی را رعایت کند.

"انجمن های اسلامی اصناف و بازار" یکی از شکل های مهم بازاریهای طرفدار جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب بهمن تا حالا بود. بازاریها از طریق این تشکل و سایر تشکل های خود در هر صنف سیاسی و اقتصادی کشور فعالانه شرکت می جستند و جناح خود را در حکومت تقویت می نمودند. بازاریها در کشمکش های اخیر و در بروز شکاف بین خامنه ای و رفسنجانی در جانب خامنه ای قرار گرفته اند و از سیاست های دولت در برخی از هر صنفها انتقاد میکنند. در همین جلسه سید تقی خاموشی یکی از اعضای مؤثر این انجمن از سیاست دولت در زمینه واردات بشدت انتقاد نمود. به نظر می رسد که وزارت کشور برای جلوگیری از یک تازی این دسته از بازاریها، اجازه تشکیل انجمن اسلامی به طرفداران دولت راداده و از آنها حمایت به عمل آورده است. اکنون که "جامعه" با رقیب تازه نفس روبرو گشته است با توسل به خامنه ای می خواهد هم چنان انحصار تشکل بازاریها را در دست خود نگهدارد.

جنتی
خواستار تشکیل
انجمن های ناصحین
در سراسر کشور شد

جنتی عضو شورای نگهبان و رئیس شورای سیاست گذاری سازمان تبلیغات اسلامی در گردهمایی اعضای جامعه ناصحین قم خواستار تشکیل انجمن های ناصحین در سراسر کشور گردید. او گفت پوشش نامناسب زنان در اجتماع دهن کجی به ارزش های انقلاب است و باید با آن قاطعانه برخورد شود. وی افزود: انجمن های ناصحین، جوانان بسیجی و دلسوزان انقلاب هستند. امر به معروف و نهی از منکر یک کار مردمی است و نباید جنبه اداری پیدا کند.

به انگیزه هفتادمین سالگرد سرایش "افسانه"

"افسانه" نیما، نیمای "افسانه"

ح. بهداد



۶- از حیث سبک یکدست نیستند و همچنین از جهت افراط و تفریط آمیخته‌ای هستند از حماسه و مهزل و هجا و فغان و فیزه، در حالی که حق هیچکدام هم به درستی گزارد نشده ۷/ - از حیث شکل و قالب دور از کمال اند و متقلب و بی‌طریقت ۸/ - از حیث محتوا به‌توام نیامده‌اند بی‌معنی و ناپایدار ۹/ - ولاجرم قالباً هامیانه‌اند."

اندکی پس از جنبش مشروطیت یعنی در سال‌های واپسین سده پیشین و دهه‌های نخست سده جاری کسانی همچون تقی رفعت، جعفر خاмене‌ای، شمس کسمایی، تندرکیا و... کوشیدند با فراتر رفتن از نوآوری‌های عشقی، لاهوتی و... شعر فارسی را تکامل بخشیده و با نغی قید و بندهای دست و پاگیر عروض و اجتناب از تصاویر و حس‌آمیزی‌های فرسوده و میراراه تحول آن را بگشایند، اما شعرایان نیز به‌رغم همه تفاوت‌ها و تباین‌ها با گذشته، از نوان عاقله هنری، خیال‌آمیزی تعبیر و نفاست زبان چندان بهره‌مند نبود. مثلا در شعر زیر که یکی از نوآوری‌های برجسته تندرکیا به‌شمار می‌رود نیز خام‌زبانی، عام‌گویی و فقدان زیبایی برجسته و نمودار است:

پرده دیگر - گفتگوی فرزند و مادر - ای ورپیری بچه تو ای دشمن جانم - هرهر - کشتی تو مرا بسکه زدی زار - زرز - از دست تو سگ توله همیشه نگرانم - و غ - می‌خواهم و بیارم - هف هف - می‌گریه و زاری؟ - ای کوفت کاری - ای بدبوزه - ای کرمک بی‌ریخت و لرج‌ای...

با این همه باید گفت که تلاش و نوآوری‌های همه این شاعران بود که به صورت کمیتی متراکم شده سرانجام با سرایش منظومه "افسانه" از سوی نیما به کیفیتی متفاوت و دوران ساز راه برد و منشا درخت تنومند شعر معاصر ایران گردید.

"افسانه" که در دیماه ۱۳۰۵ انتشار یافت به لحاظ ساخت زبانی، شعری متفاوت با گذشته است. درواقع پیش از نیما نیز برخی از شاعرانی که از آنها یاد شد، زبانی غیر از زبان متعارف عرضه کرده بودند، لیکن این کارها همدتانه از سر مهارت و آگاهی، بلکه بخاطر شتابزدگی و عدم تسلط کامل بر زبان فارسی و توانایی در ورز دادن کلمات و واژگان بوده است. درواقع شعر نیما به‌رغم انحراف‌ها و تخطی‌ها از زبان متعارف هیچگاه "نسخه" و سنسجیده و خام" از کار در نمی‌آید و هماهنگی، تخیل و زیبایی در سرتاسر آن برقرار و پرنمود می‌ماند.

انتشار افسانه نیما "به حد کافی دنیای ادبیات هر سوم آن زمان را خشمگین می‌سازد." این خشم که درواقع نمود انحطاط ادبی حاکم بر شعر فارسی است، با نوآوری نیما درمی‌آویزد و پیر یوش را به ناشنایی با ادبیات کلاسیک ایران، شناختن وزن و قافیه و بی‌بهرگی از ذوق و استعداد شعری متهم می‌کند. نیما در پاسخ به همین "المدگان برسنست" است که می‌گوید: "قافیه این است که من به شعر می‌دهم و بنظر می‌آید که قافیه ندارد، نه اینکه قدما آورده‌اند. کار قدما کاریست بچه‌گانه، بسیار آسانست. عزیز من، قافیه‌بندی

من کاملا به موقعیت خودم امیدوارم و پیش چشم می‌بینم آینده‌ای را که با موهایی سفید و قیافه پیری اطفال هدایت شده مملکت گرداگرد مرا گرفته‌اند و مردم با روی بشاش به من و مقدار خدمت و زحمت من نگاه می‌کنند." (نیما یوشیج)

شعر پارسی که پس از پشت سر نهادن سبک‌های خراسانی، هراتی و هندی وارد دوره رکود و سکون "باز گشت" شده بود، در آستانه انقلاب مشروطیت بیش از هر زمان دیگر از نفس افتاده و توان همگامی با ضرب آهنگ زمان از آن سلب شده بود. جامعه ایران که می‌رفت تا با انقلاب مشروطیت تکانی جدی به خود دهد و قید و بندهای رخوت و سکون هزاران ساله را از دست و پای خود برکند، به شعری نیاز داشت که تب و تاب زمانه را برتاباند، شادی و اضطراب انسان معاصر را وانماید و دگرگون‌نمای زمانه را همراهی و فراتر از آن پیشگامی کند. شعر پارسی در دهه‌های آخر سده پیشین اما به بحرانی همه‌سویه، چه در هر صحنه مجامع و درونمایه، چه در گستره تصویر و ایماژ و چه در پهنه وزن و قافیه دچار شده بود و لذا به هیچ‌روی از عهده آنچه که گفته شد، بر نمی‌آمد. چندین شاعر پر شور با الهام از آرمان‌های انقلاب مشروطیت و جنبش‌های اجتماعی پس از آن و بادرک نیاز تحول در شعر فارسی، کوشیدند تغییرات و دگرگون‌نمایی در آن پدید آورند. کسانی همچون لاهوتی، میرزاده عشقی و نسیم شمال و... به پشتوانه روشنی‌بینی خویش و نیز به یمن آشنایی با زبان‌های فرانسه، روسی و ترکی و تأثیرپذیری از ادبیات این کشورها، شعر پارسی را از زبان صنعتی، رسمی و مدرسی ره‌ساخته و در راه همگام ساختن آن با مردم و پست و بلند روزگار گام‌های پر ارزشی برداشتند. تلاش نوانرانه این شاعران به شعر مضمونی اجتماعی بخشید و آن را به ابزار بیان احساسات و هیجانات توده‌های بیاخته‌ساخته بدل کرد. از این رو شعر مشروطیت بیش از هر چیز از عنصر احساس سرشار است و عناصری همچون شکل، زبان، آهنگ و تخیل در آن چندان نمود و فروغی ندارند. مثلا شعر زیر که فیر سستی‌ترین شعر لاهوتی به‌شمار می‌رود و آن را با الهام از شعر سنگر خونین و ویکتور هوگو سروده است، هنوز مهر و نشان تصاویر و فضای کهن را بر خود دارد و از ایجاز و تصویر خیال‌انگیز در آن اثری نیست.

وزم‌آوران سنگر خونین شدند اسیر باکودکی دلیر به‌سن دوازده آتجادی توهم جله

باین دلاوران - پس ما کنیم جسم تو را هم نشان به‌تیر تا آنکه نوبت تو رسد منتظر بهمان شهرهای نسیم شمال، میرزاده عشقی و... نیز به‌رغم برخی نوآوری‌ها و بدعت‌ها، کماکان گرفتار قید و بند عروض و فقدان تصاویر، آهنگ و ایماژهای محکم و منسجم یکی از شانس‌نامه‌های اصلی آتجاس است. مهدی اخوان ثالث در کتاب "بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج" برخی از کم و کاستی‌های شعر مشروطیت را، چنین جمع‌بندی می‌کند: "۴... - سرشارند از شتاب‌زدگی و سهل‌انگاری و غالباً هریان از زیبایی‌اند/ ۵- از حیث زبان نسخه و سنسجیده و خامند/

به‌شناخت علمی و اجتماعی سپرده‌اند و تحت الشعاع یک بینش سالم و انسانگرایانه، اما دارای انتظامی جدا و بیرون از شعر قرار گرفته‌اند. و در نتیجه شعرشان بیشتر به خطابه‌های سیاسی، فلسفی و اجتماعی شباهت یافته است. و نمودار یک معرفت‌شناسی شده است. تازیبایی‌شناسی. "ونه از زمره شعرایی است که "به‌خاطر اینکه مبادا زیر نفوذ تعیین‌کننده یک‌اندیشه اجتماعی یا دیدگاه سیاسی و فلسفی قرار گیرند، اساسا شعرشان را در یک محدوده تنگ احساسی و فاقد انسجام و ژرفای اندیشمندانه محصور کرده‌اند، و در نتیجه به سطحی از فردگرایی دور شونده از حقیقت تمام انسانی، مبتلا شده‌اند." ۶- به دیگر سخن نیما بی‌آنکه شعرش را به بیاننامه سیاسی بدل سازد، سخت متأثر از زمانه و حال و روز مردم است و اجازه نمی‌دهد شعرش بسان شعر برخی از شاعران "موج‌ساز" و "سوپر مدرنیست" کنونی در بند تجمیعات کلامی و تصویری گرفتار شده و از جنبه‌های مضمونی فراتر به دور افتد. "باید هنرمند در نظر داشته باشد که برای مردم است. خودخواهی او را نباید در کور راه بیاندازد که من فقط برای پوست خود هستم و هنر زندگی با مردم این خود خواهی (و قتیکه به آن زیاده از حد اهمیت گذاشته شود) خنک و در همق بسیار شرم‌آور است. هنر و اسطه‌الیتام همه دردها و واسطه پیشرفت در زندگی است... هنرمند واقعی نمی‌گوید: من رجوری دیگران را فهم نمی‌کنم... همه زنده‌اند و حق دارند که از هنر لذت ببرند." و در جای دیگری می‌گوید: "هیچ تشبیه و هیچ اصطلاح و کنایه و استعاره و هیچ شکل صنعتی و سبک بیان و انتخاب هیچ موضوع حتی هیچیک از احساسات اگر بخواهند برای ما معنی مفید نبویسند، نمی‌توانند آزاد و فی‌نفسه موجود باشند، بلکه وضعیت سیاسی هم در آن دخیل است..." ۸ *

نیما پس از منظومه "افسانه"، در دهه ۲۰ با سرودن شعرهایی همچون "قنوس"، "فراب"، "خانه سرویوبی" و "مرغ آمین" پیوسته بر کیفیت و غنای زبان شعری خود می‌افزاید و با سرودن شعرهای "مانلی"، "می‌تراود مهتاب" و "او را صابرن" در سال‌های بعد نامیرایی و پویایی شعر نو را قطعیت بیشتری می‌بخشد. رهروان راستین نیما، همچون شاملو، اخوان، فروغ و... نیز با دنبال کردن و فراتر بردن کار سترگ وی، به آبیاری درخت نوپای شعر نو پرداخته و خود سبک‌ها و شیوه‌های نوینی را پی‌می‌ریزند. تقریباً همه شاعران ماندگار

آشپز که من می‌دانم وزنم مطلب آن را اسم - می‌گذارم، بسیار بسیار مشکل است و بسیار بسیار لطیف و ذوق می‌خواهد. در اشعار من وزن و قافیه به حساب دیگر گرفته می‌شوند. کوتاه و بلند شدن مصرع‌ها در آنها بنا بر موسیقی فانتزی نیست. من برای بی‌نظمی هم به‌نظمی اعتقاد دارم، هر کلمه من از روی قاعده‌ی دقیق به کلمه دیگر می‌چسبد. شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از قیفر آن است."

با خواندن نامه‌های نیما که در کتابی‌هایی همچون "نامه‌های نیما به همسرش"، "دنیایخانه من است"، "کشتی و توفان"، "ستاره‌ای در زمین" و "نامه‌های نیما" انتشار یافته‌اند، می‌توان دریافت که وی آشنایی

همیتی با ادبیات کلاسیک ایران داشته و آثار معاصر خویش را می‌خوانده است. تسلط وی بر زبان فرانسه و آشنایی با زبان‌های ترکی، روسی و عربی نیز به او امکان می‌داده است که آثار ادبی برجسته این زبان‌ها را مطالعه کرده و از آنها بهره‌ور شود. درواقع نیما بر بستر همین مطالعات و پژوهش‌ها و از رهگذر آگاهی ژرف به نیازهای زمانه است که به اشباع‌شدگی ظرفیت‌های متداول شعری رسیده و می‌گوید: "سه چیز محتاج به تغییراند: شعر، نقاشی، موسیقی، زیر که ما زنده‌ایم. معنی این حرف این است که زندگی مانو می‌شود، معنی نوشدن چیزهایی است که طرف احتیاج ما واقع هستند." ۴

می‌افزاید: "امروز اگر یک نفر "حدیقه" حکیم سنایی یا خمسه حکیم نظامی گنجوی یا قاموس مجدالدین فیروزآبادی یا... و امثال آنها را بنویسد، هیچ اهمیت ندارد، بلکه به حکم تکامل و وضعیت، عیب و نقض خود را معرفی کرده است و در راس‌قرن سیم شهرت داشت. شخص تاریخی فوق را نخواهد داشت. زیرا اگر او پیش نمی‌رود، زمان پیش می‌رود. سعدی و حافظ هر کدام الان زنده بودند، شروع می‌کردند به نوشتن چیزهای دیگر. با همین نگاه و نگرش است که نیما طرحی نو در انداخته و "ادبیات تحولی" یا شعر نو را پی می‌ریزد.

نیما از اینکه در آغاز نوآوری خویش با بی‌احتیایی شعرخوانان و طعن و لحن سنت پرستان مواجه بوده، نه‌راسیده و می‌نویسد: "شعر خوب، مثل طفل زنده بالفعل است. با فکر ملت رشد می‌کند، اگر چه در زمان تولد خود مردود واقع شده باشد. این اقتضای وقت است، باید به آن پی‌هتابود..." ۵

نیما نه از آن شاعرانی است که "به‌خاطر گرایش خالصانه به مسائل اجتماعی و سیاسی و انسانی اساسا شعر خود را به دیدگاه‌های فیرفغانی و گاه صرنا

نامی معاصر به گونه‌ای از هنر و احساسات ژرف و مردم‌دوستانه نیما تأثیر پذیرفته‌اند. فروغ در باره این تأثیر می‌گوید: "نیما شاعری بود که در شعرش برای اولین بار یک فضای فکری دیدم، و یک جور کمال انسانی مثل حافظ. من که خواننده بودم، حس کردم که با یک آدم طرف هستم... از جهت داشتن فضای فکری خاص و آنچه در واقع جان شهرست، می‌توانم بگویم از او یاد گرفتم که چگونه نگاه کنم. یعنی او وسعت یک نگاه را برای من ترسیم کرد. من می‌خواهم این وسعت را داشته باشم. او حدی به من داد که یک حد انسانی بود... انسانی را که در شعر او بود ستایش می‌کردم. من می‌خواستم آن انسان را در دنیای خود بسازم..." ۹

شاملو از فروغ هم فراتر رفته و می‌گوید: "نیما استاد من است و چنان برایش حرمت قائلم که در موردش نمی‌خواهم هیچگونه تفاوتی بکنم..." ۱۰

۳۳ سال پس از مرگ نیما، نام وی همچون ستاره‌ای بر تارک ادبیات معاصر ایران می‌درخشد و شاعران برجسته زمان ما هنوز از آفرینش‌های ماندگار و بینش و نگرش افسانگرایانه وی توشه برمی‌گیرند. در هفتادمین سالگرد سرایش "افسانه" در ستایش و بزرگداشت نیما سزاست که کلام درست و شایسته اخوان را بخش این نوشتار بسازیم:

"گرامی بدریم یاد نیما یوشیج را و ارج بشناسیم یادگارهای عزیزش را، زیرا که او یکی از بزرگترین نمایندگان هنر و فرهنگ ملی ما، یکی از گرانبه‌ترین فرزندان آب و خاک سرزمین کهن ما، پاسدار شرف و حیثیات انسانی و خدمتگزار ملت ما بود. زیرا که او زبانه و زبان گویای زمانه ما و آتش جاودانه ما بود.

بیاموزیم از او شکیبایی و بردباری را و شرفمندانه و فادار بودن به نیکی را و بی‌ریایی و بی‌ادهایی را. بیاموزیم از او خشم و خوشی‌های نجیب را، بیاموزیم از او مردانه به کار بزرگ دبستن را، زیرا که او در کار بزرگ خویش مردانه دل بسته بود، زیرا که او مرد بود، مردی مردستان." ۱
از تندرکیا - به نقل از "۷۷ سال شعر نو فارسی" - هلی بابا چاهی آیدینه ۲۵-۳۹
۲ - "بدعت‌ها و بدایع نیما" - اخوان ثالث ص ۱۷
۳ - نامه‌های نیما - به نقل از کتاب "روشن‌تر از خاموشی" - مرتضی کافی ص ۸۴
۴ - "ستاره‌ای در زمین" ص ۶۲
۵ - "دنیایخانه من است" ص ۳۴
۶ - محمد مختاری - "صدای سخن عشق" ص ۲۴-۱۹
۷ - "ماخذ ۳-۸۳
۸ - "ماخذ ۴-۱۵۴
۹ - "دفترهای زمانه" ص ۷۸-۷۷
۱۰ - "ماخذ ۳-۲۴۴
۱۱ - منبع ۲ مقدمه *

منظومه "افسانه" در کارنامه شعری نیما جز "برترین‌ها" به‌شمار نمی‌رود، لیکن به سبب اهمیت آفاقین آن در پیریزی شعر معاصر ایران، بخش‌هایی از آن را جهت یادآوری و یا آشنایی خوانندگان عزیز در پی می‌آوریم:

گزیده افسانه

در شب تیره، دیوانه‌ای کاو
دل به رنگی گریزان سپرده،
در دره‌ی سرد و خلوت نشسته
همچو ساقی گیاهی فسرده
می‌کند داستانی غم‌آور:
.....
"ای دل من، دل من، دل من!
بینوا، مضطرب، قائل من!
با همه خوبی و قدر و دعوی
از تو آخر چه شد حاصل من.
جز رشکی به رضایه غم؟...
.....
تا به سرستی و غمگاری
با فغانه کی دستار می‌داری.
عالمی دایم از وی گریزه،
با تو او را بود سازگاری
میلایی نیاید به از تو."

افسانه: - "استلایی که مانند‌ی او
کسی در این راه لغزان ندیده،
آه! دیری ست کاین قصه گویند:
از بر شاهه مرغی پریده
مانده بر جای از او آشیان
.....
لیک این آشیان سراسر
بر گف بادها اندر آید.
رهروان اندر این راه هستند
کانداز این غم، به غم می‌رسانند...
لویکی نیز از رهروان بود.

عاشق:
ای فغانه، فغانه، فغانه!
ای خندنگ ترا من نشانه!
ای علاج دل، ای داری درد
همه گریه‌های شانه
با من سوخته درچه کاری
.....

یاد دایم شی ماهتابی
بر سر کوک "نور" نشسته،
دید از سوز دل خواب رفته
دل ز غوغای دو دیده رسته
باد سردی عهد از بر کوک
.....

چنگ در زلف من رد چو شانه
برو و خسته و دوستانه
با من خسته بنوا داشت
باری و شوخی بیگانه
ای فغانه! تو آن باد سردی؟
.....

افسانه:
یاد سر در برون نمره می‌زد
آتش اندر دل کله می‌بوخت
دختری ناگه از در درآمد
که هسی گفت و بر سر همی کوفت:
"ای دل من، دل من، دل من!"

آه از قلب خست برآورد
در بر مادر افتاد و شد سرد
این چنین دختر پندلی را
هیج دلی چه زار و زبون کرد؟
عشق فانی کنده، منم عشق!
.....
حاصل زندگانی منم من
روشنی جهانی منم من
من فغانه، دل عاشقانم
گر بود جسم جانی منم من
من گل عشقم و زاده اشک!

.....
شکوه‌ها را به، خیز و بنگر
که چگونه زمستان سرآمد.
چنگل و در کوک در دسترس است،
عالم از تیر و زدن درآمد
چهره بگشاد و چون برق خندید.
.....

توده یرف از هم شکافید
قله‌ی کوک شد یکسرا بلبل
مرد چوپان درآید ز دهنه
خنده ز شامان و موقن
که دگر وقت سیزه چرانی ست
.....
عاشقا! خیز، کاند بهاران
چشمه کوچک از کوک جوشید،
گل به صبرا درآید چو آتش
رود تیره چو پهلوان غروشد
دشت از گل شده هفت رنگ

.....
آفتاب طلایی نیاید
بر سر زانه می‌جنگامی
زانه‌ها دانه دانه درخشد
همچو لاس و در آب ماهی
بر سر موج‌ها ز دلق
.....
تو هم ای بینوا! شاد به‌خرام
که زهر و نشاط بهار است
.....
که به هر جا زمانه به نفس است.
تا به کی دیده‌ات اشکبار است؟
یوسه‌ای زن که دوران رونده است

عاشق:
آه افسانه درمن بهشتی ست
همچو پیرانه‌ای در برمن
آتش از چشمه چشم‌نماک
عاشق از دست خاک‌نرم
.....
تا نیایی به صورت غم‌خوش...

سلطنت طلبان و مفهوم مشروطه طلبی

مشروطه خواهان دانسته و می‌نویسد که هر چند رضا شاه و محمدرضا شاه به دموکراسی اعتقاد نداشتند ولی اصلاحات و پیشرفت اسباب گسترش دموکراسی را فراهم می‌ساخت و مدم گسترش گام‌بگام دموکراسی بحران و آشوب و هرج و مرج را موجب گردید.

وی سپس نتیجه‌گیری می‌کند که باید در پی تعریف یک مشروطه نوین بود و مثلاً دیگر نمی‌توان امروز از حضور هیئت پنج‌نفری مجتهدین طراز اول در قانونگذاری سخن گفت. او در ادامه می‌نویسد گرایش‌های فکری دیگر در صورت اساس تعهد به حاکمیت ملی آنچنان تفاوت‌هایی با مشروطه‌خواهان ندارند که نتوان در یک چهارچوب دموکراتیک حل و فصل کرد. وی سپس به ضرورت سازماندهی نیروهای مشروطه‌خواه تأکید کرده و از گرایش این نیروها به جانشین کردن کار منظم سیاسی یا انفجار گاهگاهی فعالیت و دست‌زدن به دشنام و ناسزای نام مبارزه سیاسی، و عادت آنها به رابطه فرماندهی انتقاد می‌نماید.

وارث یک سنت بزرگ صد ساله‌اند، بزرگترین و فنی‌ترین سنت سیاسی ایران که بیش از هر سنت سیاسی دیگری قابلیت و نیروی زندگی و توانایی پیشبرد ملت ما را دارد. در مقایسه با سنت سیاسی لیبرال یا به قول خودشان ملیون که تنها بر دموکراسی تکیه می‌کرد و سنت سیاسی چپ که به نام عدالت اجتماعی در پی تحمیل نمونه‌های شکست خورده یک نظام توتالیتر بر ایران بود و یا سنت مذهب بنیادگرا که در کار نبود هر چیزی است که از ایران مانده است. وی سپس مشروطه و نوگرانی و مدرنیته را یکی، و تجربه صدساله در سجا و پیروزی‌های آن را پاسخگوی همه مسائل امروز و آینده ایران می‌داند.

وی سپس می‌نویسد انقلابیون مشروطه بر ضد سلطنت مطلقه قیام کرده و کوشیدند حاکمیت را به مردم بازگردانند، سلطنت مطلقه را با حکومت قانون محدود نموده و منابع کشور را به مصرف توسعه و ترقی ایران برسانند. وی سیاست‌های، و سرمد، تلاش‌های دکتر مصدق در راه ملی‌کردن صنعت نفت را ادامه حرکت

در ادامه مباحثات و گسترش اختلافات درون سلطنت طلبان در نشریه راه آینده مقاله‌ای به قلم آقای داریوش همایون تحت عنوان مشروطه‌خواهی در خدمت پیکار ملی درج گردیده است. این مقاله با هدف پاسخگویی به نظریات جناح افراطی سلطنت طلبان و مقالات آقای شجاع‌الدین شفا تنظیم گردیده است. نویسنده در این مقاله کوشیده است عنوان مشروطه‌خواه را از سلطنت طلب تفکیک کند. او در این باره می‌نویسد: «مشروطه‌خواهی را تنها در نهاد پادشاهی و قانون اساسی ۱۲۸۶ - ۱۲۸۵ نباید خلاصه کرد. انقلابیون مشروطه بنیادگذاران پادشاهی در ایران نبودند بلکه از پادشاهی تعریف تازه‌ای کردند و آن را در متن جهان بینی و برنامه سیاسی تازه‌ای قرار دادند که سرپای جامعه ایرانی را در گروگون کرد. انقلاب مشروطه یک انقلاب نوگری یا تجدید و مدرنیته بود.»

وی سپس به دفاع از حرکت تاریخی سلطنت طلبان پرداخته و می‌نویسد «مشروطه‌خواهان

خبرها و نظرها

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

شرایط کنونی موجو دنیست شرایط ذهنی است. سرکوب وحشیانه نیروهای ملی و مترقی، مهاجرت اجباری بخش بزرگی از این نیروها، اتخاذ سیاست‌های اشتباه و مهم‌تر از همه پراکندگی نیروهای مخالف، مدم توانایی طیف وسیع نیروهای مخالف رژیم در همکاری در زمینه‌های مختلف، کار سازماندهی مبارزه و ایجاد ائتلافی واحد در مقابل رژیم را بسیار دشوار ساخته است.

گزارش، آنگاه به بحث پیرامون شعار محوری حزب در شرایط کنونی پرداخته و شعار «طردباد رژیم ولایت فقیه» را به عنوان شعار محوری حزب مورد تأیید قرار داده است. در این رابطه آمده است که «مبارزه علیه ساختار ولایت فقیه کلیدی‌ترین عرصه مبارزه با استبداد و اختناق کنونی است و تا هنگامیکه این ساختار قرون وسطایی بر مملکت ما حکمفرماست، امیدوار بودن به تحول جدی در جامعه، سراب و توهمی بیش نیست و تجربه سال‌های اخیر نیز این امر را بارها به اثبات رسانده است. تدارک و سازماندهی مبارزه برای پایان دادن به این شیوه حکومتی در کشور ما تنها آغازی است برای تحولات بعدی برای ایجاد یک جامعه آزاد و متکی بر آرا مردم. بدیهی است از آنجاییکه حاکمیت جمهوری اسلامی عمده‌ترین رهبران مذهبی تشکیل می‌شود این مجموعه به شدت با چنین تغییراتی مخالفت خواهد کرد و تنها زمانی تن به آن خواهد داد که مبارزات مردم چنین خواستی را به آنان تحمیل کند. هرگونه حرکتی در جامعه به سمت آزادی به سمت مخالفت با ولایت فقیه گامی است در جهت تضعیف رژیم و آماده‌سازی زمینه برای تغییر اوضاع».

پیش می‌رود. گزارش بر ضرورت برگزاری نشست وسیع تمامی احزاب کارگری و کمونیستی در جهت تعیین خط مشی و برنامه کاری نیروهای چپ تأکید نموده است. در بخش‌های دیگر، گزارش به تحلیل آرایش طبقاتی در کشور پرداخته است. در این تحلیل در رابطه با طبقه کارگر آمده است که این طبقه همچنان استوارترین نیروی ترقی‌خواه و پیگیرترین مبارزترین نیروی جامعه در مبارزه برای آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی است. در همین حال، گزارش بر رشد منفی این طبقه بدلیل توقف رشد صنایع تأکید گردیده است. در رابطه با دهقانان، فقدان شکل‌های صنفی در میان دهقانان کشور به عنوان عامل عمده و جدی ضعف در جنبش دهقانی کشور معرفی شده است.

در گزارش همچنین بر نارضایتی اکثر کسبه و پیشه‌وران کوچک تضاد آنان با تجار و سرمایه‌داران بزرگ و جدایی نمایندگان سیاسی بخش‌هایی از آنان از حاکمیت، تضاد جدی بخش عمده کارکنان دولتی و خصوصی و خصوصاً رده‌های پایینی و میانی آن با رژیم و تضاد اقشار پایینی خرده بورژوازی با حاکمیت جمهوری اسلامی تأکید شده و همچنین آمده است که لومین پرولتاریا و بخشی از حاشیه‌نشینان شهرها به هلت باورهای مذهبی و فقدان پایگاه ثابت طبقاتی در خدمت رژیم ارتجاع قرار دارند و نتیجه‌گیری شده است که رژیم عمدتاً نماینده منافع بورژوازی بزرگ بازار و بورژوازی بوروکراتیک انگلی است.

در گزارش آمده است که اوضاع اقتصادی، فشار بر توده‌های مردم، تضادهای درون حاکمیت و ظلم و ستم بی‌سابقه حاکمی از جود شرایط عینی برای تغییر در جامعه است و آنچه در

دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای برگزاری پلنوم کمیته مرکزی این حزب را اعلام نمود. طبق این اطلاعیه، پلنوم گزارش هیات ایرانی این حزب درباره اوضاع جهان، اوضاع ایران بررسی کوتاهی از آرایش طبقاتی جامعه، ارزیابی شرایط مبارزه و اوضاع اپوزیسیون را به تصویب رساند. پلنوم پس از بحث درباره «آیین‌نامه اجرایی مقررات کار تشکیلاتی خاج از کشور» به هیات اجرایی توصیه کرد تا طرح نهایی آیین‌نامه را برای تصویب کمیته مرکزی آماده نماید. همچنین پلنوم به بررسی روابط مابین نیروهای اپوزیسیون پرداخته و سیاست حمل حزب را در این زمینه به تصویب رساند و در خاتمه هیات اجرایی حزب را انتخاب نمود.

در بخشی از گزارش هیات اجرایی تحت عنوان برخی تحولات در جنبش کارگری و کمونیستی آمده است «پس از طی یک دوران نسبتاً طولانی از خطرات و گسیختگی، اکنون شاهد تحول مثبت در مجموع جنبش چپ به سمت بازسازی و ادامه مبارزه در شرایط نوین می‌باشیم. از جمله نمونه‌های موفق در این عرصه شرکت موفق نیروهای چپ در انتخابات لهستان، بلغارستان، لیتوانی و اوکراین و انتخابات محلی در بخش شرقی آلمان می‌باشد» در ادامه گزارش به فعالیت مجدد نیروهای چپ و کمونیست در اتحاد شوروی سابق، بازسازی حزب کمونیست ایتالیا و موفقیت وی در انتخابات ریاست جمهوری گویان پرداخته و نتیجه‌گیری نموده است که برخلاف پیش‌بینی نظریه پردازان بورژوازی می‌بایست اینکه با فروپاشی اتحاد شوروی احزاب وابسته به آن نیز فرو خواهند پاشید مبارزه این نیروها علیه دشواری‌ها و فرازونشیب

اطلاعیه

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

مختلف تشکیل شده‌اند در قبال تمام دولت‌ها و همه سازمان‌های سیاسی استقلال نام دارند و وظیفه آنها مطابق اساسنامه این جامعه «نظارت بر رعایت و اجرای دقیق موازین و اعلامیه جهانی حقوق بشر در تمام شئون اجتماعی و در نهادهای ملی و حکومتی است. این جامعه نه خواستار زوال و سقوط حکومت است و نه حزب و گروه و سازمانی را به حکومت می‌رساند و نه خود برای کسب قدرت سیاسی مبارزه می‌کند. حال آنکه سازمان جدیدالتاسیس بنابه مفاد پیام آقای گنجی خبر از تاسیس یک سازمان یا جبهه سیاسی می‌دهد.»

در ادامه اطلاعیه ادعای آقای گنجی مبنی بر اینکه دوازده سال پیش کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران تشکیل شد و به همت این کمیته موضوع نقض فاحش و مستمر حقوق بشر آزادی‌های اساسی مردم در دستور کار کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت رد شده است.

چندی قبل آقای منوچهر گنجی رهبر سازمان درفش کاپیانی طی پیامی تاسیس سازمانی با عنوان «سازمان دفاع از حقوق بشر و آزادی برای ایران» را اعلام نمود و طرح کرد که نیروهای سازمان درفش کاپیانی از این پس عمده فعالیت خود را در چارچوب این سازمان متمرکز خواهند نمود. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران که سال‌هاست در این زمینه فعالیت می‌نماید اطلاعیه‌ای در این رابطه صادر نمود. در این اطلاعیه آمده است که این جامعه دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران را رسالت انحصاری خود نمی‌داند ولی اقتباس عنوان «جمعیت دفاع از آزادی حقوق بشر در ایران» که در سال ۱۳۵۶ در ایران تاسیس گردید و توسط رژیم جمهوری اسلامی به محاق تعطیل و ممنوعیت کشیده شد، نه به موازین حقوقی و قانونی مطابقت دارد و نه با اصول اخلاقی. در این اطلاعیه همچنین آمده است که جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در ایران که در کشورهای

انتشار

دوره جدید

نشریه ایل گویچی

اولین شماره دوره جدید انتشار یافت. دوره جدید این نشریه محصول اقدام دو نشریه تازه بدل و ایل گویچی است. در سرمقاله شماره اول این نشریه با عنوان نخستین گام آمده است «مشی نشریه استقلال، آزادی، دموکراسی و ملیت است. استقلال از دو وجه برای ما حائز اهمیت ویژه است. یکی از وجه دفاع از هویت و حقوق ملی فرهنگی خلق ترکمن و دیگری دفاع از استقلال اندیشه و تفکر و رد هر گونه وابستگی فکری، سیاسی و عقیدتی و فیره» در این سرمقاله آمده است که نشریه خواهد کوشید اخبار و رویدادهای مختلف، خاصه مسائل مربوط به ملت ترکمن و ترکمن صحرا را بیطرفانه در نشریه منعکس سازد و همه کوشش خود را به کار خواهد گرفت تا به جای برخورد شعاری به بررسی شعوری مسائل و موضوعات بپردازد.

با اشتراك کار ما را در پيشبرد وظيفمان ياري رسانيد

فرم اشتراك

برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.

ما یلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه ☐ یکسال ☐ مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی ☐ تمبر پستی ☐ همراه نامه است.

آدرس:

Name: _____ (لطفاً خوانابنویسید)

Address: _____

بهای اشتراك نشریه کار

شش ماهه	یکساله
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک

مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

RUZBEN
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

آدرس:

M.ABD

NR_35263011

37050198

Stadtparkasse Köln
GERMANY

fax: 00 49 - 221 - 3318290

مرحله جدید جنگ قدرت در روسیه

نخست وزیر که نکته گرهی مورد اختلاف بود، توافق کرده‌اند. عقب‌نشینی یلتسین نشان داد که وی توان پافشاری بر مواضع قبلی را در خود ندیده است. پس از اعلام نتایج کنگره، لیبرال-دمکرات‌ها که حامیان اصلی یلتسین و حیدر بودند، از رئیس‌جمهور به خاطر "سازش بیش از حد" با کنگره انتقاد کردند.

صرف گزینش چرنومیردین به عنوان نخست وزیر به جای یگور حیدر، ابعاد عقب‌نشینی یلتسین را نشان می‌دهد. تا کمتر از سه سال پیش، یلتسین و چرنومیردین در دو جبهه متخاصم سیاسی بودند. در جریان مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۹۵ برای پارلمان روسیه، چرنومیردین که عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و وزیر کابینه شوروی بود، یلتسین را به خاطر حملاتش به دولت مرکزی به باد انتقاد گرفت. در آن زمان رسم بود که کاندیداها برای جلب آرای مردم از همه چیز دولت انتقاد کنند. چرنومیردین در انتخابات ۱۹۹۵ به خاطر هدم پیروی از این الگوی عمومی، به حوزه انتخاباتی در سیبری بازنده شد.

چرنومیردین در سال ۱۹۸۵ به مسئولیت وزارت صنایع گاز شوروی منصوب گردید. وی توانست صنایع گاز را به تنها رشته‌ای از صنایع سنگین شوروی تبدیل کند که از هنگام آغاز پرسترویکا، دچار بحران نشده است. در سال ۱۹۸۹، وزارت صنایع گاز به یک شرکت بزرگ دولتی تبدیل شد. چرنومیردین با این اقدام به موقع، توانست مانع خصوصی کردن و تکه تکه شدن حوزه مسئولیت خود گردد. کارشناسان غربی، چرنومیردین را شخصیتی می‌دانند که بیش از هر چیز، تحت تأثیر تربیت کارهای دوران شوروی است. یک کارشناس انرژی آمریکایی می‌گوید چرنومیردین هر جا که امکان انتخاب داشته باشد، راهی را برمی‌گزیند که متضمن حفظ کنترل اوضاع باشد.

یلتسین در جریان برگزاری اجلاس کنگره در ماه دسامبر، دریافت که اگر بر انتصاب مجدد حیدر به نخست وزیری پافشاری کند، بحرانی آغاز خواهد شد که احتمالاً نتیجه نهایی آن، انتقال قدرت به رقبای سیاسی‌اش خواهد بود. رئیس‌جمهور روسیه، راه سازش را برگزید. موافقت او با نخست وزیر و چرنومیردین، نوعی تمکین یلتسین به قدرت‌های موجود و جامعه شوروی است. زمینه این تمکین را شکست سیاست "درمان با شوک" فراهم کرد. نیکلای پترافیک یکی از مشاوران اقتصادی دولت گارباچف می‌گوید: "در روسیه، سیاست درمان با شوک از آغاز شکست خورد. آنها فکر میکردند که صرفاً با یک قیمت‌های آزاد، می‌توانند بطور اتوماتیک به تحولات ساختاری جهش کنند. اما وقتی شما با انحصارات سرو کار دارید، قیمت‌های آزاد به معنای انحصار قیمت‌های بالاست."

آینده تحولات

شکست "درمان با شوک" و انتخاب نخست وزیر جدید، به این معنی نیست که روسیه راهی را که در یکسال اخیر پیموده است، باز خواهد گشت. یلتسین و

جنگ قدرت در روسیه با برگماری ویکتور چرنومیردین به نخست وزیری، وارد مرحله جدیدی شده است. یگور حیدر، نخست وزیر پیشین که مورد حمایت باریس یلتسین رئیس‌جمهور بود، از طرفداران "درمان با شوک" برای اقتصاد روسیه به شمار می‌رفت. در دوره مسئولیت حیدر، سیاست خصوصی کردن سریع کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی به اجرا گذاشته شد و محدودیت بسیاری از قیمت‌ها لغو گردید. حیدر، مدافع گذار سریع از اقتصاد برنامه‌ای به اقتصاد بازار بود. اما جانشین او چرنومیردین، می‌گوید که طرفدار اقتصاد بازار است، نه بازار مکاره. چرنومیردین که از نسل مدیران صنعتی شوروی است، می‌خواهد به سیاست تکیه بر صنایع سنگین به مثابه ستون فقرات اقتصاد روسیه بازگردد.

در نخستین روزهای پس از روی کار آمدن چرنومیردین، به نظر می‌رسید یلتسین نیز دست به تجدید نظر در مواضع خود پیرامون سیاست اقتصادی دولت زده است. وی که ماه‌ها از حیدرو سیاست "درمان با شوک" او پشتیبانی میکرد، در جریان سفر خود به چین بلافاصله پس از انتخاب چرنومیردین به ستایش الگوی اصلاحات تدریجی اقتصادی در چین پرداخت. میگویند یلتسین در روزهای آخر مسئولیت حیدر، در مورد درستی سیاست "درمان با شوک" ابراز تردید می‌کرد. به گفته سرگئی استانکویچ یکی از مشاوران رئیس‌جمهور روسیه، "به لحاظ روانی یلتسین آماده پذیرش مرحله جدیدی است که اصلاح طلبی، رادیکال، وجه مشخص آن نخواهد بود." یلتسین در چین به خبرنگاران گفت که سفرش به این کشور، تصورات قبلی‌اش را مبنی بر اینکه جامعه چین تحت کنترل سخت حزب حاکم است، تصحیح کرده است. وی افزود چینی‌ها با دادن امکان رشد به بخش خصوصی در همین رسیدگی دلسوزانه به مسائل کارخانه‌های دولتی، به نتایج چشمگیری دست یافته‌اند. رئیس‌جمهور روسیه همچنین گفت که رهبران چین خاطر نشان کرده‌اند وظیفه اصلی حزب حاکم، استفاده از مکانیزم خود برای انجام اصلاحات است.

زمینه این اظهارات و موضعگیری جدید یلتسین چیست؟ رئیس‌جمهور روسیه تا پیش از برگزاری اجلاس اخیر کنگره نمایندگان خلق، امیدوار بود که "درمان با شوک" بتواند سیستم مدیریت بجا مانده از دوران شوروی را بکلی درهم بشکند. یلتسین و دستیارانش امید داشتند که بتوانند به جای سیستم مدیریت موجود، به حمایت مردم تکیه کنند. اما تورم تشدید ناشی از سیاست "درمان با شوک"، از میزان طرفداری مردم از دولت یلتسین کاست. وقتی اجلاس کنگره افتتاح شد، یلتسین دیگر می‌دانست که در جنگ قدرتی که در پیش است، نخواهد توانست. مانند روزهای کودتای اوت ۱۹۹۱ از "حمایت مردمی" به عنوان یک برگ برنده استفاده کند. این نکته بسیار قابل توجه است که در جریان برگزاری کنگره اخیر، نخست این گزارش انتشار یافت که یلتسین می‌خواهد برای محدود کردن اختیارات کنگره و پارلمان، به فراندوم متوسل شود. اما اندکی بعد، اعلام شد که رئیس‌جمهور و رئیس پارلمان در مورد نحوه انتخاب

هملاورشکسته شد، شرکت گاز روسیه شعبه سوئیس این بانک را خریداری کرد. این تصمیم، برای صنایع گاز تسهیلات مالی مناسبی در معاملات خارجی ایجاد کرد. چرنومیردین از مخالفان سرسخت "رشد سرمایه از پایین" که در دوره زمامداری حیدر آزمایش شد، محسوب می‌شود. نخست وزیر جدید طی یک کنفرانس مطبوعاتی، با لحنی کنایه آمیز از خبرنگاران پرسید: "آیا می‌توانید از یک کشور نام ببرید که اقتصاد آن متشکل از دهک‌های کوچک است؟"

یگور حیدر ۳۷ ساله، اقتصاددان جوانی است که تحت تأثیر شکست تجربه سوسیالیسم دولتی، به صف پیروان مکتب سرمایه‌داری لحام گسیخته پیوسته است. حیدر تجربه و سابقه عملی در مدیریت اقتصادی نداشت، در حالیکه جانشین او با ویژگی‌های اقتصاد روسیه آشناست. اما این قابلیت نخست وزیر جدید، از ابعاد تردیدها نسبت به امکان موفقیت او نمی‌کاهد. تولید صنعتی روسیه ۲۵ درصد کاهش یافته است. روسیه با تورم ۲ هزار درصدی دست و پنجه نرم می‌کند. دولت حیدر در خصوصی کردن کارخانه‌ها سیاستی را پیش برده است که با دشواری می‌توان آن را متوقف کرد. دولت روسیه فروش سهام کارخانه‌ها را آغاز کرده است. در چنین شرایطی، این سؤال مطرح است که آیا چرنومیردین خواهد توانست جلوی انحلال سیستم مدیریت دولتی را بگیرد یا نه.

نخست وزیر جدید بیش از همه از حمایت گروه مدیران صنعتی روسیه برخوردار است. آرکادی ولسکی سخنگوی اتحادیه مدیران صنعتی، از شخصیت‌هایی است که یلتسین پیش از برگزاری اجلاس کنگره کوشید حمایتش را جلب کند.

سیاست خارجی روسیه

فرب نارضایتی خود را از تحولات اخیر روسیه پنهان نمی‌کند. در طول ماه‌ها جنگ قدرت میان یلتسین و ژقبایش، رئیس‌جمهور روسیه و گروه او بطور مرتب می‌گفتند که اگر روسیه مشی "اصلاحات رادیکال" را ترک کند، فرب دیگر باز پرداخت وام‌های معوق روسیه را به عقب خواهد انداخت و اعتبارات جدید نخواهد داد. تأکیدات مکرر نخست وزیر جدید بر ادامه مشی اصلاحات رانیز باید در همین رابطه ارزیابی کرد. در عین حال، این نکته رانیز نباید از یاد برد که اولاً فرب هلیرقم تهدیدات خود، تقریباً چاره‌ای جز تهدید محلت بازپرداخت بدهی‌های روسیه ندارد. صرفاً با اعلام عدم تمديد این محلت، حتی یک دلار از این بدهی‌ها به بانک‌های غربی بر نخواهد گشت. ثانياً کشورهای غربی تاکنون هیچ کمک موثر به اقتصاد روسیه نکرده‌اند که اکنون می‌توانند با تهدید به قطع آن، تأثیر تعیین کننده بر سیاست داخلی روسیه بگذارند. فرب تاکنون با برخوردی سوداگرانه تنها به گرفتن امتیاز از مسکو پرداخته است: از گرفتن رای مثبت به قطعنامه‌های آمریکایی در شورای امنیت گرفته تا وا داشتن روسیه به انفعال در قبال بحران بالکان. روسیه همه این امتیازها را داده است، بدون اینکه ما به ازای آن را بصورت یک "طرح مارشال" جدید بگیرد. همین نکته از هوامل تضعیف یلتسین و گروه او است. در روسیه، کسانی قدرت می‌گیرند که نه خودامیدی

تاجیکستان، ناآرامی و خونریزی‌ها همچنان ادامه دارد

دموکراتیک را به عنوان پوششی برای استعاره اندیشه‌های بنیادگرایانه اسلامی مورد استفاده قرار می‌دادند و این خطر واقعی وجود داشت که تاجیک‌ها به عنوان یک ملت، به کلی از میان بروند.

دولت کنونی پس از سه ماه درگیری‌های خونین در پایتخت و برخی دیگر از نواحی تاجیکستان روی کار آمده است. پیش از این دولت گروه‌های اسلامی و دمکرات‌ها با سرنگونی رحمان نبی‌اف نزدیک به دو ماه قدرت را در تاجیکستان در دست گرفتند. اما این دولت نیز در زرد خوردهای خونین ماه نوامبر سقوط کرد و اوایل سپتامبر دولت جدید که اکثر اعضای آن را نادرهای دولتی سابق در ایالات شمالی از کولاب تشکیل می‌دهند، قدرت را در دوشنبه بدست گرفت. دولت جدید بعد از استقرار در دوشنبه اعلام کرد که آرامش در سراسر کشور برقرار شده است و یک روز راه عنوان "جشن آشتی ملی" اعلام نمود. اما نه از "آرامش" و نه از "آشتی ملی" هنوز خبری نیست. و تا ساف آور قتل‌ها و کشتارهایی است که بیشتر به "شکار مخالفان" از سوی هوامل دولت جدید شباهت دارد و هواقب آن بیگمان گریبان دولتمردان تازه را خواهد گرفت.

دیدار، قرار داد دوم محدود کردن سلاح‌های استراتژیک (موسوم به استارت ۲) امضا خواهد شد. اگر چه مقامات آمریکایی بلافاصله گفتند که این خبر صحت ندارد و مذاکرات پیرامون متن این قرارداد به پایان نرسیده است، اما چند روز بعد وزرای خارجه آمریکا و روسیه به توافق نهایی پیرامون استارت ۲ دست یافتند و قرار شد این قرارداد در مسکو به امضای بوش و یلتسین برسد. هم بوش و هم یلتسین به امضای استارت ۲ نیاز دارند: بوش می‌خواهد پایان یک دوره از حکومت جمهوری خواهان با امضای گسترده‌ترین توافق خلغ سلاح توام باشد و از این طریق، ماجرای "ایران گیت" که در آخرین روزهای زمامداری بوش بار دیگر به یک موضوع اصلی رسانه‌ها در ایالات متحده تبدیل شده است، تحت الشعاع قرار گیرد. یلتسین مایل است با توافق سریع و امضای استارت ۲ نشان دهد که ابتکار سیاست خارجی روسیه کهاکان در دست او است و در عین حال با این "قدرت نهایی" موقعیت تضعیف شده خود در قدرت سیاسی را جبران کند.

بنظر می‌رسد که تحولات آتی در روسیه حول اختلاف بین یلتسین و چرنومیردین متمرکز شود و این دوگانگی در قدرت، کانون بحران سیاسی گردد. چرنومیردین مورد حمایت اکثریت کنگره نمایندگان خلق است و نیروی اجتماعی بزرگی در روسیه بحران زده کنونی با امید به این نخست وزیر جدید می‌نگرد. در مقابل، یلتسین نیز که مقام قدرتمند ریاست جمهوری را در تملک خود دارد از داخل و خارج کشور مورد حمایت است و حاضر نیست براحتی قدرت خود را از دست بدهد.

با وجود گذشت بیش از ۴ هفته از تشکیل دولت جدید در تاجیکستان و استقرار آن در شهر دوشنبه اعلام پایان جنگ داخلی توسط رحمانف رئیس‌جمهور موقت این کشور، اوضاع در تاجیکستان همچنان غیرعادی است و گزارش‌ها حاکی از ادامه قتل و کشتارهاست. در همین حال بنا به گزارش خبرگزاری‌ها نفر از مردم این جمهوری ۵ میلیون نفری شوروی سابق برای در امان ماندن از درگیری‌ها به شمال افغانستان پناه آورده‌اند. گفته می‌شود در اثر قتل‌های پراکنده در نقاط مختلف شهر دوشنبه و اطراف آن در هفته‌های اخیر ده‌ها نفر جان خود را از دست داده‌اند. دولت تازه "گروه‌های مسلح غیرمسلول" را عامل این کشتارها اعلام کرده است. اما مخالفان، عاملین کشتارها را طرفداران دولت جدید معرفی می‌کنند.

"امامعلی رحمانف" رئیس پارلمان و رئیس‌جمهور موقت تاجیکستان در پیام خود به مناسبت سال نو میلادی اعلام کرد که در جنگ داخلی تاجیکستان ده‌ها هزار نفر کشته شده‌اند و بازسازی ویرانه‌های این جنگ و زیان‌های اقتصادی وارده به کشور ده‌ها سال طول خواهد کشید. وی گفت دموکرات‌ها و اسلام‌گرایان شعارهای

به پشتیبانی و گشاده دستی شرب دارند و نه چنین امیدی را به مردم القامی‌کنند. هنوز نشانه‌ای وجود ندارد که حاکی از تغییر سیاست خارجی روسیه باشد. اما تعلق آن‌دهای کوزیرف وزیر خارجه روسیه در یک اجلاس کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در استکهلم که همزمان با کنگره نمایندگان خلق روسیه تشکیل شد، از سوی فرب به عنوان یک هشدار باش تلقی گردید. کوزیرف سخنانی ایراد کرد که برای سیاستمداران بهت زده غربی، یادآور دوران رقابت شرق و فرب در اروپا بود. وی گفت سیاست روسیه در قبال بالکان تغییر خواهد کرد و مسکو به حمایت از صربستان خواهد پرداخت. وزیر خارجه روسیه پس از این نطق که سرو صدای زیادی براه انداخت، گفت که با این اظهارات می‌خواسته به فرب هشدار دهد که اگر "محافظه‌کاران" در مسکو قدرت گیرند، چه خواهد شد. وزیر خارجه روسیه از جمله اعضای کابینه حیدر است که بیش از سایرین آماج حملات مخالفان بوده است. این مخالفان، کوزیرف را متهم می‌کنند که در مقابل فرب از منافع روسیه دفاع نکرده است.

در مورد بالکان، پارلمان روسیه اخیراً قطعنامه‌ای تصویب کرد که در آن از سازمان ملل خواسته شده است همه طرف‌های جنگ در یوگسلاوی و نه فقط صرب‌ها را مورد تحریم قرار دهد. اما ظاهراً اینگونه موضعگیری‌ها تاکنون از حد تهدید لفظی فراتر نرفته است. یلتسین اصرار دارد که نشان دهد مهار سیاست خارجی روسیه همچنان در دست او است. وی در چین اعلام کرد که در ماه ژانویه در آسکا با بوش ملاقات خواهد کرد و طی این

آیا آمریکا در بوسنی مداخله خواهد کرد؟

ادامه بحران

فلسطینی‌های تبعیدی

کج کرده‌اند. در شرایطی که ۴۰ درصد از ۹۰۰ هزار فلسطینی ساکن نوار فزه بیکارند و فقر و محرومیت در این منطقه به چشم می‌خورد، اقدامات بنیادگرایان مانند ترتیب دادن پخش غذای رایگان در میان مستمندان، سازماندهی کلاس‌های کامپیوتر، کاراته و غیره برای جوانان در مساجد و تبلیغات افراطی علیه مذاکرات صلح خاورمیانه، بر میزان طرفداری از حماس افزوده است. بویژه در ماه‌های اخیر که سرسختی اسرائیل گفتگوی

بحران ایجاد شده با اخراج ۴۱۵ فلسطینی ساکن مناطق اشغالی توسط اسرائیل، ادامه دارد. سه هفته از هنگامی که نظامیان اسرائیلی، این تبعیدی‌ها را در منطقه مرزی و کوهستانی میان اسرائیل و لبنان رها کردند، می‌گذرد بدون اینکه هیچ یک از دو دولت اسرائیل و لبنان مسئولیت این عده را بپذیرد. این دو دولت نه تنها حاضر به پذیرش فلسطینی‌ها نشده‌اند، بلکه از کمک‌رسانی به آنها توسط سازمان‌های بین‌المللی نیز جلوگیری می‌کنند. در میان برف و

بیل کلینتون در آستانه انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری صربستان از مردم این کشور خواست به سلو بودان میلووویچ رئیس جمهور صربستان رای مخالف دهند. برخی نشانه‌های دیگر نیز حاکی از این بود که آمریکایی‌ها به پیروزی میلان پانیچ نخست‌وزیر صرب - آمریکایی فدراسیون یوگسلاوی در انتخابات ریاست جمهوری صربستان امید بسته‌اند. این امید به تحقق نپیوست. پانیچ نتوانست میلووویچ را در انتخابات شکست دهد، و پس از انتخابات حتی پارلمان یوگسلاوی نیز به او به عنوان نخست‌وزیر فدراسیون رای عدم اعتماد داده است. پانیچ که با شعارهای صلح طلبانه به صحنه سیاسی یوگسلاوی وارد شد، اینک یک بازنده است که حرف چندانی برای گفتن ندارد.

بحران بالکان در صورت مداخله نظامی غرب، وارد مرحله جدیدی خواهد شد. ظاهراً سران آمریکا و برخی از کشورهای متحدش بر آنند تا هلیفرم نظر دبیرکل سازمان ملل و فرستاده‌او به بالکان، بار دیگر دست به یک قدرتی نمایی نظامی بزنند. اگر چه احتمال به نتیجه رسیدن کنفرانس صلح یوگسلاوی در ژنو نیز به گونه‌ای که طرفین منازعه به توافق برسند، منتفی نیست.

تصمیم به اقدام در بالکان قطعی نیست، می‌گوید: "ما در ویتنام درس‌های نظامی و در خلیج فارس درس‌های سیاسی گرفتیم. تجربه ویتنام می‌گوید که افزایش تدریجی میزان مداخله به نتیجه نمی‌رسد." این مقام آمریکایی می‌افزاید در صورت اتخاذ تصمیم قطعی به مداخله، آمریکا و متحدانش ناگزیر از درگیر شدن زمینی با صرب‌ها خواهند بود. تلاش‌های آمریکا با مقامات دبیرکل سازمان ملل مواجه است. تاکنون پطرس عالی بر این نظر خود پافشاری کرده است که باید به فعالیت‌های دیپلماتیک و کنفرانس صلح یوگسلاوی سابق در ژنو فرصت بیشتری داد. سائروس و نس وزیر خارجه اسبق آمریکا که چند ماه است از سوی دبیرکل سازمان ملل مأموریت میانجی‌گری در بالکان را دنبال می‌کند، در آخرین روزهای سال ۱۹۹۲ از جرج بوش تقاضی ملاقات کرد تا خواستار عدم مداخله نظامی شود. ظاهراً به تقاضای و نس وقتی گذاشته نشده است. در بروکسل، ناتو اعلام کرد که حاضر است نیروهای خود را برای کنترل منع پرواز بر فراز بوسنی به کار گیرد. فرانسه نیز که نیروهایش در چارچوب ناتو نیستند موافقت کرده است تا نظامیان خود را برای شرکت در عملیات مشترک، گسیل داد.

فراز بوسنی زد. یک مقام شورای امنیت ملی آمریکا به مطبوعات این کشور اطلاع داد که بوش تصمیم نهایی خود را برای مداخله در بالکان گرفته است. به نوشته هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک، پنتاگون وزارت دفاع ایالات متحده، طرحی تهیه کرده است که نتیجه ماه‌ها مشورت و تبادل نظر میان ژنرال کالین پاول رئیس ستاد نیروهای مسلح آمریکا و ژنرال جان شالیکا شویلی فرمانده نظامی ناتو است. هنوز از کاخ سفید تاییدی بر اقدامی فراتر از به کرسی نشاندن ممنوعیت پرواز انتشار نیافته است. آنچه امکانات بوش را محدود می‌کند، این است که هر تصمیمی که او بگیرد، تا چند هفته دیگر تبدیل به معضل دائمی دولت کلینتون و وزرای خارجه (احتمالاً وارن کریستوفر معاون وزیر خارجه دولت کارتر) و دفاع (به احتمال زیاد لس‌آسپین رئیس کمیته دفاع مجلس نمایندگان) خواهد شد. در پنتاگون طرح "پرواز ممنوع" بیش از سایر پیشنهادها طرفدار دارد.

به نظر می‌رسد جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در آخرین روزهای زمامداری خود تصمیم به مداخله در بوسنی گرفته است. طی ماه‌های گذشته، نوعی دوگانگی وجه مشخصه سیاست واشنگتن در قبال بحران بالکان بود. در حالیکه وزارت خارجه ایالات متحده مواضع تنیدی علیه صرب‌ها اتخاذ می‌کرد، پنتاگون بی‌میلی خود به دخالت نظامی را پنهان نمی‌داشت. مقامات وزارت دفاع آمریکا در پاسخ به آنهایی که خواهان اقدام نظامی بودند، می‌گفتند یوگسلاوی سابق کوهستانی‌تر و صعب‌العبورتر از آن است که ارتش آمریکا بتواند در آنجا کار خود را با موفقیت پیش برد. اما پس از پیاده شدن نیروهای آمریکایی در سومالی، در محافل عمومی آمریکا احتمال دخالت این کشور در بوسنی بیشتر مطرح شد. لارنس ایگل برگر وزیر خارجه دولت بوش ضمن مقایسه قتل عام اهالی بوسنی توسط صرب‌ها با کشتار یهودیان بدست آلمان نازی، خواستار تشکیل دادگاهی بین‌المللی علیه جنایات جنگی رهبران صربستان گردید.

بیل کلینتون رئیس جمهور منتخب آینده گفت که برای افزایش فشار به صرب‌ها باید دست به اجرای عملی اقداماتی در کنترل ممنوعیت پرواز هواپیماهای ارتش یوگسلاوی بر



صلح را به بن‌بست کشانده، در میان فلسطینی‌ها این باور رشد کرده است که دستیابی به صلح هادلان از طریق مذاکره ممکن نیست و باید به راه‌حل‌های رادیکال مانند آنچه حماس تبلیغ می‌کند روی آورد.

برخی گزارش‌ها حاکی است انزوای اسرائیل بدنبال اخراج بیش از چهار صد فلسطینی، در کابینه اسحاق رابین این بحث را مطرح کرده است که اسرائیل باید برای خروج از این انزوای و قطع روند رادیکالیزه شدن فلسطینی‌ها، مذاکرات مستقیم با ساف را بپذیرد. برخی سیاستمداران اسرائیلی معتقدند حماس از ساف خطرناک‌تر است اما سیاست رسمی اسرائیل هنوز ساف را دشمن اصلی اسرائیل می‌داند. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید دولت او حاضر به گفتگو با ساف "به مثابه یک سازمان" نیست. برخی ناظران، معتقدند این فرمولبندی رابین احتمال مذاکره با یاسر عرفات "به مثابه یک شخصیت" را منتفی نمی‌کند.

اما تاکنون هواتب اقدام ضد انسانی اسرائیل صرفاً منفی بوده است. چهار صد فلسطینی که تعداد زیادی از آنها پزشک، مهندس و یا صاحب حرفه‌های دیگر تخصصی‌اند، در سرمای جنب لبنان روزهای سختی را می‌گذرانند. وقتی هم که این روزها سپری شود، هیچ‌کس نخواهد توانست این عده و خانواده‌هایشان را نسبت به ضرورت صلح با اسرائیل متقاعد کند. اعتراضات مردم مناطق اشغالی به تبعید اخیر، تاکنون حداقل به کشته شدن ده فلسطینی توسط اشغالگران انجامیده است. حماس با اخراج ۴۰۰ فلسطینی به اتهام هواداری از این سازمان، شهرت بیشتری کسب کرده و بدون تردید، باز هم بر پایگاه توده‌ای خود به ضرر ساف افزوده است.

سرمای زیر صفر بلندی‌های جنوب لبنان، افراد اخراج شده از مناطق اشغالی در چادرهایی که دمای هوای درون آنها تفاوت چندانی با هوای بیرون ندارد، زندگی می‌کنند.

مقامات اسرائیلی به تلافی قتل یک پلیس مرزی به اسرائیل توسط "جنبش مقاومت اسلامی" (حماس)، در یک اقدام بی‌سابقه ۴۱۵ تن از اهالی مناطق غرب تحت اشغال خود را از خانه‌های خود رانده، با چشمان و دست‌های بسته به مرز لبنان بردند و با شلیک گلوله آنها را وادار به قدم گذاشتن به خاک لبنان کردند. اسرائیلی‌ها می‌گویند افراد تبعیدی، از فعالین بنیادگرا هستند. اما صرف این امر که اخراج آنها طرف چند ساعت صورت گرفته و نیز این امر که اکنون خود مقامات اسرائیل نیز به تبعید اشتباهی تعدادی از اخراج شدگان معترف‌اند، نشان می‌دهد که در تبعید این عده تا چه میزان حقوق افراد پایمال شده است. از سوی دیگر صرف هواداری از یک جریان سیاسی، هیچ یک از قوانین مورد پذیرش جامعه بین‌المللی به قوای اشغالگر اجازه نمی‌دهد مردم مناطق اشغالی را از سرزمین خود برانند. اقدام اسرائیل در حالی صورت گرفته است که در سال‌های اخیر مقامات اسرائیلی برای تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) دست بنیادگرایان را در مناطق اشغالی تاجدی باز گذاشتند، به طوری که اکنون گفته میشود حدود ۴۰ درصد مردم این مناطق از حماس طرفداری می‌کنند. در حالی که موضع ساف در جنگ خلیج فارس باعث شده است که کمک‌های مالی کشورهای ثروتمند عرب به این سازمان قطع شود، حماس میلیون‌ها دلار از تهران کمک مالی گرفته است. برخی گزارش‌ها حاکی است صربستان و سایر شیخ‌نشین‌ها نیز به حماس

زور آزمایی عراق و آمریکا؛ تنشج و تنش بیشتر در منطقه

ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و نیز با خلانسی قدرت در دوران انتقال قدرت از جرج بوش به کلینتون کوشید از موقعیت استفاده کرده و میزان جدیت تحریم‌ها علیه خود را بیازماید. در همین رابطه هواپیماهای عراقی پروازهای محدودی را بر فراز منطقه ممنوعه آغاز کردند که مالا به درگیری با جنگنده‌های آمریکایی انجامید. پس از این رویداد، عراق کوشید با استناد به فیرقانونی بودن ممنوعیت پرواز در زیر مدار ۳۲ درجه، موشک‌های زمین به هوای بیشتری را در آن منطقه مستقر بکند تا بدینوسیله بر مشروعیت تحرکات نظامی خود در این منطقه و فیر موجه بودن اقدام آمریکا و متحدینش تاکید بگذارد. گرچه نشانه گیری این موشک‌ها براحتمی اخلاقی پذیر است و لذا خطر عمده‌ای را متوجه هواپیماهای آمریکایی نمی‌سازد، با اینهمه کاخ سفید و رهبران غرب استقرار آنها را نشانه‌ای از تلاش عراق برای زور آزمایی دانسته و طی یک اولتیماتوم ۴۸ ساعته از این کشور خواستند که موشک‌ها را از آن منطقه خارج سازد.

عراق گرچه تا آخرین ساعات از تمکین به این اولتیماتوم سرباز می‌زد، لیکن بنا به آخرین گزارش‌ها شروع به انتقال موشک‌ها نموده و بدینسان ظاهراً خطر حمله احتمالی آمریکا و متحدینش به عراق منتفی گشته است.

در روزهای آغازین دیماه (اواخر دسامبر) با حمله جنگنده‌های آمریکایی به هواپیماهای جنگی عراق بر فراز منطقه زیر مدار ۳۲ درجه و سقوط یکی از هواپیماهای عراقی، کشاکش و تنش میان عراق از یکسو و آمریکا و متحدینش از سوی دیگر بالا گرفت. پیش از آن نیز تلاش عراق برای بمب‌گذاری در کامیون‌های حامل مواد غذایی به کردستان عراق نیز زمینه ساز تنشج در روابط این کشور با اعضای شورای امنیت سازمان ملل شده بود.

پس از قیام شیعیان عراق، نیروهای نظامی این کشور به سرکوب و وحشیانه قیام کنندگان پرداخته و موجی از رعب و وحشت را در منطقه دامن زدند. آمریکا و متحدینش با دستاویز قرار دادن جنایات رژیم بغداد، بدون جلب موافقت همه اعضای شورای امنیت، پرواز هواپیماهای جنگی عراق را در جنوب این کشور ممنوع اعلام کردند. هدف غرب از این کار همدتا جلوگیری از نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه شیعه نشین عراق و زیر فشار گذاشتن رژیم بغداد، برای به تسلیم واداشتن و سربه راه ساختن هر چه بیشتر آن بوده است. در آن زمان کشورهای عربی و برخی از کشورهای دیگر با این دلیل که این اقدام می‌تواند زمینه ساز تجزیه عراق شود، با آن مخالفت کرده و چین نیز در شورای امنیت حاضر به موافقت با آن نشد. اخیراً بغداد با توجه به بالا گرفتن تنش و اختلاف میان



تشکیل "شو رای حل و عقد" در افغانستان و تصمیمات آن

صفته اله مجددی شرکت در اجلاس شورا را رد کرد و آن را فیرقانونی و فاقد قدرت معرفی نمود. حکمتیار برگزاری شورای حل و عقد را اعلام جنگ علیه حزب خود و متحدینش اعلام کرد. اما ژنرال دوستم از انتخاب ربانی به ریاست جمهوری افغانستان استقبال نمود و از وی پشتیبانی کرد.

برهان الدین ربانی پس از ابقا در پست ریاست جمهوری و به هنگام ادای سوگند از رهبری گروه خود - جماعت اسلامی - کنار رفت و اعلام کرد نماینده تمام اقوام و مذاهب کشور است و از مخالفان خود خواست از لجاجت دست بردارند و تسلیم اراده ملت شوند. با این همه بنظر نمی‌رسد که اجلاس شورای حل و عقد نتایج آن بتواند آرامش را به افغانستان بازگرداند. به محض اعلام خبر انتخاب ربانی به ریاست جمهوری، کابل مورد اصابت راکت قرار گرفت و هلیفرم آرمش چند روز، اواخر هفته گذشته موشک باران کابل از سوی نیروهای وابسته به حکمتیار دوباره آغاز شد.

برهان الدین ربانی تاجیک است و گروه‌های پشتون از جمله گروه بشدت مسلح حکمتیار که از پشتیبانی جدی حداقل محافظی از حکومت پاکستان نیز برخوردار است خواهان نقش عمده پشتونها در قدرت مرکزی هستند.

اجلاس وسیع نمایندگان گروه‌های همده مجاهدین افغانی در کابل موسوم به "شو رای حل و عقد" روز چهارشنبه ۳۰ دسامبر (۶ دی) برهان الدین ربانی، رئیس جمهور موقت افغانستان را برای دو سال دیگر در این پست ابقا نمود. از میان نمایندگان حاضر در اجلاس ۹۱۶ نفر به ابقای ربانی رای مثبت، ۵۹ نفر رای مخالف و ۳۶۰ نفر رای ممتنع دادند. اجلاس همچنین در مورد برپایی یک مجلس، ایجاد ارتش منظم و اسلامی کردن هر چه بیشتر دولت و رادیو تلویزیون تصمیماتی اتخاذ کرد. به گزارش رادیو کابل در مجلس رسمی افغانستان ۲۰ درصد نمایندگان "شو رای حل و عقد" حضور خواهند داشت. بخش عمده ارتش منظم افغانستان را نیز نیروهای مجاهدین تشکیل خواهند داد. بنا به تصویب "شو رای حل و عقد" همه اعضای دولت باید مسلمان باشند و رادیو - تلویزیون نیز باید بر اساس احکام شریعت عمل کند و فعالیت همه احزاب فیر اسلامی نیز ممنوع خواهد بود.

از ۹ گروه همده افغانی ۴ گروه در اجلاس شورای حل و عقد شرکت نداشتند که شامل گروه تحت رهبری صفت اله مجددی، حزب اسلامی حکمتیار، حزب وحدت اسلامی (گروه شیعه) و ژنرال عبدالرشید دوستم فرمانده شبه نظامیان ازبک، بود.

به روی تظاهر کنندگان آتش‌گشوده‌اند. طبق گزارشات، قوه قضائی عده‌ای از قضات دادگاههای انقلابی تهران را به شهرهای مذکور فرستاده و از رئیس قوه قضائیه - آیت‌الله محمد یزدی نقل شده است که گفته‌اند: "... با قاطعیت و تندی با شورشیان برخورد خواهد شد." بر اساس اطلاعاتی که در اختیار من است روزنامه‌اطلاعات (ژوئن ۱۹۹۲) گزارش داده است که مجازات مرگ در مورد محرکین این حوادث و آشوبگران مسلح اعمال خواهد شد.

"... من ممنون خواهم بود اگر بتوانید مرا، در چارچوب همکاریهای خود، در مورد حوادث گزارش شده، نحوه عمل نیروهای امنیتی، اتهامات وارده بر دستگیر شدگان، محلی که زندانی شده‌اند و کلیه اطلاعات ذیربط در مورد دادرسیها و علاوه هرگونه مجازات اعدامی که احتمالا صورت گرفته، مطلع گردانید. در این ارتباط، مایلم توصیه‌هایی را که در گزارش‌هایم به چهارمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر و نکاتی را که در آخرین گزارش‌هایم به کمیسیون فرمولبندی کرده‌ام، بلاخص در ارتباط با بازگشت مجازات اعدام، قواعد مرأخ‌رسیدگی حقوقی و اصلاحات قانونی و اجرایی پیشنهادی به وزارت دادگستری را یادآوری کنم.

"همچنین سپاسگزارم اگر بتوانید درخواست من مبنی بر اینکه تضمین بشود که دستگیر شدگان از کلیه مزایای آئین دادرسی و حراست مورد تأیید بین‌المللی، بلاخص حقوقی که در معاهده بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی تضمین شده، از جمله حق برخورداری از مقررات مراحل رسیدگی حقوقی شامل اعلام اتهامات، محض دستگیری، دادگاههای علنی، دسترسی کامل به وکلای منتخب خود و حق استیناف بهره‌مند شوند، مضافاً اینکه از آزار و شکنجه در طی مرحله بازجویی معصوم و در دوره زندانی‌مانعت بعمل آید را به دولت متبوع خود اطلاع دهید.

۸- در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۲، نماینده ویژه‌نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائم ج.ا.ا در سازمان ملل در ژنو ارائه نمود.

"محرماً با ارجاع به قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر حکم اینجانب بعنوان نماینده ویژه مبتنی بر قرار ۵۴/۱۹۸۴ کمیسیون برای مدت یکسال دیگر تمدید شده است. همانطور که اطلاع دارید، در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۲، شورای اقتصادی اجتماعی قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون را، که نسخه آن ضمیمه است، تأیید نمود.

"با پذیرش نمایندگی ویژه کمیسیون برای مدت یکسال دیگر مایلم تأکید کنم که در نظر دارم وظیفه خود را حتی الامکان با بی‌طرفی و واقع‌بینی ادامه دهم. با داشتن چنین قصدی برایم بسیار مهم خواهد بود که به ارتباط مستقیم دوسال گذشته با مسئولین کشور، با آشنائی که در درجه اول با امر ترویج و حمایت از حقوق بشر زیربطند ادامه دهم و به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای گزارشی که موظف به تدارک آن هستم، پردازم. بنابر این مجدداً مایلم برای حداکثر مدت ۱۵ روز در تاریخ ۱۵ اکتبر تا ۱۰ نوامبر ۱۹۹۲ از کشور شما دیدار داشته باشم.

"بسیار سپاسگزار خواهم بود اگر بتوانید درخواست مرا به دولت خود ارجاع نمائید و در اسرع وقت، آنچنانکه امکان برنامه ریزی لازم برای گزارش دهی به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر برایم فراهم باشد، پاسخ دولت متبوع خود را از طریق مرکز حقوق بشر به اطلاع من برسانید.

۹- در تاریخ ۷ سپتامبر نماینده ویژه در حین اقامت خود در ژنو در فاصله ۴-۹ سپتامبر تله‌فاکس ذیل را به دفتر نمایندگی دائم ج.ا.ا در سازمان ملل در ژنو ارسال نمود.

"همانطور که تلفنی مطلع گردیده‌اید من از تاریخ ۴ سپتامبر در ژنو اقامت داشته و تا ۹ سپتامبر ۱۹۹۲ در اینجا خواهم بود.

"... من در اختیار شما خواهم بود تا در صورت تمایل در مورد مواردی که مربوط به گزارش بعدی من به مجمع عمومی و یا همانگونه که در نامه‌ام به تاریخ ۲۴ ژوئیه مطرح شده، در مورد دیدار درخواستی من از کشورتان در آینده نزدیک به بحث بنشینم.

۱۰- در تاریخ ۷ سپتامبر نامه ذیل به وزارت امور خارجه ج.ا.ا فاکس گردید.

نماید و از نماینده ویژه درخواست نمود تا گزارش میانی غیر نهائی خود را به اجلاس چهل و هفتم مجمع عمومی در مورد وضعیت حقوق بشر در ج.ا.ا و گزارش نهائی را به اجلاس چهل و نهم کمیسیون ارائه دهد. بنابر تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ - ۲۵ جولای ۱۹۹۲ شورای اقتصادی - اجتماعی این قرار تصویب شد.

۲- نماینده ویژه گزارش غیر نهائی خود را در مورد وضعیت حقوق بشر در ج.ا.ا مطابق با پاراگراف ۱۳ قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر و تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه میدهد. این گزارش به وضعیت حقوق بشر در ج.ا.ا در ماههای منقضی سال ۱۹۹۲ اشاره دارد و بدیهی است که باید با توجه به گزارش‌های ارائه شده توسط نماینده ویژه از سال ۱۹۸۶ تاکنون مدنظر قرار گیرد.

۳- همچون سالهای گذشته، گزارش حاضر بر مکاتبات با مقامات دولتی و دعوای سازمانها و شخصیت‌های غیر دولتی دال بر نقض حقوق بشر متمرکز است. به علت حد فاصل کوتاه بین دو گزارش، گزارش فعلی بصورت اولین بخش گزارش نهائی طرح و نگاشته شده است، لذا همچون یک سند باید در نظر گرفته شود.

۴- ساختار گزارش حاضر مشابه گزارشات قبل است و به ۵ بخش تقسیم شده است. ۱- مقدمه ۲- مکاتبات بین دولت ج.ا.ا و نماینده ویژه ۳- اطلاعات دریافت شده توسط نماینده ویژه ۴- بررسیها ۵- ملاحظات و علاوه دو ضمیمه.

مکاتبات بین دولت جمهوری اسلامی ایران و نماینده ویژه

۵- از اجلاس چهل و هشتمین کمیسیون حقوق بشر تاکنون، نماینده ویژه چندین مورد مبنی بر نقض حقوق بشر، که به نظر وی محتاج به توجه فوری بوده است، را به دولت ج.ا.ا اطلاع داده است:

۶- در ۱۶ آوریل ۱۹۹۲، نماینده ویژه نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائمی ج.ا.ا در سازمان ملل در ژنو ارسال داشت.

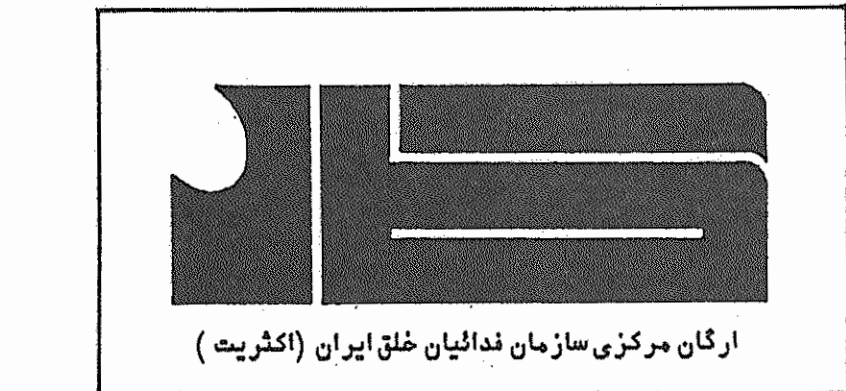
"... بنابر اطلاعاتی که در اختیار من است آقای بهمن سمندری از بهائیان مقیم تهران در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ دستگیر میشود. بنابر گزارش‌ها درخواست دیدار ایشان با خانواده‌اش به بهانه تعطیلات سال نو ایرانی (در ایران) رد گردید. در پایان دوره تعطیلات، در ۵ آوریل ۱۹۹۲، وقتی که همسرشان تقاضای خود را برای دیدار وی تکرار نمود، وصیت نامه همسرش به تاریخ ۱۸ مارس را تحویلش داده‌اند، ضمن اشاره مبهمی که همسرش اعدام شده و اعدامش در ارتباط با اتهامات وی در دوره حبسش در سال ۱۹۸۷ مبنی بر اینکه به مذهب بهائی تعلق دارد، بوده است. از قرار هیچگونه گواهی مرگ به وی داده نشده، هیچگونه اطلاعات رسمی در مورد اتهامات یا حکم وی ارائه نشده و تقاضا برای دریافت جازای همسرش برای دفن از سوی مقامات رد شده است.

"... با توجه به اطمینان مکرری که از سوی دولت شما دریافت کرده‌ام مبنی بر اینکه تمام بهائیان از همان حقوقی که سایر اهالی در ج.ا.ا دارا هستند برخوردار میباشند و هیچ بهائی بخاطر مذهبش اعدام نشده است، بسیار متشکر خواهم بود اگر گزارشات مذکور مورد بررسی قرار گیرد و گزارش کامل این قضیه برای من تهیه شود. مجدداً متشکر خواهم بود اگر شما لطف کرده نزد مسئولین امر شفاعت نمائید تا خانواده‌های بهمن سمندری امکان دسترسی به اطلاعات در خواستیشان در مورد سرنوشت و مآثرک وی فراهم شود.

۷- در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲، نماینده ویژه نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائمی ج.ا.ا در سازمان ملل در ژنو ارسال نمود.

"... مایلم خاطر نشان کنم که گزارش‌های من در مورد دستگیریهایی صدها نفر بدنبال تظاهرات سیاسی و ناآرامیهای اخیر در مشهد، اراک، چهارمحال، همدان، خرم‌آباد، شیراز، شوشتر و تهران دریافت کرده‌ام.

"بر اساس اطلاعات دریافت شده، ناآرامیها در اواسط آوریل در شیراز آغاز شد و با تظاهرات در پایان ماه مه در اراک ادامه یافت. در آخرین رویدادهای مشهد، در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۲، گویا عده‌ای از سپاه پاسداران و از سایر نیروهای امنیتی شدت عمل بیش از حد نشان داده و با چشم بسته



متن پیش‌نویس گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره نقض حقوق بشر در ایران

استبداد را همان گونه که هست افشای کنند.

ما تمام هم‌میهنان را فرامی‌خوانیم تا هر آنچه در باره موارد نقض حقوق بشر می‌بینند و یا می‌شنوند، به هر وسیله که می‌توانند، به کمیسیون حقوق بشر، به شخص آقای گالیندو پو ل اطلاع دهند.

شما می‌توانید خبرها و اطلاعات خود را به آدرس نشریه کار نیز بپست و یا آن را برای ما فاکس کنید تا متن اصلی و ترجمه آن مستقیماً در اختیار نماینده ویژه قرار گیرد.

شماره فاکس نشریه کار چنین است: 3318290

0049221/

آدرس نشریه کار چنین است:

RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

شما هم چنین می‌توانید نامه‌ها و اسناد خود را مستقیماً به آدرس کمیسیون حقوق بشر در ژنو بپست کنید. و چنانچه مایل به انعکاس آن در نشریه و یا پیگیری برای انعکاس آن در گزارش نماینده ویژه باشید با نشریه کار تماس بگیرید و ما را از جزئیات مطلع کنید.

آدرس کمیسیون حقوق بشر چنین است:

HUMAN RIGHTS COMMISSION
8-14 AVE DE PAIX
1211 GENEVE 10

اطلاعات شما می‌تواند اساسی بازداشت شدگان و شیوه رفتار با آنها، نام و مشخصات و وضعیت اعدام‌شدگان و یا مقتودین، اخراج‌شدگان، مصادرله اموال افراد بازداشت‌شده و دیگر آسیب دیدگان به دلایل عقیدتی و سیاسی را شامل شود. این اطلاعات هم چنین می‌تواند شواهد نقض حقوق زنان، اقلیت‌های ملی یا دینی، فرمان‌ها و دستورهای سرکوبگرانه و یا هر مورد دیگر نقض حقوق بشر را، دربرگیرد.

امید اینکه امسال را دست در دست یکدیگر، به سالی پربارتر در پیکار عادلانه به خاطر حقوق بشر در ایران مبدل سازیم.

هیئت تحریریه نشریه کار

ایران، پرونسور رینالدو گالیندو پو ل (ال-سالوادور)، مطابق با پاراگراف ۱۳ قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر ۴ مارس ۱۹۹۲ و تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ بیست ژوئیه ۱۹۹۲ شورای اقتصادی اجتماعی را به اعضای مجمع عمومی تقدیم می‌دارم.

۱۳ نوامبر ۱۹۹۲

مقدمه

۱- ۴۸مین اجلاس کمیسیون حقوق بشر بنابر قرار ۶۷/۱۹۹۲ تصمیم گرفت که حکم‌نماینده ویژه، مندرج در قرار ۵۴/۱۹۸۴-۱۴ مارس ۱۹۸۴ کمیسیون را برای مدت یکسال دیگر تمدید

خواننده عزیز!

سند حاضر ترجمه گزارش (ITERIUM) آقای پرونسور رینالدو گالیندو پو ل (تبعه السالوادور) نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد است، به کمیسیون حقوق بشر این سازمان، در زمینه وضعیت حقوق بشر در ایران. گزارش برای دوره یک ساله منتهی به نوامبر ۹۲ تهیه شده، اما در جایی که ضرور بوده رویدادهای قبل تر نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. قرار است متن گزارش نهایی به اجلاس جاری مجمع عمومی ارائه شود. سند از انگلیسی ترجمه شده است و متن اصلی به انگلیسی و اسپانیولی بوده است.

چند بند از گزارش، به دلیل تکراری بودن مضامین، حذف شده است. یک هدف نشریه کار از انتشار متن کامل گزارش به فارسی آن است که ایرانیان هر چه بیشتری بدانند در میهنشان و با میهنشان چه می‌کنند. جمهوری اسلامی هم دعوای این گزارش را، از جمله دعوای فقدان آزادی بیان را، "فرض‌الود" خوانده و آن را "تکذیب و محکوم" کرده است و هم در آن واحد از انتشار سند در ایران جلوگیری کرده است. اما استبداد حاکم بیهوده تلاش دارد مردم از حقایق چیزی ندانند و کمتر سوال و اعتراض کنند.

حقایق مندرج در این گزارش و نفس انتشار این گزارش بار دیگر به خوبی نشان می‌دهد که وضع به هیچ وجه آن طور نیست که مردم نسبت به نجایبی که در میهن ما می‌گذرد اعتراض نکنند. آقای گالیندو پو ل پیشاپیش از هیچ یک از حقایقی که نقل کرده است، مطلع نبوده است. مردم ایران، آزادیخواهان ما، او را مطلع کرده‌اند و او نیز جهانیان را.

و چنین است موثرترین راه بسیج همه‌ی دنیا علیه ستم استبدادی که رژیم ولایت فقیه بر ملت ما تحمیل می‌کند.

و اما هدف مهمتر ما از انتشار این گزارش، تجلیل از مبارزه‌ای است که مردم ایران، علیه موارد نقض حقوق بشر، از طریق اطلاع‌رسانی به نماینده ویژه، پیش می‌برند. این تجلیل بویژه متوجه کسانی است از زمره آقای عباس امیرانتظام در گزارش‌های امسال و آقای کیانوری در گزارش‌های سال، که در حالیکه خود زیر تیغ انتقام جویی قرار دارند، باز هم نجایع همال

مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مسئله حقوق بشر: وضعیت حقوق بشر و گزارش‌نمایندگان و گزارشگران ویژه

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

تذکارتی توسط دبیر کل

محرماً گزارش غیر نهائی نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ویژه حقوق بشر و ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی

انسانی، اعمال اهانت بار و تنبیها

۴۴- ماده ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی استفاده از شکنجه را برای احترام و اخلاقیات را ممنوع اعلام کرده است. ولی این قانون کماکان به تسمخر گرفته شده است.

۴۵- رایج ترین طریق شکنجه جسمی که گزارش شده است شامل آویزان کردن بدن برای مدت طولانی در حالت غیر هادی، سوزاندن بدن با سیگار، و شلاق زدن مرتب به کف و پشت پا است. شکنجه امکان دارد ساعت ها طول بکشد و پاسداران مرتب نوبت عوض کرده تا شکنجه مداوم ادامه پیدا کند. گزارش شده است که هنگام شکنجه دهان زندانی را با پیچ و مهره پر کرده که هم جلوی فریاد را گرفته و هم تنفس را مشکل کنند. زندانی را معمولاً چشم بسته بر روی تختی می بندند، و یا پاسداران با تشنگی روی بدن آنان جلوی حرکت زندانی را می گیرند. اکثر زندانیان پس از انجام شکنجه امکان راه رفتن را از دست داده و سینه خیز خود را به سلول می رسانند. بعضی ها با وجود گذشت سالها هنوز جای شکنجه بر روی پا و بدن آنان آشکار است. زندانیان توضیح داده اند که چگونه پس از شکنجه پاهایشان تا سر زانو خون آلود بوده است. شلاق و شکنجه به پشت زندانیان اکثراً آنان را به بیماریهای کلیوی مبتلا ساخته است.

۴۶- گفته شده است که برای زندانیان سیاسی بلا تکلیفی و تنش های روحی از عوامل دائمی فشار است. زندانیان سیاسی را گاهی ساعت ها و حتی روزها چشم بسته نگه می داشتند تا حالت سرگیجه و ناامنی را در آنان تشدید کنند. شکنجه و کتک زدن زندانیان سیاسی بی رویه بود و هر آن امکان تکرار آن، بدون اخطار، وجود داشته است. زندانیان بدون استثنا پس از دستگیری زندانی شده اند. امکان داشت هر لحظه در طول مدت حبس ادامه یابد، چه قبل و چه بعد از دادگاهی شدن.

۴۷- گزارش شده است که شکنجه روحی و جسمی، نه تنها برای کسب اطلاع، بلکه برای اقرار نیز بکار برده می شده و این اقرار بر روی فیلم ضبط می شده است. تنبیه های مکرر دیگر، لگد و مشت زدن، ساعت ها و حتی روزها سرپا نگه داشتن بوده است که این اعمال همراه با قطع ملاقات با خانواده ها و یا تقلیل جیره غذائی بوده است.

۴۸- شرح حال ذیل به نماینده مخصوص گزارش شده است.

۴۹- گزارش شکنجه در زندان شیراز در مورد آقای خلیل اخلاقی، متولد ۱۳۳۹ گناوه - استان بوشهر - فرزند غلامعلی و کارمند شرکت برق ایران. او در نوامبر ۱۳۸۹ دستگیر شده و مدت ۱۴ ماه در سلول انفرادی نگه داشته شده و در این مدت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار گرفته است. او بارها به زندان کابل به پیش شکنجه شده است و در شکنجه وارده چنان بوده است که نه می توانست بخوابد و نه صورت، او قدرت شنوایی گوش راست خود را از دست داده است. بر اثر شکنجه او را مجبور کرده اند که زیر اقرار از پیش نوشته شده ای امضا بگذارد. مسئولان دولتی این مدرک را "اقرار یک جاسوس فعال" نامیدند.

۵۰- گزارش شده است که دستگیری اخلاقی پس از اعتراف جاسوس دیگری بنام بهرام دهقانی فرزند زین العابدین صورت گرفته است. بهر حال دهقانی با دست خط خود - که در سال ۱۳۹۰ تسلیم دادگاه شیراز نیز شده است - خودش، اخلاقی و دیگران را هاری از اتهامات دانسته است.

اعتراف او زیر شکنجه روحی و جسمی صورت گرفته است.

۵۱- گزارش شده که محمد رحیم بختیاری نیز پس از دستگیری در اوین شکنجه شده است. او در سپتامبر ۱۳۹۱ دستگیر شده و دلیل دستگیری او هنوز مشخص نشده است.

۵۲- گزارش شده که حسین دشتگرد، داور فوتبال، نیز در سپتامبر ۱۳۹۱ از طرف اداره آگاهی دستگیر شده و در اوین شکنجه شده است. دلیل دستگیری او مشخص نیست.

۵۳- گزاری دستگیری، و شکنجه روانی جهان بخش خسرویان چم پیری اهل مسجد سلیمان، زندانی شماره ۵۲۴، نیز به ما رسیده است. او پس از بازگشت از هند در ایران دستگیر شده و اتهام او اعتیاد بوده است. مسئولان زندان به خانواده او گفتند که او بر اثر اعتیاد دیوانه شده است. او اتهام معتاد بودن را رد کرده و مدعی شده که این عمل آینده او را خراب کرده و امکان دستیابی به شغل برایش از بین رفته است.

۵۴- طی سال ۱۳۹۲ هیچگونه اقدامی برای حفاظت قانونی زندانیان از شکنجه در زندانهای ایران به عمل نیامده است.

۵۵- هر چند نشریات ایران از اعمال غیر انسانی از قبیل بریدن دست و انگشت هیچ گزارشی منتشر نمی کنند ولی شلاق زدن در ملاعام همچنان ادامه دارد و گزارش میشود.

۵۶- طبق گزارش رویتر روز ۱۵ ژوئن ۱۳۹۲، تعداد نامعینی از مردم به جرم شرکت در تظاهرات مشغول به شلاق زدن در ملاعام محکوم

شده است. از جمله مورد آقای مرتضی یزدی متولد ۱۳۶۵ پسر یوسف الله بود که علیرغم این واقعیت که دوره محکومیت ۸ ساله خود را می گذراند در زندان اوین اعدام میشود. گویا مامورین با ارسال یادداشتی به خانواده وی با ذکر شماره قبر پسرشان خواستار واریز کردن ۵۱۰ ریال به یک حساب جاری میشوند.

۳۶- سایر موارد و رویدادهای زیر در ارتباط با حق حیات گزارش شده است:

۳۷- در تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۳۹۲، در مقابل با رویدادها و تظاهرات مشهد - استان خراسان - اعضای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نیروهای انتظامی شدت حمل پیش از حد. بخرج داده و با چاقی بسته به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند. بنابر گزارشات طی تظاهرات و شورشهای بوکان ۸ نفر توسط مامورین امنیتی کشته و ۲۰ نفر دیگر زخمی شده اند.

۳۸- گزارش شده است که آقای حسن جهانگیرزاده - ۲۶ ساله - توسط دادگاه انقلاب اسلامی تبریز به جرم طرفداری از به اصطلاح حزب دموکرات به مجازات مرگ محکوم شده است. وی موکدا حمایت از هرگونه جنبش سیاسی را تکذیب نموده است. گویا دادرسی وی در دفتر قاضی صورت گرفته و بنابر گزارشات هیچگونه دسترسی به مشاوره حقوقی نداشته است.

۳۹- در اوایل اوت ۱۳۹۲، آقای فریدون فرخزاد هراتی، شاعر هنرپیشه و مجری ایرانی، در خانه اش در شهر بن - آلمان - گویا توسط مامورین دولت ایران به ضرب چاقو از پای در می آید. بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۷۹، وی زندانی میشود ولی بعد از آزادی می گردد و نهایتاً از کشور فرار میکند. حدود چهار سال پیش اقدام به اجرای هفتگی یک برنامه رادیویی برای رادیو صدای سازمان در بخش آزادی ایران میکند. او به این سازمان گزارش داده که آقای علی قدسی در مورد فعالیتهای ضد رژیم وی به او هشدار داده است. بنابر گزارشات، گویا آقای علی غلامی از مامورین پلیس امنیتی ساوا، و مرتضی رحمانی موحد او را در صورت عدم همکاری با رژیم به مرگ تهدید میکنند. آقای فرخزاد هراتی در فیلم "وین عشق من" که توسط برخی مقامات ایرانی ضد اسلام شناخته شده، بازی کرده است.

۴۰- در مورد سوئد قصد به جان کاظم رجوی در سوئیس، ۲۴ آوریل ۱۳۹۰، درخواست دولت سوئیس از طریق پلیس بین المللی از جانب ایران تاکنون بی جواب مانده است. طبق گزارش روزنامه لاکورپور تاریخ ۲۲-۲۳ فوریه ۱۳۹۲، در تحقیقات تاکنون به نام سیزده نفر که در واقع دست داشته اند اشاره شده است. در بین آنها نام یدالله صاعدی شهروند ایران ۳۳ ساله و محمد سعید رضوانی، شهروند ایران، ۳۴ ساله، اعلام شده است.

۴۱- در مورد سوئد قصد به شاهپور بختیار، آخرین نخست وزیر قبل از انقلاب اسلامی و کتیبه فالوچ منشی او، گزارش دستگیری ضیا سرحدی شهروند ایرانی و استرداد او از سوئیس به فرانسه در تاریخ ۲۶ ماه مه سال ۹۲ در رابطه با این جریان اعلام شده است. سرحدی متهم شده است که در جریان طراحی نقشه قتل بختیار و کمک به فرار قاتلان او دست داشته است. دستگیر شدگان دیگر که در قتل بختیار دست داشته اند بنام مسعود هندی رئیس قبلی رادیو و تلویزیون در پاریس و خانم فرشته جهانباری که با سازمان جاسوسی ایران همکاری داشته و علیرضا و کیلی راد که در تاریخ ۲۱ اوت ۹۱ در پاریس زندانی شده است. طبق گزارش مطبوعات فرانسوی مسعود هندی دولت ایران را در دست داشتن به قتل شاهپور بختیار و همکاری آن متهم کرده است. مسعود هندی اعتراف کرده است که با قاتلان همکاری داشته و برای دو تن از آنان ویزای جعلی برای ورود به فرانسه رامی کرده است و با در اختیار گذاردن پاسپورت ترکیه برای دو تن و سایر فرار آنان را از فرانسه فراهم آورده است.

۴۲- علاوه بر این بنابر گزارش رسیده دادگاه فرانسه حکم دستگیری محمد آزادی و فریدون بویراحمدی که در جریان قتل دست داشته اند همچنین حسین شیخ عطاری، مشاور وزارت پست، تلگراف و تلفن ایران را نیز به همین اتهام صادر کرده است. شخص دیگری بنام امیر الله تیموری که مسئول حفاظت فرودگاه اورلی پاریس بوده، به اتهام همکاری دستگیر شده بود. او روز ۱۰ نوامبر ۹۱ آزاد گردید.

ناپدید شدن به عتف و یا غیر دوا طلبانه

۴۳- نماینده مخصوص و گروه کار سازمان ملل لازم می دانند به عرض برساند که تاکنون نام ۵۰۰ نفر ناپدید شده به عتف و یا غیر دوا طلبانه را به اطلاع دولت جمهوری اسلامی رسانده و تاکنون هیچ اقدامی برای حل این مسئله به عمل نیامده و فقط تاکنون وضع یک نفر مشخص شده و منبع اتهام از طرف مقامات دولتی نبوده است.

حق آزادی از شکنجه، رفتار غیر

اجازه دیدار ایشان توسط خانواده اش... مشابه درج شده در بند ۶.

۲۲- آقای بهمن سمندری و ۴ بهائی دیگر که قبلاً در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۳۸۷ بجرم تعلق به مذهب بهائیت دستگیر شده بودند پس از احوالگری خانه آقای بهمن سمندری و پرداخت حق کفالت به مسئولین و تعهد به معرفی مرتب خود به مقر سپاه پاسداران در تاریخ ۱۳۸۷ آزاد میگردند. نماینده ویژه باید خاطر نشان کند که هیچگونه دادرسی قانونی قبل از دستگیری و اعدام آقای سمندری صورت نگرفته است.

۲۳- در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۳۹۲، یک نفر در دیزل آباد کرمانشاه بجرم قاچاق مواد مخدر حلق آویز شد. همچنین ۲۰ نفر، گویا بهل سیاسی، حلق آویز شدند و مایملک و پولشان توسط مامورین (مقامات) مصادره شد. یکی از این اعدامیها شخصی است بنام محمد داریی.

۲۴- در خلال نیمه دوم ماه آوریل ۱۳۹۲، از قرار ۴۵ نفر در تهران اعدام شدند. جنازه آنان برای دفن به گورستان مسگر آباد در ناحیه جنوب تهران برده شد. اسامی پنج تن از اعدام شدگان از این قرار است: آقای لحاج علی احمدی، آقای حمید ناداری، آقای محمد سلامی، آقای سمندری و آقای بشار شبیبی. این هده توسط جبهه میمنه کردستان - از گروه های اپوزیسیون عراق - تحویل مقامات ایرانی شده بودند. هیچ دلیل رسمی برای اعدام این هده ارائه نشده است.

۲۵- علاوه بر اعدام شدگان فوق الذکر، گزارش شده است که گویا ۲۸ نفر دیگر بهل سیاسی در بهشت زهرا اعدام شده اند.

۲۶- در تاریخ ۲۶ ماه مه ۱۳۹۲، روزنامه جمهوری اسلامی خبر داد که ۱۵ نفر در تاریخ ۲۵ ماه مه ۱۳۹۲ بعد از محکومیت به مفسد الارض و توزیع مواد مخدر در تهران حلق آویز شدند.

۲۷- بر اساس خبر ۱۵ ژوئن ۱۳۹۲ رویتر، رادیو تهران اعدام چهار نفر را در تاریخ ۱۱ ژوئن در شهر مقدس مشهد - استان خراسان - اعلام نمود. اسامی آنان از این قرارند: آقای جواد قنچ خالو، آقای قلامحسین پوشیزاده، آقای علی صادقی و آقای حمید جاوید. آنها همگی در تاریخ ۳۰ ماه مه ۱۳۹۲ در شهر مشهد و در ارتباط با شورشهای این شهر دستگیر شدند. آنها به جرائم مختلفی از جمله ایجاد رعب، تهدید مسلمانان، اجنبیت مردم، تخریب اماکن عمومی و به آتش کشیدن ساختمانهای دولتی محکوم شدند. آقای علی صادقی مضافاً بجرم سوزاندن کتب، از جمله قرآن، بدین علت که گویا رهبری حمله به ساختمان سازمان انتشارات اسلامی که در آن کتابخانه ای شامل نسخ قرآن سوزانده شده محکوم گردید.

پنج نفر دیگر توسط دادگاه انقلاب اسلامی مشهد در ارتباط با شورشهای این شهر به مجازات مرگ محکوم شدند.

۲۸- روز ۱۱ ژوئن ۱۳۹۲ خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۴ نفر حلق آویز و ۵ نفر دیگر توسط دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در ارتباط با شورشهای ماه مه این شهر به مجازات مرگ محکوم شده اند.

۲۹- در تاریخ ۸ ژوئن ۱۳۹۲، روزنامه کیهان گزارش داد که ۷ نفر بعد از محکومیت به توزیع و حمل ۵۰۰ کیلو گرم هروئین در شیراز - استان فارس - حلق آویز شدند.

۳۰- در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۳۹۲ روزنامه کیهان خبر داد که ۱۲ نفر از جمله ۱۱ بهائی، به ورود غیر قانونی به کشور، دزدی مسلحانه، قاچاق مواد مخدر و قتل یک سرباز ایرانی محکوم شدند.

۳۱- در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۳۹۲، ۱۵ نفر در همدان به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. آقای جعفر مودنی، آقای رستگار و آقای حسن بقالیان از جمله اعدام شدگان بودند.

۳۲- روز ۲۸ ژوئیه ۱۳۹۲، روزنامه جمهوری اسلامی خبر داد که ۱۵ نفر از اعضای یک باند قاچاقچیان مواد مخدر که گویا دو تن هروئین تولید و توزیع کرده اند در تهران حلق آویز شدند.

۳۳- در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۳۹۲، در زندان شهر همدان ۱۶ نفر حلق آویز شدند. هیچ دلیلی برای اعدام این هده ارائه نشد. گزارش شده است که این اشخاص بدنبال دادرسیهای مختصری که فاقد حداقل معیارهای شناخته شده بین المللی بوده، اعدام شدند. دادرسی قبل جریان محاکمه دادگاه انقلاب اسلامی در دفتر قاضی در داخل زندان صورت گرفته و مدافعین هیچگونه دسترسی به مشاوره حقوقی نداشته و فاقد حق استیناف بودند.

۳۴- گزارش شده است که آقای یحیی کشتدار، جوانی که بجرم قاچاق الککل دستگیر شده بود طی دوره حبس خود در محوطه ساختمان "سازمان نهی از منکر" ۱۰ اردیبهل بر اثر شکنجه فوت میکند. جنازه وی به پدرش داده میشود و گویا مجبور به امضای سندی شده حاکمی از اینکه پسرش در اثر مسومیت فوت کرده است.

۳۵- موارد متعددی از امتناع مقامات زندان در استرداد جنازه اعدام شدگان به خانواده آنان گزارش

"محترماً خاطر نشان می کنم که اطلاعاتی دریافت کرده ام مبنی بر اینکه احتمالاً دوایرانی بهائی با اعدام قریب الوقوع درج - ا - مواجه اند."

"موضوع آنطور که برای من گزارش شده از این قرار است: آقایان بهنام میثاقی و کیوان خلج آبادی دو ایرانی بهائی هستند که سه سال پیش دستگیر شدند و در زندان گوهردشت کرج محبوس هستند. اخیراً به حضور مسئولین زندان فراخوانده شده و شفاهاً مطلع گردیده اند که دادگاه انقلاب اسلامی حکم مرگ آنها را بعلت تعلق به مذهب بهائیت صادر کرده است. "بنابه گزارشها محاکماتی که منجر به حکم اعدام افراد مذکور شد، بدون حضور وکلای مدافع صورت گرفته است. از قرار دو وکیل مسلمان از سوی مدافعین گمارده شده اما در همان گامهای اولیه خود را عاجز از تدوام دفاع یافته و استعفا داده اند.

"در خلال سومین دیدارم از ج - ا - امکان یافتیم تا با زندانیان مزبور در زندان اوین در تهران ملاقاتی داشته باشیم."

"در چارچوب همکاری که دولت شما در قبال حکم من به عمل می آورد، بسیار متشکر خواهم بود اگر بتوانید سریعا با پدر میثاقی خود این اطمینان را فراهم آورید که این زندانیان بتوانند از کلیه مزایای آئین حراست که در معاهده بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بویژه موارد ۶ و ۱۴ ماه مه ۱۹۸۴ شورای اقتصادی اجتماعی مندرج است، برخوردار گردند.

اطلاعات دریافت شده توسط نماینده ویژه

۱۲- بندهای زیر شامل دعاوی نقض حقوق بشر که توسط نماینده ویژه دریافت شده و طی یادداشتی به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۳۹۲ به دولت ج - ا - ارسال گردیده است.

الف - حق زندگی
۱۳- از ابتدای سال ۱۳۹۲ تاکنون اعدامهای وسیع در ج - ا - ادامه یافته است. اگر چه ظاهراً اجرای ایرانی انتشار کلیه موارد اعدامها را متوقف کرده اند، حداقل ۲۴ مورد اعدام در فاصله ۱ ژانویه تا ۳۱ ژوئیه ۱۳۹۲ گزارش شده است.

۱۴- گویا بیشترین موارد اعدام گزارش شده مربوط به جرائم قاچاق مواد مخدر بوده و هموما از طریق حلق آویز کردن انجام گرفته است. اتهامات جنائی منجر به اعدام طبق گزارشها از این قرارند: ۹ نفر بجرم قاچاق مواد مخدر؛ ۶ نفر بهل سیاسی؛ ۷ نفر بجرم راهزنی و دزدی مسلحانه و "مفسد الارض"؛ ۶ نفر بجرم ایجاد رعب و تخریب امنیت عمومی با استفاده از اسلحه، تخریب اماکن عمومی و آتش زدن ساختمانهای دولتی؛ ۳ نفر بجرم قتل - حمل مواد مخدر، دزدی مسلحانه و ورود غیر قانونی به کشور؛ یک نفر به دلایل مذهبی، یک نفر بجرم ایجاد رعب و سوزاندن کتب، از جمله قرآن و یک نفر بجرم چاقو کشی، ایجاد رعب و حمله به مردم و قاچاق مواد مخدر و برای ۷۰ مورد دیگر اعدامها هیچگونه دلیلی ارائه نشده است.

۱۵- موارد ویژه بکارگیری مجازات اعدام از ۱ ژانویه ۹۲ تا بحال از این قرارند:

۱۶- در خلال اولین هفته ژانویه ۱۳۹۲، طبق گزارش سه نفر در زندان ایلام، گویا بهل سیاسی، اعدام شده اند. اسامی آنان عبارتند از: آقای یدالله خسروی - آقای جابر رجب و آقای سیروس پورنوروز.

۱۷- همچنین گزارش شده است که ۱۵ زندانی دیگر در خلال اولین هفته ژانویه در زندان گوهردشت - استان تهران، گویا بهل سیاسی اعدام شده اند.

۱۸- روز ۷ ژانویه ۱۳۹۲، خبرگزاری فرانسیس گزارش داد: روز ۵ ژانویه ۱۳۹۲، ۷ زندانی پس از محکومیت به مفسد الارض و راهزنی و دزدی مسلحانه در شهر مراغه آذربایجان شرقی حلق آویز شدند.

۱۹- علاوه بر موارد اعدامی ذکر شده، طبق گزارشها اسامی افراد دیگری که در ماه ژانویه اعدام شده اند از این قرارند:

آقای حمید صالحپور ۲۵ ساله اعدامی در اهواز، آقای کیومرث نجفی ۲۴ ساله اعدامی در مسجد سلیمان، آقای حسن عسگری اعدامی در کرمانشاه، آقای جهانگیر شمس سراف، آقای رحیم دیرکوند، آقای سلیمانی و خانم عفت فنی زاده در زندانهای تروین، کرمانشاه، گوهردشت و اوین اعدام شده اند.

۲۰- ۲۰ فوریه ۱۳۹۲ خبرگزاری فرانس پرس گزارش داد: روز ۱۹ فوریه ۱۳۹۲ شش زندانی بعد از محکومیت به همکاری با قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر در بروجرد لرستان حلق آویز شدند.

۲۱- نماینده ویژه در تاریخ ۱۸ مارس ۱۳۹۲ گزارشی دریافت نمود مبنی بر اینکه آقای بهمن سمندری از بهائیان مقیم تهران در تاریخ ۱۷ مارس ۱۳۹۲ دستگیر میشود. بنابر گزارشات

شده‌اند.
۵۷- گزارش شده است محاکمات هادی و سیاسی در جمهوری اسلامی همچنان با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی فاصله هفتگی دارد. بخصوص دادگاههای انقلابی کماکان مخفیانه عمل می‌کنند. این دادگاهها در زندان تشکیل شده، و بسیار خلاصه برگزار میشوند. هیچگاه اجازه داده نمیشود خویشان زندانی و وکیل مدافع در دادگاه حضور یابند.

۵۸- گزارش شده است که قانون مربوط به حق انتخاب وکیل مدافع، به متمم در واقع اجازه نمی‌دهد که از حق داشتن یک مشاور حقوقی تحصیل کرده برخوردار باشد. این قانون بر این پایه که "هر مسلمانی می‌تواند متهم را در دادگاه نمایندگی کند" حق داشتن نمایندگی حقوقی را، آنطور که در ماده ۳۵ قانون اساسی ایران و در ماده ۱۴ معاهده بین‌المللی در باره حقوق سیاسی و مدنی آمده است، نقض می‌کند. لایحه‌ای که در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است می‌گوید وکیل آشکارا کسی است که نیاز ندارد تحصیلات و تخصص حرفه‌ای داشته باشد و نیازی نیست که وکیل دادگستری یک حقوق دان تحصیل کرده باشد. طبق ماده ۱۴ (د) معاهده بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و مطابق موازین بین‌المللی چنین شخصی نمی‌تواند برای کمک به متهم و آماده کردن او برای دفاع و یا برای مطلع کردن متهم از حقوق قانونی اش دارای صلاحیت شناخته شود.

۵۹- علاوه بر این قانون مزبور هیچ‌اشاره‌ای به اینکه اگر متهم شخصا قادر نبود کسی را به عنوان وکیل مدافع انتخاب کند باز هم حق دارد وکیل (تسخیری) داشته باشد، نمی‌کند و هیچ شرطی هم به چشم نمی‌خورد که نشان دهد چنانچه حق متهم برای دسترسی به یک مشاور حقوقی که او را در دادگاه نمایندگی کند، پایمال شد، متهم حق دارد به دیوان عالی کشور متوسل شود.

۶۰- هم چنین گفته شده است که در قانون جدید، در شکل فعلی خود، حق متهم برای دسترسی به مشاور حقوقی آنگونه که در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده (مبنی بر تضمین حق طرفین دعوا برای انتخاب وکیل در تمام دادگاه‌ها و اینکه اگر آنان قادر به انتخاب نبودند باید ترتیبی داده شود که آنها مشاور حقوقی داشته باشند) پایمال شده است. قانون مذکور با رویه قضائی به شماره ۷۱/۶۲، حکم پانزدهم، صادره توسط هیات عمومی دیوان عالی کشور ایران در سال ۱۹۸۴ مقابله دارد. رویه قضائی مذکور می‌گوید: "مشارکت وکیل منصوب از جانب دولت، در حالتی که متهم نتواند شخصاً وکیل خود را انتخاب کند، در شرایطی که جزای اصلی جرم ترکیه اعدام یا حبس ابد است کاملاً ضروری است. رعایت این رویه در تمام دادگاه‌های دیوان عالی کشور و سایر دادگاه‌ها در موارد مشابه، طبق ماده واحده درباره قانون رویه قضائی مصوب ۱۹۴۹ الزامی است."

اضافه بر آن گفته می‌شود قانون جدید گرچه تصویب شده و قوت قانونی دارد، اما هنوز در عمل به اجرا گذاشته نشده است. علاوه بر این گفته می‌شود این قانون مطلقاً به ماسبق نمی‌شود و در نتیجه هیچ یک از احکام مجازات که دادگاهها قبل از این قانون صادر کرده‌اند، ولو اینکه در قیاب وکیل مدافع بوده باشد، لغو و بلا اثر نخواهد شد.

۶۱- گزارش شده است که ادامه فقدان قانون مستقل وکلای مدافع در جمهوری اسلامی ایران، این اصل که وکیل مدافع باید امکان یابد و ظایف حرفه‌ای خود را بدون ترس از تهدید یا فشار از جانب مقامات دولتی به انجام رساند را مخدوش و بلا اثر می‌کند. انتخابات اعضای هیات مدیره کانون وکلای قرار بود ۹ اکتبر ۱۹۹۱ انجام شود برای مدت نامحدود به تعویق افتاده است. روز ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ لایحه‌ای در مورد اصلاح کانون وکلای مدافع ایران از تصویب گذشت. این قانون به "شورای اصلاح" اختیار می‌داد که قبل از اینکه انتخابات برگزار شود بتواند وکلای مدافع مشخصی را از حرفه قانونی خود برکنار سازد. طبق قانون مذکور اعضای "شورای اصلاح" که بوسیله رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند، می‌باید وکلای را که قبل از استقرار جمهوری اسلامی پست دولتی خاصی داشته‌اند، اشخاصی که در اقدام علیه جمهوری اسلامی مشارکت داشته و در حمایت از "گروه‌های غیر قانونی فعال بوده‌اند و یا اعضای فرق ضاله یا سازمانهای بر پایه انکار ادیان الهی بنا شده‌اند" برکنار کند. هم چنین گزارش شده است که رئیس‌فعلی کانون وکلانیز در سال ۱۹۸۲ توسط رئیس قوه قضائیه منصوب شده است.

۶۲- علاوه گزارش شده است سایر تضمین‌های پایه‌ای برای برگزاری محاکمه صحیح، از قبیل حق زندانیان برای محاکمه شدن بدون تأخیر غیرموجه، حق استفاده از شهود در جریان دادرسی و اصل برائت همچنان نادیده گرفته می‌شوند.

۶۳- زندانیان سیاسی راهی برای اطمینان از اینکه

چه مدت در زندان خواهند بود، ندارند. کسانی که محکوم می‌شوند ممکن است برای چندین هفته یا چند ماه از حکم خود بی‌اطلاع نگاه داشته شوند. حکم زندان از روزی محاسبه می‌شود که راهی دادگاه قطعی می‌شود. دوره طولانی بازداشت قبل از محاکمه از مدت محکومیت زندان کم نمی‌شود. حتی وقتی محکومیت به پایان می‌رسد، زندانیان ممکن است آزاد نشوند مگر اینکه "توب" شوند.

۶۴- زندانیانی که دست به کارهای گروهی می‌زنند، عقوبتی سخت در انتظارشان خواهد بود. گفته می‌شود این تنبیهات نه فقط در مورد اعمالی چون اعتراض به شرایط زندان، بلکه حتی در موارد تشکیل گروه مطالعه یا ورزشی نیز بکار گرفته می‌شود.

۶۵- بسیاری از زندانیان سالها پس از اتهام محکومیت شان هنوز در زندان نگهداشته می‌شوند و راهائی آنان مشروط است به موافقت با مصاحبه‌ای ویدئویی که گاه ساعتها طول می‌کشد و در آن به اشتباهات خود اعتراف کرده و سازمان سیاسی شان را تقبیح می‌کنند و به حمایت از جمهوری اسلامی التزام می‌دهند. این مصاحبه‌ها بعداً ممکن است از تلویزیون پخش شود.

۶۷- گزارش شده است زندانیان به هنگام مرخصی از زندان می‌بایست در کمیته‌های انقلاب اسلامی معینی ثبت شوند و می‌بایند با مقامات زندان در تماس باشند. انجام اینکار ممکن است برای روزها، هفته‌ها، ماهها و یا برای مدت نامعلوم الزامی باشد. شکی نیست که پیرونده آنها همچنان در زندان مفتوح خواهد بود و آنها همچنان زندانی محسوب شده و ممکن است برای بازجویی و یا برای تکمیل دوره زندان دوباره به زندان فراخوانده شوند.

۶۸- نماینده ویژه گزارش‌های رادریافت کرده است حاکی از اینکه بدنبال تظاهرات و شورش‌های اخیر در شهرهای ایران صدها نفر بازداشت شده‌اند.

۶۹- گزارش شده است که دست کم ۳۰ نفر روز اول مارس ۱۹۹۲ در کهریزک کرمانشاه دستگیر شده‌اند. روز دوم مارس ۱۹۹۲ بدنبال تظاهرات در دانشگاه خواجه نصیر تهران دست کم ۱۰ نفر بازداشت شده‌اند. بدنبال جستجوی خانه به خانه در جعفرآباد کرمانشاه در روز ۴ مارس ۱۹۹۲، ۸۹ نفر دستگیر شدند. روز ۱۱ مارس ۱۹۹۲، ۹۰ نفر در رامهرمز و ۲۸ نفر در ماهشهر دستگیر شدند. روز ۱۴ آوریل ۱۹۹۲ در جریان تظاهرات در شهر تبریز در آذربایجان شرتی و در جریان حوادث خفونت بار در تکاب آذربایجان چندین نفر دستگیر شده‌اند. روز ۵ آوریل ۱۹۹۲، ۴۶ نفر در مشهد دستگیر شده‌اند. روز ۱۴ آوریل ۱۹۹۲، ۱۰۰ نفر در درگز دستگیر شده‌اند.

۷۰- مطابق گزارش ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲ رویتر، روز ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ در شیراز در استان فارس شورش رخ داده است. در جریان این شورش دو پمپ بنزین، یک مقر پلیس و ۱۵ وسیله نقلیه به آتش کشیده و نابود شد. منابع دیگر گزارش کرده‌اند که بدنبال این وقایع دست کم ۶۰ نفر بازداشت شده‌اند. طی آوریل ۱۹۹۲ وقوع بر خوردها و تظاهرات در شهرهای خرم‌آباد لرستان و چهارمحال بختیاری نیز گزارش شده است.

۷۱- روز نهم ماه مه ۱۹۹۲ دست کم ۱۶۵ نفر در اهر بازداشت شده‌اند. روز ۱۰ ماه مه ۱۹۹۲، ۶۱ نفر در کاهرمه، شهری در نزدیکی شیراز، بازداشت شده‌اند. گزارش شده است که بدنبال حوادث مذکور در اراک، استان مرکزی، پس از تظاهرات خشونت باری که طی آن برخی ساختمانهای دولتی و بانک هابه آتش کشیده شدند و تعدادی وسائل نقلیه سرت و منهدم گردید، ۲۶۰ نفر بازداشت گردیده‌اند.

۷۲- تظاهرات روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه مه ۱۹۹۲ در شوشتر به صدور اعلامیه حالت منع عبور و مرور در شهر شد. بدنبال آن هده زیادی دستگیر شدند. روز ۳ ماه مه ۱۹۹۲ یک رشته اعتراضات در شهر مشهد در استان خراسان صورت گرفت. حوادث وقتی شروع شد که مقامات شعرداری کوشیدند خانه‌های غیر قانونی ساخته شده را تخریب و ساکنین آنها را بزور بیرون کنند. طبق گزارش روز ۱۰ ژوئن رویتر طی شورش مشهد بیش از ۱۰ ساختمان دولتی، بانک و انبار به آتش کشیده شده و تخریب گردید. نماینده ویژه مطلع شده است که مقامات دولتی رسماً اعلام کرده‌اند که ۳۰۰ نفر را از پی این شورش دستگیر کرده‌اند. منابع دیگر گزارش کرده‌اند که تعداد بازداشت شدگان چند برابر بیشتر بوده است. روز ۱۰ ژوئن گزارش شده که ۱۳۰ نفر در بوکان بازداشت شده‌اند.

۷۳- رئیس قوه قضائیه آیت الله یزدی، به نقل از خبر روز اول ژوئن رویتر، گفته است شماری از قتات با تجربه بطور ویژه تعیین شده‌اند تا به پیرونده متهمین به شرکت در شورش‌های مشهد رسیدگی کنند. بعضی مقامات درسی این بازداشت شدگان را "مفسدنی‌الارض" و "طاغی" نامیده‌اند. استاندار خراسان علی جنتی بنابه

گزارش‌ها گفته است بازجویی از بازداشت شدگان حاکی از شرکت "خارجی‌ها و عوامل استکبار" است.

۷۴- طبق گزارش ۱۰ ژوئن رویتر هده نامعلومی از مردم در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به جرم شرکت در شورش ماه مه به زندان‌های دراز مدت محکوم شده‌اند.

۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روز ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲ گزارش داد رهبر عالی جمهوری اسلامی آیت اله علی خامنه‌ای به مسئولین مربوطه تاکید کرده است "شوبگران رایباید چون علف هرز آنان را ریشه کن کنید" هم چنین نقل شده است که آقای محمد کرمی دادستان دادگاه انقلاب اسلامی شیراز گفته است ۴۵ نفر به حبس‌های از ۴ ماه تا ۱۰ سال به خاطر شرکت در شورش‌های ۱۵ آوریل شیراز محکوم شده‌اند و ۲۰ نفر دیگر هنوز تحت محاکمه هستند.

۷۶- به گزارش ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ آسوشیتوپرس رهبری معنوی ایران آیت الله علی خامنه‌ای به مجلس گفته است "حوادث مشهد، شیراز و چند شهر دیگر بدست عناصر حقیر مخفی و نقابدار ضد انقلابی" رهبری شده است.

۷۷- گزارش شده است افراد مذکور از پی محاکمات نامعدلانهای که با موازین بین‌المللی مطابقت ندارد محکوم شده‌اند. بعضی از آن محاکمات به صدور حکم اعدام منجر شده است. بعضی به شلاق محکوم شده‌اند برخی دیگر به حبس‌های دراز مدت و هده‌ای نیز هنوز منتظر محاکمه هستند.

۷۸- علاوه بر این اطلاع رسیده است که دولت ایران یک واحد پاسداران ضد شورش تشکیل داده که سپاهیان هاشورا نام گرفته است. وظیفه آنان درهم شکنی هرگونه شورش در شهرهای بزرگ ایران است. ۷۹- روز ۳۰ ژوئن ۱۹۹۲ نوعی جستجوی خانه به خانه در شوش صورت گرفته است. طی آن آقایان حسن حری، رضا کالاجی و احمد فیاضی بنابه گزارش‌ها دستگیر شده‌اند.

۸۰- مقامات مسئول درباره این بازداشت‌ها و در باره نام و وضعیت اکثر بازداشت شدگان هیچ‌گونه اطلاعی منتشر نکرده‌اند. آنها فقط نام برخی از کسانی را که اعدام شده‌اند اعلام کرده‌اند.

۸۱- نماینده ویژه اطلاعاتی دریانت کرده است که در موارد زیر حبس و بازداشت خودسرانه صورت گرفته است.

۸۲- بازداشت خودسرانه در چهار مورد جداگانه گزارش شده است: علی زمختکشان به دلایل سیاسی در بلوچستان. او گفته است که بازداشت ناموجه به حیثیت او و به شغل او لطمه زده است. او تقاضای اعاده حیثیت دارد.

۸۳- بازداشت خودسرانه هم چنین در مورد آقای اسماعیل برزگر توسط دادگستری رشت استان گیلان، به ظن ارتباط با گروه‌های مسلح اتفاق افتاده است. ثابت شده که اتهامات بکلی بی‌اساس بوده است.

۸۴- فلانمضا کوشکی، متولد ۱۹۵۳ فرزند سیدولی (به شماره شناسنامه ۱۵۴ صادره از سنندج) از طرف دادستان انقلاب خرم‌آباد مظنون پشتیبانی از خط فدائیان اکثریت تشخیص داده و بازداشت گردیده است. اتهامات اثبات شد که بی‌اساسند و نامبرده آزاد گردید. اما بهرحال او شغل خود را به مثابه معلم در اثر حبس از دست داد. اداره آموزش و پرورش استان گواهی تدریس وی را لغو کرده و وی را از پذیرداختن به حرفه‌اش محروم ساخته است.

۸۵- نماینده ویژه گزارش می‌دهد در باره مواردی از مصونیت ادعائی کارمندان دولت دریانت کرده است.

(الف) یکی از موسسین بنیاد نبوت که به اختلاس متهم شده بود. او متهم بود که از مایملکی که به او سپرده شده بود اختلاس کرده و به این اتهام به دو سال زندان محکوم شد. ولی او فوراً آزاد گردید.

(ب) رئیس سابق اداره آگاهی شهر بانی، مظنون به تشکیل بانده مسلح بود. گویا او به همین علت از مقام خود برکنار شده است. بهرحال هیچ‌گونه اقدام قضائی علیه او صورت نگرفته است.

۸۶- نماینده ویژه از دولت ایران تقاضا کرده است اطلاعاتی پیرامون وضعیت زندانیانی که لیست اسامی آنها در ضمیمه آمده است، در اختیار وی قرار گیرد.

۸۷- روز ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بازدید از زندانهای جمهوری اسلامی ایران را شروع کرد. بنابه تقاضای دولت ایران و بر مبنای توافق به عمل آمده با دولت ایران که بازدیدها بر پایه موازین مورد عمل صلیب سرخ بین‌المللی باشد، بویژه اینکه دسترسی به همه زندانیان و مصاحبه با آنان بدون حضور شهود، تکرار بازدیدها و محروریت مشاهدات نمایندگان صلیب سرخ امکان پذیر باشد، گفته شده است که برخی مشکلات در زمینه رعایت تمام موارد مورد توافق پدید آمد. روز ۲۱ مارس ۱۹۹۲، هنگامیکه صلیب سرخ بین‌المللی با مقامات ایرانی مشغول گفتگو بود، وزارت امور خارجه خاطر

نشان ساخت که تمام فعالیت‌های صلیب سرخ بین‌المللی باید متوقف گردد و ۱۵ نماینده‌ی آن باید خاک ایران را ترک کنند.

۸۸- مطابق اطلاعیه مطبوعاتی مورخ ۲۷ مارس ۱۹۹۲ صلیب سرخ بین‌المللی، مقامات ایرانی برای توجیه تصمیم خود علت اخراج نمایندگان صلیب سرخ بین‌المللی را تخطی آنان از کنوانسیون سوم ژنو (۱۹۴۹) در مورد اسرای جنگی هرات و نیز رفتار آنان در زندانهای کشور دانسته‌اند. صلیب سرخ بین‌المللی کلا این اتهامات را تکذیب می‌کند و گفته است تمام فعالیت‌های وی در جمهوری اسلامی ایران مطابق اصول راهنمای فعالیت‌های وی در هر جای دیگر دنیا بوده و اینکه فعالیت‌های وی در ایران همواره آشکار و با آگاهی مقامات ایرانی بوده است. صلیب سرخ بین‌المللی هم چنین گفته است که بی‌نهایت نگران هواقتی است که قطع فعالیت‌هایش ببار می‌آورد. به ویژه از آنجا که بیش از ۲۰۰۰۰ هزار اسیر هراتی در قلمرو ایران بسر می‌برند. چندین هزار نفر آنان برای بیش از ده سال است که اسیرند.

آزادی بیان، افکار و مطبوعات

طبق گزارشات (رسیده) ضمانت (گزارنتی) قانونی برای آزادی بیان و مطبوعات که در بند ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است، به طور همه نادیده گرفته می‌شود. ریاست جمهوری در حین (طول) جلسه‌ای با وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی در روز ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ ایران نمود:

"طرح، نقد و بحث مشکلات در مطبوعات، روزنامه و مجلات، و در یک محیط باز، بدون کینه توزی و هازی از نفرت، به توسعه پیشرفت جامعه می‌تواند کمک برساند." "بعدها گفته میشود در واقعیت، هرگونه انتقاد از دولت و سیاستهای آن مورد تنبیه قرار می‌گیرد و بالقوه خطرناک تشخیص داده می‌شود چرا که می‌تواند در خدمت دشمنان اسلام قرار گیرد.

۹۰- گزارش داده شده است که گر چه تنوع رسانه‌ها (ی) در ایران موجود است، ولی آنچه به هیچوجه آزاد نیستند و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی مورد خودسانسوری و سانسور های شدید قرار دارند.

۹۱- در یکی از سرمقاله‌های روزنامه ایرانی "تهران تایمز" به تاریخ ۲۷ ژوئیه آمده است: "اغلب روزنامه‌ها با نوعی خودسانسوری و یا نوعی بقض گروهی و حزبی هجین اند، زیرا بعد از پیروزی انقلاب، مسئولین روزنامه‌های مهم کشور به طور هده از یکی از دو گروه زیر تشکیل می‌شدند: آنهائیکه می‌خواستند از روزنامه‌ها به عنوان نردبان ترقی خود به پست‌های بالاتر دولتی استفاده کنند و دیگران که مقامهای وزارت و مشاغل بالای خود را از دست داده کسر مقام پیدا کرده و روانه مطبوعات شدند تا حضور خود را در صحنه سیاسی، اقتصادی کشور ادامه دهند." "این روزنامه می‌افزاید: "این در شان انقلاب اسلامی ایران نیست که پس از ۱۳ سال، سندیکی روزنامه نگاران کشور اجازه تاسیس نیافته است در صورتیکه معاملات ملکی‌ها و آژانسهای خرید و فروش ماشین (خودرو) اتحادیه‌های قوی خود را با اجازه دولتی ایجاد نموده‌اند. جامعه روزنامه نگاران ایرانی هنوز از موهبت سندیکار برخوردار نیست."

۹۲- همچنین ادعا گردید که انحصار دولتی بر خبرهای منتشره با توجه به دستیابی محدود بخش خصوصی به این منابع، به به صورت یک سازوکار بسیار موثر سانسور عمل می‌کنند.

۹۳- گفته می‌شود مالکیت ماشین تایپ، دستگاه فتوکپی، کامپیوتر، ماشین فاکس و رادیوی موج کوتاه که به ثبت مقامات مربوطه نرسیده باشد مورد تنبیه شدید واقع می‌گردد.

۹۴- همچنین گزارش شده است که آرشیه‌های آروشنند بیشمار، خصوصاً در رابطه با انقلاب اسلامی نابود گردیده شده است.

۹۵- در روز ۱۸ آوریل ۱۹۹۲، دبیر حوزه علمیه قم، آیت الله فاضل لنکرانی، مقامات مسئول را به کنترل دقیق تر انتشارات فراخواند. او از ریاست جمهوری درخواست نمود عناصر ضد انقلابی و دشمنان اسلام را از موسسات فرهنگی اخراج نماید و از مقامات قضائی خواست علیه هرگونه توهین به اسلام با جدیت مقابله نموده و افراد خاطی (گناهکار) را مجازات نماید. گزارش از (تهران تایمز، ۲۰ آوریل ۱۹۹۲)

۹۶- در آوریل ۱۹۹۲ گزارش داده شد که مجله ورزشی فاراد به جرم ارتداد ممنوع (تدفین) گردید. این مجله به دلیل انتشار کاریکاتور یک فوتبالیست که گویا (ادعا می‌شود) شبیه امام مرحوم بوده است، متهم به توهین به جامعه اسلامی شده است. سردبیر مجله آقای ناصر عرب‌ها و طراح کاریکاتور دستگیر شده و در انتظار محاکمه می‌باشند. محل (مکان انتشار) مجله توسط دسته‌ای (مهاجمین) آتش زده شد.

۹۷- مطابق گزارشات، محل هفته نامه فرهنگی

«دنیای سخن» پس از ممنوعیت مجله توسط مقامات مسئول آتش زده شد. هیئت تحریریه مجله طبق گزارش دستگیر شدند.

۹۸- همچنین گزارش داده شد که هفته نامه بانوان (زن روز) توسط مقامات ممنوع گردید (منع انتشار یافت)

حقوق سیاسی

۹۹- گزارش داده شد که در کارزار انتخاباتی برای انتخابات مجلس (۱۵ آوریل) کاندیداها از حق چاپ (انتشار) پوستری برای برگزاری اجتماعات، به بهانه (عنوان) آنکه این شیوه های انتخاباتی «غریبگرا» می باشند، منع گردیده اند.

۱۰۰- همچنین گزارش داده شده است که صلاحیت ۳۹ نفر از وکلای سابق مجلس توسط کمیته نظارت شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفته نشد. این تعداد ۶ نفر از روحانیون ایلام رانیز در بر می گیرد. تقاضا نامه یک سوم از بیش از ۳۵۵۵ کاندیدامطابق گزارش روزنامه سلام (۸ آوریل) رد گردید.

۱۰۱- وزیر سابق صنایع سنگین، آقای بهزاد نبوی در یک نامه سرگشاده از شورای نگهبان (خواست تا دلایل رد صلاحیت او را) (برای کاندیداتوری مجلس) منتشر سازند. حجت الاسلام صادق خلخالی اعلام نمود (ابراز نمود) که نمی داند چرا سلب صلاحیت گردیده است.

مطابق گزارش «سلام» (۸ آوریل ۱۹۹۲)، او گفت: «ما مکرراً به شورای نگهبان گفته ایم که چرایم (خلاف) ما را علناً اعلام کند، ولی تاکنون هیچکس چیزی به ما نگفته است و ما تقاضای جلسه پرسش و پاسخ نکرده ایم. اگر با ما اینگونه رفتار شود، تصور کنید که چه بر سر دیگران خواهد آمد».

۱۰۲- انجمن زنان جمهوری اسلامی، روز ۶ آوریل ۱۹۹۲، نسبت به سلب صلاحیت تعدادی از کاندیداهای مونث توسط کمیته نظارت شورای نگهبان انتقاد نمود. هم چنین نسبت به عدم پذیرش صلاحیت کاندیداهای زن که «از پرهیزکارترین و معتقدترین شخصیت های انقلاب بوده و عزیزترین اعضای خانواده خود برای ثبات نظام جمهوری اسلامی فدا کرده اند» ابراز تأسف گردیده است.

۱۰۳- طبق گزارش ۱۶ آوریل ۱۹۹۲ تهران تایمز، پلیس بروجن برای پران کردن دو گروه سیاسی مخالف که در آستانه مجادله جدی در حول یک مرکز رای گیری در روز ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ بودند، وارد عمل گردید. با این حال، نماینده مجلس از بروجن آقای داود توحیدی در روز ۱۴ آوریل در مجلس اعلام نمود که پلیس تعدادی از رای دهندگان را در حرمه رای گیری مورد حمله فیزیکی قرار داده و حتی بر روی آنها آتش گشوده است.

وضعیت زنان

۱۰۴- نماینده ویژه گزارشاتی دریافت نموده است که زنان ایران همچنان از ادامه تحصیل در کشاورزی، مهندسی، معادن و کهن شناسی و قضاوت منع می گردند. در آموزش عالی از میان ۱۶۹ رشته، زنان از شرکت در ۹۱ رشته محرومند: ۵۵ رشته از ۸۴ حرمه ریاضی و فنی، ۷ رشته از ۴۵ حرمه علوم طبیعی، و از ۱۸ رشته رشته کشاورزی. طبق گزارشات در دانشکده های ادبیات و علوم انسانی، از میان ۳۵ رشته موجود تنها ۱۵ رشته برای ورود زنان آزاد است. جداسازی شدید بر اساس جنسیت در میان استاتید و دانشجویان بر اساس ادعاهای موجود بدلیل کمبود معلم های زن (مونث)، جمعیت بیش از اندازه کلاسها و کاهش شدید استانداردها منجر به تعطیل تعداد زیادی از مدارس گردیده است. تحصیل در مناطق روستایی، ادعا می شود که حاصل این سیاست، نفی کامل آموزش دختران بوده است. گفته شد که بیش از ۴۵۰۰۰ معلم زن در دوره های ابتدایی و متوسطه در طول سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۵ توسط دولت اخراج گردیدند. در رابطه با گزارشات مبنی بر آنکه ۸۹ درصد زنان ایرانی در مناطق روستایی بیسواد می باشند، ابراز نگرانی شد.

۱۰۵- هم چنین گزارش داده شد که نرخ اشتغال برای زنان به طور وحشتناکی، از ۱۳ درصد به ۶/۵ درصد کاهش یافته است. هم چنین اعلام شده است که زنان برای اشتغال یا مسافرت به خارج از کشور نیازمند اجازه رسمی از شوهران (همسر) خود می باشند.

۱۰۶- گزارشات دیگر مبتنی بر آنست که مردان حق ازدواج دائم با ۴ همسر و ازدواج موقت (صیغه) با تعداد نامحدودی همسر دارند؛ قضاوت حق طلاق را منحصر به آقایان نسبت می دهند. زنان نمی توانند قیومیت فرزندان خود را عهده دار گردند، مگر آنکه پدر یا پدر بزرگ (زنده) نباشد؛ و اگر یک زن به تقاضاهای شوهر خود جامه عمل نپوشاند از حقوق خود برای مسکن، غذا و پوشاک محروم می گردد. هم چنین گزارش داده شد که عملکرد چند همسری و ازدواج های کوتاه مدت رواج یافته است.

۱۰۷- در ضمن گزارش داده شده است که زنان شخصاً نصف مردان از ارت برخوردار می گردند، زنان در وسایل نقلیه همومی از مردان جدایی گردند و نمایش همومی ورزش بانوان

بامحدودیت های متعددی مواجه است. همچنین گفته شده که ازدواج دخترهای ۹ ساله مجاز است.

۱۰۸- ابراز نگرانی نسبت به موارد قانونی مربوط به حفظ «حجاب» زنان، به طوری که تنها صورت و دستهای آنان در ملاءعام آشکار بوده و لباسهای آنان بایستی تمامی بدن آنان را بپوشاند، ادامه دارد و طبق گزارشات رسیده به نماینده مخصوص در طول سال ۱۹۹۲، دستگیری زنان ایرانی به جرم عدم رعایت مقررات لباس (پوشش) کامل اسلامی و یا آرایش، پوشیدن لباسها و زینت آلات رنگارنگ ادامه یافته است. متخلفین ممکن است با دریافت ۷۴ ضربه شلاق، به زندان افکندند یا پرداخت جرائم سنگین مجازات گردند و یا تنها پس از امضای تعهدنامه مبنی بر اجرای مقررات پوشش اسلامی آزاد گردند.

۱۰۹- گزارش داده شد که در ۱۶ مه ۱۹۹۲، تعدادی از زنان به جرم بی توجهی به مقررات پوشش اسلامی در تهران دستگیر شدند. دستگیریها مطابق گزارشات در حین یک عملیات جستجو و کنترل در شرکت های خصوصی، کلینیکها و اماکن عمومی شامل حومه های تهران، توسط نیروهای منطقه امنیتی تهران بزرگ صورت گرفت.

۱۱۰- هم چنین گزارش داده شد که ۱۶۵ خانم بد حجاب در روز ۶ ژوئن ۱۹۹۲ در تهران توسط مقامات (مسئولین) امنیتی، که طرح جدید مبارزه با فساد اجتماعی را پیاده می کنند، دستگیر شدند. ۱۳۹ نفر از آنها پس از امضای تعهد نامه مبنی بر اجرای مقررات پوشش اسلامی آزاد گردیدند.

۱۱۱- در روز ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۲، تعدادی از زنان در تهران و شیراز، مطابق گزارشات به جرم نادیده گرفتن مقررات پوشش توسط نیروهای بسیج و پاسداران دستگیر شدند. این زنان طبق گزارشات توسط تویوس به مکان های ناشناخته برده شدند.

۱۱۲- در روز ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲، تعدادی از زنان طبق گزارشات به جرم بد حجابی در رودسر، اصفهان و اهواز دستگیر شدند.

۱۱۳- روز اول اوت ۱۹۹۲، گروهی از نیروهای بسیج و پاسداران طبق گزارشات تعدادی از زنان را در شهرهای تهران، قزوین و گرگان به جرم بد حجابی دستگیر کردند. همچنین گزارش داده شد که ۲ پاسدار در تقاطع جمهوری در تهران بر روی سر و صورت یکی از زنان دستگیر شده رنگ سبز پاشیدند.

۱۱۴- همچنین گزارش داده شد که ۲ دختر و یک زن و ۲ فرزند او در شهر شمسوار به جرم بد حجابی دستگیر شدند.

حق کار (اشتغال)

۱۱۵- گزارش داده شد، آقای امیر هسگری، یک مهندس راه و ساختمان شاغل در جهاد سازندگی کاد، سازمان مسئول بازسازی کشور، در حین کار از تصادف (حادثه) شدیدی صدمه دید، که در نتیجه آن از شغل خود برکنار گردید. نامه ها و استیفا های متعدد برای کمک های پزشکی و اجتماعی از جهاد پاسخش داده شد، به این عنوان که اینگونه تقاضاها (ادعای خسارت ها) از جهاد سازندگی امکان پذیر نیست. آقای هسگری حمایت خود را از دولت اعلام کرد ولی نه از سیاست های کارگری کارفرمای سابق خود، او نسبت به ۱۵ نفر که زندگی روزمره و امرار معاش آنها به او بستگی دارد، متعهد می باشد.

۱۱۶- گزارش داده شد که آقای مرشد هلی، مردی تقریباً نابینا که از کار خود برکنار گردید، نامه ها و تقاضای بیشمار به مقامات نوشته که او را به شغل پیشین خود بازگردانند و یا به او کمک اجتماعی بدهند. او ادعا می کند که هرگز پاسخی دریافت نکرده است.

۱۱۷- گزارش داده شد که آقای غلام رضا کوشکی، معلمی در لارستان خرم آباد در سال ۱۹۸۷ مدرک اجازه تدریس او لغو گردید. در نتیجه دستگیری او در سال ۱۹۸۶ به جرم شرکت در ایجاد یک گروه اپوزیسیون به نام سازمان فدائیان خلق. او در سال ۱۹۸۷ آزاد گردید پس از آنکه طبق گزارشات تعهد کرد تا با گروه های اپوزیسیون در آینده همکاری نکند. از آن پس طبق گزارش، او از اشتغال محروم بوده است.

حق آموزش

۱۱۸- گزارش داده شد که آقای محمد ضیایی پور به دلیل عدم پذیرفتن پر کردن پرسشنامه هایی در رابطه با عقاید ایدئولوژیک خود، چرا که این کار را خلاف اصول تشخیص می دهد، از دانشگاه تهران اخراج گردید. دانشگاه از دادن مدارک تحصیلی او خوداری می کند و در نتیجه او را ادامه تحصیل در دانشگاه های دیگر و خارج از کشور باز می دارد.

حق مالکیت فردی

۱۱۹- گزارش داده شد که آقای اسماعیل موثقیان، ۸۱ ساله متیم اردبیل، آذربایجان شرقی، با تعطیل خود سرانه مجتمع ورزشی (ژیمنازیوم) در املاک خود مواجه گردید. او طبق ادعاهای موجود، همه گونه اجازه و مدرک ضروری را

داشت ولی هیرشم آن، آقای جزایری، مدیر اماکن عمومی و آقای عباس سید حاتمی دبیر (مدیرکل) ورزشی و فعالیتهای بدنی، خودسرانه دستور به تعطیل موسسه او و بازداشت دبیر موسسه نمودند. استیفا های متعدد به اداره دادستانی کل، اداره قضا و معاون وزارت ورزشی پاسخ داده نشده اند.

۱۲۰- گزارش داده شد که آقای مهدی حاجی میری، یکی از روسای سابق هواپیمائی ملی و یکی از کارمندان کارآزموده نیروی هوایی و متخصص در اداره صنایع هواپیمایی، به دلایل نامعلوم و بدون دریافت خسارت، املاک شخصی او مورد تصرف قرار گرفت. طبق گزارشات املاک و اموال شخصی او فروخته شده و مالکیت آنها به دولت واگذار شده است. طومارهای متعددی که او برای مقامات مختلف مملکتی ایران ارسال کرده، هرگز پاسخ داده نشده اند.

۱۲۱- هم چنین گزارش داده شد که مقامات ایرانی، اموال شخصی و املاک آقای حسن نژیه، وزیر سابق نفت ایران را، همراه با اموال و املاک همسر و چهار فرزند او بدون پرداخت خسارت فسخ نموده اند. تقاضاها و نامه های متعدد او به مقامات مختلف ایرانی برای ذکر دلایل فسخ هرگز پاسخ داده نشده اند.

۱۲۲- هم چنین گزارش داده شد که اموال خصوصی آقای ستار سلیمی بدون پرداخت خسارت فسخ گردید. این اموال بالغ بر ۱۵ میلیون دلار کلکسیون آنتیک و بیش از ۵۵۵۰ کتاب دست نوشته را شامل می گردید. زن برادر او، خانم آقای امیر حسین سلیمی به تازگی یک حکم دولتی اخراج از آپارتمانی که اکنون او با فرزندانش در آن زندگی می کنند (واقع در کارگر شمالی شماره ۶ کوچه ۱۷ تهران) دریافت نموده است. طبق گزارشات آنها هیچ منبع برای کرایه مسکن دیگری ندارند.

آزادی مذهب و وضعیت جامعه بهایی

۱۲۳- نماینده ویژه گزارشاتی دریافت نموده است که رهبران مذهبی برجسته مسیحی همچنان به دلیل مذهب خود مورد آزار قرار گرفته اند. چه مسیحیت یکی از چهار مذهب رسمی شناخته شده توسط دولت است، گفته می شود در عمل این شناسایی تنها صدها هزار اقلیت ارمنی و آسوری را در بر می گیرد و شامل معتقدین با پیشینه اسلامی یا مسلمانان تغییر مذهب داده نمی گردد. هم چنین گفته شد که گر چه سیستم حقوقی اسلامی تحمل مذهب گوناگون را ترویج می کند، ممنوعیت تغییر مذهب از اسلام محبط عمل تحصیل مذهبی را بوجود می آورد. آقای مهدی دیباج یک رهبر کلیسا و مسلمان سابق، همچنان به دلیل عقاید مذهبی خود در زندان بسر می برد.

۱۲۴- ادعا شده است که برخی روزنامه های ایران جامعه زرتشتی متیم ایران را در پییده ای که به عنوان تغییر کیش دادن مسلمانان ایرانی در خارج از ایران گزارش داده شده است، مقصر دانسته اند و آنها را با گروه های سیاسی مخالف مربوط دانسته اند. هم چنین گفته شد که زرتشتیان ایران از هر گونه نشر اطلاعات مربوط به مشکلات خود و محدودیت های ادعا شده، که ممکن است باعث مشکل تر شدن وضعیت شده و مقامات (دولتی) آنها را در تبلیغات منفی (ضد دولتی) مقصر بشناسند، نگران می باشند.

۱۲۵- در میان گزارشات ادعاهایی نیز نسبت به محدودیت علیه پیروان آیدمان و اهل طبرخه مطرح شده است.

۱۲۶- گزارش شده است که از سال ۱۹۷۹، بهایی ها به طور سیستماتیک مورد آزار قرار گرفته اند و عقاید مذهبی آن ها مورد تبعیض قرار گرفته و ۱۹۹ بهایی کشته شده، ۱۵ بهایی دیگر مفقود گردیده که احتمالاً کشته شده اند (که متوفی محسوب میشوند). هم چنین گزارش شد که پس از پایان اعدام های سه سال و نیم پیش، آقای بهمن سمندری عضو جامعه بهایی در ایران، در ۱۷ مارس ۱۹۹۲ دستگیر شد و در زندان اوین تهران در روز ۱۸ مارس ۱۹۹۲ اعدام گردید (رجوع شود به پارگراف ۲۱) در هنگام نوشتن گزارش، دلیلی برای اعدام او توسط قضا و مقامات زندان داده نشده و محل قبر او نیز اعلام نگردیده است.

۱۲۷- گزارش شد که آقای حسن محبوبی، رهبر برجسته جامعه بهایی ایران، در روز ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۲ تحت شرایط عجیبی زیر ماشین رفت.

۱۲۸- گزارش شد که آقای بهنام میثاقی و کیوان خلج آبادی، دو بهایی ایرانی که سه سال پیش بازداشت شدند، اخیراً توسط مقامات زندان فرخوانده شدند و شفاهاط اطلاع یافته به مرگ به دلیل اعتقادات بهائی حکم محکومیت آنها به مرگ به دلیل اعتقادات بهائی آنها صادر نموده است. محاکمات که به احکام مرگ برای افراد فوق الذکر منجر شد، بدون دخالت و همکاری وکلای مدافع صورت گرفت. دو وکیل مسلمان که طبق گزارشات توسط محکومین تعیین شده بودند و اقدام های اولیه را شروع کرده بودند، نتوانستند به کار خود ادامه دهند

و استعفا نمودند. در سومین سفر خود به جمهوری اسلامی ایران، نماینده ویژه با این افراد (متهمین) در زندان اوین تهران ملاقات نمود. ۱۲۹- هم چنین گزارش داده شده که در روز ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲، آقای روح الله قدامی، یک بهایی اهل روستای مظفریه، به دست دو تن از اعضای «نیروهای تنبیهی» (نهی از منکر) دولت به صورت وحشیانه ای به قتل رسید. ادعا گردید که قاتلین با امید عدم پیگرد دست به این عمل زدند زیرا که بهایی های تحت قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچگونه مصونیتی ندارند و در مدارک رسمی دولتی به عنوان وابستگی به «فرقه ضاله بهایی» از آنها نامبرده می شود. با این حال، در این مورد دو قاتل دستگیر شده و توسط مقامات ایرانی، که طبق گزارش به نظر میرسد باین قتل به گونه ای جدی و قضایی برخورد می کنند، به زندان افکنده شده اند. قاتلین به نظر می رسد که مستقلاً به تنهایی دست به این اقدام زده اند.

۱۳۰- گفته میشود که دستگیری و حبس بدون دلیل بهایی ها در ایران ادامه دارد. روز اول آوریل ۱۹۹۲ آقای حسین اشراقی، یک بهایی مسن، بدون هیچ توضیحی در اصفهان دستگیر شد و تاکنون در زندان بسر می برد. روز ۲۱-مه ۱۹۹۲، چهار زن در ساری دستگیر شدند. سه تن از آنها بهایی هستند و اتهامشان این است که در مورد مذهب بهائیت با نفر چهارم که یک دختر ۲۲ ساله است صحبت کرده اند. اخیراً سه نفر از بازداشت شدگان پس از بازجویی آزاد شده اند. ولی یکی از آنها هنوز در زندان بسر می برد. در مورد مشابه دیگری روز ۳۱ مه ۱۹۹۲ یک زن بهایی در شاهین شهر اصفهان به جرم صحبت در باره مذهب بهائیت با یک دوست غیر بهایی خود دستگیر و متهم شده است. هر دوزن بازداشت شدند. اخیراً زن غیر بهایی آزاد شده است. گزارش شده که در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۹۲ شمار زندانیان بهایی در جمهوری اسلامی ایران بالغ بر ۱۵ نفر بوده است.

۱۳۱- در طی ۱۲ سال بهایی ها بطور سیستماتیک از دسترسی به نهادهای آموزش عالی مانند دانشگاهها و دانشکده ها محروم بوده اند. ولی کودکان و نوجوانان بهایی که از مدارس اخراج شده بودند اجازه یافته اند که به دبستان ها و دبیرستان ها باز گردند. علاوه گزارش شده که بهایی ها در بخش کتب بهائیت بین جامعه خود و برگزاری کلاسهای ارزشهای معنوی و اخلاقی برای کودکان خود با مشکلات جدی روبرو هستند. در ژانویه ۱۹۹۱، وزارت اطلاعات دستور تعطیل کردن کلاسهای کودکان بهایی در سراسر ایران را صادر کرد.

۱۳۲- از دواج و طلاق بهایی در جمهوری اسلامی ایران برسمیت شناخته نمی شود. بهایی ها همچنان از حق ارثیه محروم هستند. در ۲ سال اخیر جامعه بهائیت از حق تجمع محروم بوده و اجازه نداشته که نهادهای اداری خود را انتخاب و ابقا کند. این نهادهای اداری، با توجه به اینکه در مذهب بهائیت روحانیتی وجود ندارد، محور و مرکز حیات مذهبی به حساب می آیند. گفته می شود بدون این نهادهای حیات بهایی ها بمثابة یک جامعه مذهبی با مخاطره مواجه است. بمثابة فرد، بهایی ها رسماً «کنار مرتد» شناخته می شود و بنابر این حقوق و آزادی های مدنی آنان اقلب زیر پا گذاشته می شود. عدم برسمیت شناختن مذهب آنها به طرق مختلف شامل محرومیت از حق اساسی بیان آزادانه عقائد مذهبی نمایان می شود.

۱۳۳- علاوه بر این گزارش شده که بسیاری از بهایی ها در ایران همچنان از امرار معاش محروم هستند. شمار چشمگیری از ایدمان بهایی که از شغل های دولتی و آموزش و پرورش اخراج شده اند بیکار هستند و هیچ حق و حقوق بیکاری دریافت نمی کنند. برخی از بهایی های که از مشاغل دولتی اخراج گردیده، مکلف شده اند که دریافتی ها و یا حقوق باز نشستگی را که به آنها پرداخت شده بود باز پس دهند. حقوق باز نشستگی بهایی های که به دلایل مذهبی اخراج شده اند قطع شده است.

ملاحظات عمومی

۱۵۴- پس از ارسال یادداشت فوق الذکر به دولت جمهوری اسلامی ایران، به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۲ نماینده ویژه گزارش های دیگری حاوی اتهامات نقض حقوق بشر دریافت کرده که به نوبه خود پردازش و ارزیابی شده، در اختیار دولت ایران قرار خواهد گرفت و در گزارش نهایی نماینده ویژه به کمیسیون حقوق بشر گنجانده خواهد شد. علاوه گزارش نهایی اطلاعات دیگری در مورد وضعیت پناهندگان و قربانیان سلاح های شیمیایی، که مشخصاً از طرف کمیسیون درخواست شده، را نیز در بر خواهد گرفت.

شکجه و دیگر موارد مجازات پارتار بیر همانه غیر انسانی

۱۶۴- اطلاعات موثقی در مورد استفاده از شکنجه و بد رفتاری برای اخذ اقرار یا فراهم کردن مدارک برای افرادی که ظاهراً هیچ اطلاعی از جرائم مورد رسیدگی خود ندارند جمع آوری شده است.

علیرغم اینکه نمی‌توان اصرار کرد که با تمام زندانیان به این شیوه منوعه رفتار میشود، ابامی‌توان گفت موارد موثقی وجود دارد حاکی‌از اینکه اخیرا برخی از زندانیان شکنجه‌شده‌اند؛ و حاکی از اینکه زندانیان سیاسی‌بطور اخص از هیچ گونه حمایت تضمین شده در برابر شکنجه برخوردار نیستند. به عبارت دیگر علیرغم نقض ماده ۳۸ قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران، آنها در معرض فشارهای. فیزیکی و روانی برای اخذ اطلاعات قرار دارند.

۱۶۵- یکی از نمونه‌ها شیوه رفتار باآقای امیر انتظام معاون نخست وزیر وسخنگوی اولین دولت انقلابی موقت پس‌از سرنگونی سلطنت است. رفتاری که تا امروزهم چنان ادامه دارد. نمونه آتای انتظام شایسته توجه سازمان‌های بین‌المللی دفاع از حقوق بشر است. آتای انتظام تحت شکنجه قرار گرفته، برای ۵۵۰روز بدون وقفه در حبس‌انفرادی بسر برده و به مدت دو سال ونیم از حق ملاقات محروم بوده است. گزارش‌میشود وی در حال حاضر برای‌بازیافت کامل سلامت خود که در اثر شکنجه وزندان سخت آسیب دیده است، از مراقبت پزشکی ضرور برخوردار نیست. (ضمیمه ۲رابینید)

۱۶۶- نماینده ویژه اطلاعاتی دریافت کرده‌است حاکی از اینکه اجرای حکم شلاق بخصوص در مورد بسیاری از بازداشت شدگان ناآرامی‌های اخیر شهرها و نیز در موردزنانی که به علت عدم رعایت حجاب رسمی‌بازداشت شده‌اندهم چنان ادامه دارد.

اجرای عدالت

۱۶۷- ناظرین وضعیت حقوق بشر در جمهوری‌اسلامی ایران، بالاخص نماینده ویژه، توجه خاصی به‌اجرای عدالت مبذول داشته‌اند.منابع مختلف متفق‌القول تخلقاتی را ذکر می‌کنند حاکی‌از اینکه: مراحل رسیدگی‌به پرونده‌ها بسیار مختصر و پشت درهای‌بسته برگزار می‌شود. متهم از اصل برائت برخوردار نیست واز حق انتخاب وکیل مدافع، ارائه مدارک و استفاده‌از شهود، واز حق‌استیناف در مورد حکم صادره محروم است. بایدبار دیگر متذکر شد که قوانین موجود به استفاده از وکیل اشاره می‌کننداما این وکیل می‌تواند فاقد تحصیلات حقوقی‌باشد. طبق یک گزارش‌وکیلی به این دلیل که از حداقل تحصیلات ضرور برای انجام‌وظایف خود برخوردار نبود در عمل مجبور شد از ادامه‌ی کار صرف‌نظر کند.

۱۶۸- بخش سوم این گزارش حاوی اطلاعات گسترده‌ای در مورداجرای عدالت است. علیرغم‌نص قوانین موجود بسیاری دادگاه‌ها از دید موازین بین‌المللی، به‌نهایت بی‌قاعده عمل می‌کنند. هنوز به نظر نمی‌رسد یک جهت‌گیری متداوم و مشخص در راستای اجرای کامل و موثر ضمانت‌های قانونی وجود داشته‌باشد.

حق داشتن امنیت

۱۶۹- نماینده‌ی ویژه در گزارش قبلی خودخطاب به کمیسیون حقوق بشر (آوریل ۱۹۹۲) خاطر نشان ساخت شماری از شهروندان نگران عکس‌العمل احتمالی مقامات نسبت به رفتاری بودند که گر چه غیر قانونی نبود، اما از هرف معمول سیاسی هم بدور بود.

۱۷۰- طی ماههای آوریل، می‌وژوئن امسال در جریان تظاهرات توده‌ای، اغتشاشات واعتراضات در شهرهای مختلف ایران به نظر‌نمیرسید که نیروهای امنیتی برای کنترل‌اغتشاشات آمادگی داشتند. آنها‌می‌خواستند نظم را به کمک روش‌هایی حفظ‌کنند که منجر به تلفات جانی نشود. گزارش‌شده است که واحداپس‌داران ضد شورش تشکیل شده بود. اما مشخص نیست که این واحدا بتجهیزات غیر‌کشنده مثل آب یا گاز اشک‌آور مجهز بوده است یا نه. در جریان اغتشاشات و بعد از آن عناصر ضد انقلاب متهم شدند که در تظاهرات نفوذ داشته وبه آن دامن زده‌اند. عده‌ای کشته و مجروح شدند. عده بیشتری بازداشت، محاکمه و به‌مرگ یا تعزیر و یا زندانهای طولانی محکوم شدند. طبق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی حکم مقامات عالی حکومتی بطور کلی چنین بود: "اَشوبگران را پیدا و مثل هلف هرز آنها را ریشه‌کن کنید"

آزادی بیان، عقیده و مطبوعات

۱۷۱- قسمتی از فصل سوم این گزارش، که باین آزادی‌های بنیادین ارتباط می‌یابد، خلاصه‌ی گزارش‌هایی است که از منابع مختلف بدست آمده و می‌تواند موثق باشد.

۱۷۲- هشت نفر از اعضای نهضت آزادی‌به زندان‌هایی از ۶ماه تا ۳ سال و نیز به‌برخی تنبیهات اضافه از قبیل شلاق (بخاطر امضای نامه سرگشاده با عده‌ای دیگر، خطاب رئیس‌جمهور) محکوم شدند. آنها درنامه‌ی خود خواستار رعایت مواد مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی شده بودند. طبق گفته مدعی‌العموم حجت الاسلام ابراهیم رئیسی آراء صادره بر اتهامات زیر مبتنی‌بوده‌اند: شرکت در جلسات علیه امنیت خارجی و داخلی

کشور، اشتراک مساعی با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی، ایفای نقش‌فعال در انتشار اکاذیب و جعلیات با هدف تضعیف اعتماد مردم به جمهوری اسلامی وداشتن ارتباط‌رادیو‌های خارجی‌که علیه انقلاب فعالیتند. نماینده ویژه‌مطلع شده است در سیزدهمین سالگرد تاسیس‌جمهوری بنا به تصمیم رهبر عالی جمهوری اسلامی آیت‌الله علی خامنه‌ای و بنا به توصیه رئیس قوه قضائیه آیت‌الله‌بزدی این اشخاص بخشوده شده و ارزندان آزاد شده‌اند. معذالک نهضت آزادی، که این افراد به‌آن تعلق دارند، هنوز رسماً توسط وزارت داخله به رسمیت شناخته‌نشده و این در حالیست که نهضت آزادی‌بدین منظور شرایط قانون را اجرا کرده‌است.

۱۷۳- محاکمه و محکومیت این اشخاص و دیگر کسانی که سیاست رسمی کشور را مورد انتقاد قرار می‌دهند، بیان نظریات غیر در رسانه‌های گروهی را با مانع روبرو ساخته‌است. از آنجا که واکنش مقامات حکومتی غیر قابل پیش‌بینی است، برخی مطبوعات به خود سانسوری دست می‌زنند. مطبوعات بهر حال شکایت داشته‌اند که مقامات حکومتی هنوز هم آمادگی ندارند قانونی بودن اتحادیه روزنامه‌نگاران را ضمانت کنند. درحقیقت، نام آنچه در عمل وجود دارد "جامعه روزنامه‌نگاران" گذاشته شده ونه "اتحادیه روزنامه نگاران". با این وجود روزنامه‌نگاران سالهاست تلاش می‌کنند اتحادیه‌ی آنان به رسمیت شناخته شود.

۱۷۴- طی سال جاری مجله فاراد به اتهام ارتداد، و دیگر جرایمی که اعتراض عمومی در شهر مقدس قم را به دنبال داشت، ممنوع‌الانتشار شد. مدیر و کاریکاتوریست نشریه بازداشت شدند و انتظار میرود طی ماههای آتی محاکمه شوند. دفتر نشریه مورد هجوم قرار گرفت وبه آتش‌کشیده شد. ۱۷۵- مجله هفتگی دنیای سخن نیز توسط مقامات حکومتی تعطیل شد. و اعضای تحریریه آن بازداشت شدند. دفتر نشریه بلافاصله به آتش کشیده شد. مجله هفتگی زن روز نیز توسط مقامات حکومتی تعطیل شد.

۱۷۶- تمام اطلاعات فوق بوضوح از محدودیت آزادی بیان، افکار، عقاید و مطبوعات حکایت دارد. حکومت جمهوری اسلامی ایران باید برای توضیح و تفسیر این موارد ویژه نقض حقوق بشر مورد مواخذه قرار گیرد.

تعلیق فعالیت های کمیته بین المللی صلیب سرخ

۱۷۷- روز ۲۱ مارس ۱۹۹۲ وزارت امور خارجه‌جمهوری اسلامی ایران مقامات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را مطلع ساخت که فعالیت‌های این کمیته در جمهوری اسلامی ایران باید متوقف شود و کارمندان آن باید کشور را ترک کنند. ۱۵ عضو این کمیته که در ایران بودند روز ۲۷ مارس به ژنو بازگشتند. این تعلیق تاحلظه نگارش این گزارش هم چنان به قوت خود باقی است.

۱۷۸- گزارش‌های قبلی نماینده ویژه جزئیات مربوط به توصیه‌ها و گفتگوهای وی با نماینده ایران در ژنو و تهران را دربر می‌گرفت و هدف آن این بود که توافق حاصل شود که نمایندگان صلیب سرخ بین‌المللی اجازه یابند، منطبق با ضوابطو مقرارتی که این کمیته فعالیت‌های بشردوستانه خود را در کشورهای مختلف جهان انجام میرسانند، از زندانیان وزندانهای ایران بلااستثناء بازدید به عمل آورند. اهم این ضوابط عبارتنداز:

دسترسی به همهی زندانیان بدون هیچ مورد استثناء، مصاحبه با آنان بدون حضور هیچ‌کس، امکان بازدید مجدد و سریع تذکرات نماینده صلیب سرخ. دست‌یابی به توافق، که در نوامبر ۱۹۹۱ حاصل شد ر در محافل بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفت. نماینده ویژه نیز در تازه‌ترین گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر (آوریل ۹۲) از آن بعنوان یک تحول مثبت یاد کرده‌است.

۱۷۹- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بازدیدخود از زندانها را ۲۲ ژانویه ۹۲ آغاز کرد. از زندانهای استان‌ها شروع شد. سپس نوبت رسید به زندانهای نزدیک‌تر به تهران در پلنوم کمیسیون حقوق بشر، در چهل وهشتمین اجلاس آن، نمایندگان ایران به‌برخی از اقدامات نرستادگان صلیب سرخ بین‌المللی ایراد گرفتند و آن را نامطلوب توصیف کردند.

۱۸۰- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، با پابیندی به روش‌های خود در حفظ کامل سربت به تذکاریه ایران پاسخ نگفت. با در نظر داشت شیوه عملکرد صلیب سرخ بین‌المللی و تعهد اکید آن در قبال تعهدات با طرف مقابل، تذکرات از جانب ایران ممکن است از عدم اطلاع مسئولین زندانهای ایران از شیوه‌های کار صلیب سرخ بین‌المللی ناشی‌شده باشد. تعلیق فعالیت‌ها ناگهانی رخ داد. بدون تذکر قبلی یا توضیح نکاتی که مقامات مربوطه به آن معترض بودند.

۱۸۱- نماینده ویژه موضع خود را که در اولین بازدید از جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۰ پذیرفته شده بود مجدداً تکرار می‌کند: "بازدید صلیب سرخ از زندانها فاکتور عده‌ی

ضمیمه کار شماره ۵۱- چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۷۱

اطمینان از رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر است. نماینده ویژه به حفظ اطلاعات این بازدیدها احترام می‌گذارد و هیچ‌کوششی برای کسب اطلاعات از صلیب سرخ بین‌المللی به عمل نمی‌آورد ولی این حقیقت که چنین سازمان معتبر و قابل‌اعتمادی به بازدید از زندانهای پر داز دگویی آنست که موازین بین‌المللی در مورد رفتار بازندانیان بدرستی رعایت شده است. کمیسیون حقوق بشر وسایل کافی برای تربیت بازدیدهای مستمر از زندانها و مصاحبه بازندانیان در اختیار ندارد. لذا، اطمینان از اینکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این وظیفه را به انجام رساند برای وضع حقوق بشر در کشورهایی که از این نظریزیر نظارت بین‌المللی هستند دارای اهمیت بسیار است.

وضعیت پناهندگان

۱۸۲- نماینده ویژه از منابع غیر رسمی اطلاعاتی دریافت کرده است که نشان می‌دهند در مارس ۱۹۹۲ حدود ۳/۵ میلیون پناهنده در جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. از این عده حداقل ۲/۵ میلیون نفر افغانی بوده‌اند. در صد قابل ملاحظه‌ای را نیز کردهای عراقی به خود اختصاص می‌داده‌اند. در ماه اوت ۱۹۹۲ روزانه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر افغانی ایران را به قصد افغانستان ترک می‌کرده‌اند. نماینده ویژه به متقاعد است به اینکه شرایط پناهندگان در جمهوری اسلامی ایران موضوعی نیست که فقط به ایران مربوط باشد، چونکه در نگهداری و آسایش آنان باید جامعه‌ی بین‌المللی مساعدت نماید. کار ارزشمند کیسار یابی عالی پناهندگان سازمان ملل باید مورد حمایت قرار گیرد. پناهندگان در بازگشت به محل و موطن خود باید تحت حمایت و حفاظت قرار گیرند و خدمات و تسهیلاتی که مورد نیاز آنهاست باید در اختیارشان قرار گیرد تا آنها بتوانند به زندگی امن و درخور شانی دست یابند.

آزادی مذهب و وضعیت بهائیان

۱۸۳- نماینده ویژه مجددا اطلاعاتی دریافت کرده‌است که به نمونه‌های عدم تحمل مذهبی مربوط میشود، و اعمال تبعیض توسط برخی مقامات و مسئولین ایران و علیه پیروان و فریضه‌گذاران کلیساهای پروتستان مسیحی مختلف و اعضای جامعه زردشتی را منعکس می‌کند.

۱۸۴- نماینده ویژه هم چنین مطلع شده‌است که باز هم از پیروان بهائیت در دوره مورد گزارش اعدام شده‌اند. روز ۱۷ مارس یکی از اعضای فرقه بهائی بازداشت و روز بعد در زندان اوین اعدام میشود. دو بهائی دیگر که از سه سال پیش در زندان بوده‌اند و نماینده ویژه در آخرین سفر خود با آنها ملاقات و مصاحبه داشته‌است به مرگ محکوم شده و از حکم خود استیناف خواسته‌اند.

۱۸۵- ادعاهای مندرج در بخش سوم این گزارش فقط بر اساس اظهارات شفاهی شهود مبتنی نیست. بازنگری اسناد امضاء و مهر شده‌ی مقامات ایرانی نیز پشتوانه اثبات آنهاست. اینها اسناد تازه‌ایست حاکی از: ضبط اموال، رد تقاضا نامه‌هایی تجدید نظر در حکم تعلیق حقوق بازنشستگی، اظهاریه‌ای مبنی براینکه "چون شما بهائی هستید بنابر این نمی‌توانید پرداخت حقوق بازنشستگی را در خواست کنید"، و تأیید تصمیم اداری مبنی بر امتناع از استخدام که باستناد تعلق به فرقه‌ی ضاله بهائیت اتخاذ شده بود. چنین است شواهد و قرائن تبعیض علیه بهائیان توسط مقامات ایرانی.

۱۸۶- در اول ژوئیه ۱۹۹۲ ده نفر بهائی در زندان بوده‌اند. بعضی از زندانیان قدیمی‌تر آزاد شده بودند. ولی بازداشت‌های تازه صورت گرفته است. بطور کلی اتهامات علیه کسانی که بازداشت شدند معمول بوده و بازداشت چند روز طول کشیده و اینها هم نشان می‌دهد بخاطر ایداً بوده‌است.

۱۰۱۷- نماینده ویژه مطلع شده است که بنیاد امام خمینی و دیگر نهادهای انقلابی طی هفته‌های اخیر شمار زیادی از املاک و دارائی‌های متعلق به اعضای جامعه بهائی را در اصفهان، تهران و یزد ضبط کرده وساکتین آنها را بیرون کرده‌اند.

۱۸۸- در رابطه با آموزش، اشتغال، مسافرت به خارج، استفاده از گورستان‌ها و ابنیه دولتی اوضاع کماکان مثل سابق است. همچنان بهائیان کنار مرندی محسوب می‌شوند که حقوق آنها مستمراً پایمال میشود. از سرگیری مجدد اعدامها و تشدید ناگهانی اقدامات علیه بهائیان در این اواخر، بویژه ضبط دارائی‌های آنها و اخراج آنها از خانه‌هایشان، این نگرانی را تشدید میکند که کشور مجدداً وارد فاز تازه‌ای از ازیاذ و پیگرد این دسته از شهروندان ایرانی و نقض حقوق آنان در هر صدهای معین گردیده است. هر مورد از اعمالی که شرح آن گذشت کافی است افراد این گروه را در بیم هر گونه انتقام جوئی قرار دهد.

ملاحظات

۱۹۲- جمع بست آنچه در این گزارش نقل شد حاکی از آنست که در شرایط موجود مقتضی است نظارت بین‌المللی و وضعیت حقوق بشر در جمهوری

اسلامی ایران تداوم یابد. تحت نظارت گرفتن مساله توسط مجمع همومی، کار کمیسیون حقوق بشر را تقویت می‌کند. این کار فرصتهائی را برای یکایک اعضای سازمان ملل پدید می‌آورد که از حقایق مطلع شوند و در مباحثات و مطالعات پیرامون مساله مشارکت ورزند.

۱۹۳- نماینده ویژه از این تصمیم که یک‌بار دیگر مساله به مجمع همومی سازمان ملل ارجاع شود حمایت می‌کند، به گونه‌ای که این ارگان مهم در نظام صلح و امنیت بتواند نقطه نظرهای خود را بیان دارد و توصیه‌های خود را فرمول بندی کند. ۱۹۴- مقتضی است مجمع همومی دولت ایران را فرا خواند که به همکاری خود با کمیسیون حقوق بشر از طریق نماینده ویژه ادامه دهد و بعلاوه به برداشت‌ها و ادعاهائی که عنوان میشود پاسخ گوید و نیز با چهارمین دیدار نماینده ویژه از کشور موافقت نماید.

۱۹۵- نماینده ویژه این نظر خود را مورد تاکید قرار می‌دهد که مجمع همومی شایسته‌است مصرانه از دولت جمهوری اسلامی ایران بخواهد که با هدف اجتناب از هرگونه تکرار وقوع حوادثی از آن دست که در این گزارش آمده، بویژه در مواردی که در فصل‌های این گزارش بدانها اشاره شده است، اقداماتی به عمل آورد؛ تا بدین وسیله پی‌آمدهای دردناک حوادثی که از نقض حقوق تضمین شده‌ی بین‌المللی ناشی شده و به اشخاص صدمه زده‌است، از راه‌هایی که فعلاً در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده و قوت قانونی دارند جبران شود.

ضمیمه ۱

لیست اسامی زندانیان که توسط نماینده ویژه در تاریخ ۲۵ سپتامبر طی یادداشتی به دولت جمهوری اسلامی ایران ارائه گردیده‌است.

نماینده ویژه درخواست اطلاعات دولتی راجع به وضعیت زندانیان نامبر ده زیر می‌نماید:

۱- خانم مونا عبیدی، ۲۹ ساله، محکوم به حبس ابد، محبوس در زندان اهواز. وی در سال ۱۹۸۱ بنابه گزارشات بدلیل داشتن نشریات اپوزیسیون بازداشت و به جرم سیاسی محکوم گشته‌است.

۲- آقای سهراب افندی، متولد ۱۹۷۱، بنابه گزارشات در سال ۱۹۸۶ به اتهام توزیع اعلامیه‌های اپوزیسیون بازداشت شده است. او در زندان قصر محبوس شده‌است.

۳- آقای محمدرضا انشاری راد، ۲۷ ساله، مجرد، در زندان زنجان به اتهام سیاسی محبوس شده‌است. وی در سیام سپتامبر ۱۹۹۱ دستگیر شده‌است.

۴- آقای مرتضی انشاری راد، متأهل، دارای دو فرزند، زندانی در زندان زنجان در تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده‌است.

۵- آقای فرامرز احمدیان بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. محل توقیف نامعلوم است.

۶- آقای رحمان بهرام احمد، ۳۳ ساله، شهروند عراق، فرزند بهرام احمد سلیمان، بنابه گزارش‌ها توسط سرسازان ایرانی در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱ دستگیر و بعنوان زندانی جنگی در اردوگاه نظامی داودیه در تهران نگهداری میشده است. (شماره پرونده صلیب سرخ ۴۳۵۵).

۷- آقای محرم علی اخشی، متأهل با چهار فرزند، به اتهام‌های سیاسی در زندان زنجان محبوس است. وی در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت شده‌است.

۸- خانم شمریانو اخشی، همسر محرم علی اخشی، به اتهام سیاسی در زندان زنجان محبوس است. وی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده‌است.

۹- آقای هوشنگ امجدی، که در زندان اوین تهران زندانی است به اتهام جاسوسی برای یک کشور خارجی محکوم گشته است. بنابه گزارش‌ها او بالای ۵۰ سال دارد، زمین‌دار بوده و در ماه سپتامبر ۱۹۸۸ بازداشت شده است. او بیش از یک سال در زندان انفرادی بوده و گاهی هم تحت شکنجه بوده است. اجازه ملاقات با خانواده در پایان سال ۱۹۸۹ داده شده و پس از آن او وادار به اعتراف شده‌است. محاکمه او در دادگاه انقلاب اسلامی در زندان اوین در مارس سال ۱۹۹۰ صورت گرفته است. در تمام مدت زندانی بودن او وکیل مدافعی نداشته است.

۱۰- خانم فرزانه همویی، ۳۲ ساله، از ۱۹۸۱ در زندان بوده است. بنابه گزارش‌های در ۱۹۸۶ دچار ناراحتی روانی گشته که ظاهراً بر اثر شکنجه طولانی مدت، بعلاوه تجاوز بوده است. او از ناراحتی روانی شدید رنج می‌برد. گفته میشود که او را بعنوان تنبیه جهت رفتار ش بدلیل هر ضش مثل غذا نخوردن، عدم شستشو و عدم مراقبت از خود کتک می‌زنند. او در زندان اوین به اتهام پیوستن به یک حزب چپ ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه عقاید سیاسی اش محبوس است.

۱۱- دکتر اسدی، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین محبوس است.

۱۲- آقای داود هزیزی در ۱۹۸۱ به اتهامات

سیاسی بازداشت و بنابه گزارش‌ها در زندان اردبیل زندانی است.

۱۳- آقای یعقوب بهرامی، متولد ۱۴ اکتبر ۱۹۴۹، در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۴ بازداشت و در ژوئیه ۱۹۸۴ محکوم به ۱۲ سال زندان به اتهام سیاسی شده است. بنابه گزارش‌ها او در زندان قصر تهران زندانی است.

۱۴- آقای محمد رحیم بختیاری، ۴۱ ساله، متاهل با سه فرزند، به اتهامات سیاسی در زندان اوین تهران محبوس است. او در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۱۵- آقای ناصر براری، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. محل زندان وی نامعلوم است.

۱۶- آقای فرزاد براتی، گفته میشود که در زندان اوین به اتهامات سیاسی محبوس است.

۱۷- آقای ابراهیم پاشا یا پاشا، شهروند قزاق، در زندان اوین تهران در بندی که زندانیان متعددی جنگی هراتی نگهداری میشوند، محبوس است.

۱۸- آقای محمد حسن بسجی، بنابه گزارش‌ها در اوت ۱۹۸۸ بازداشت گردیده است. محل بازداشت و وضعیت او نامعلوم است.

۱۹- آقای احمد بستان، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین محبوس است.

۲۰- خانم اکرم بیروموند، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود محبوس است.

۲۱- خانم اکرم برزویی، گفته میشود که در زندان اوین به اتهامات سیاسی محبوس است.

۲۲- آقای حاجی باقر برزویی، ۶۱ ساله، متولد رضائیه، در زندان اوین در تهران زندانی است. او در ژوئیه ۱۹۸۹ دستگیر شده است.

۲۳- آقای حسین دشتگرد، ۵۹ ساله، متاهل با ۵ فرزند، در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی محبوس گردیده است. او در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۱ دستگیر شده بود.

۲۴- آقای مهدی دیباج، سابقا مسلمان و اینک پیشوای روحانی مسیحیت و رهبر کلیسا، بنابه گزارش‌ها پیش از ۶ سال در زندان بوده است.

۲۵- آقای ناهید دورودیاچی، بنابه گزارش‌ها در زندان اوین محبوس بوده است. او به اتهامات سیاسی محکوم به ۱۲ سال زندان شده است.

۲۶- آقای جواد ابراهیمی، محکوم به ۱۳ سال حبس به اتهامات سیاسی، در زندان قزل حصار زندانی است. بنابه گزارش‌ها او از هفونت پوست و چشم و مرض کلیه رنج می‌برد.

۲۷- آقای امیر انتظام، معاون نخست وزیر در اولین دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که توسط نماینده ویژه در سپتامبر ۱۹۹۱ از او دیدار بعمل آمده، در بند ۴ واحد ۳۲۵ زندان اوین در تهران محبوس است. وی به اتهام جاسوسی برای یک کشور خارجی و اتهامات سیاسی پس از یک محاکمه که در آن وکیل مدافع حضور نداشت و طی آن بعضی از شاهدین مدافع او دستگیر شدند، محکوم گردیده است. بنابه گزارش‌ها او ۴۰ درصد شنوایی خود را از دست داده است و از ناراحتی لگن خاصره، چشم و مرض پروستات، زخم معده و ناراحتی پوستی رنج می‌برد. او از مداوی پزشکی موثر و غذای کافی برخوردار نیست. بنابه گزارش او اجازه ملاقات ندارد و ۵۵۰ روز در زندان مجرد گذرانده است.

۲۸- خانم فاطمه اشرفی، در زندان اوین در تهران، به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود محبوس است.

۲۹- خانم نیر خرکچی فرد، ۱۸ ساله، گفته میشود در زندان اوین در تهران محبوس است (پرونده شماره ۶۹-۵۹۰۵۷). بنابه گزارش‌ها او به اتهامات سیاسی در سال ۱۹۹۱ به ۵ سال زندان محکوم شده که باید ۴ سال آن را در زندان انفرادی بسر برد.

۳۰- خانم رویا فردار، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۱- آقای ناصر فرخ‌نیا، فرمانده سابق که بنابه گزارش‌ها در جنگ عراق - ایران رفتار شجاعانه‌ای از خود بروز داده است. بنابه شواهد او در سال ۱۹۸۸ به اتهام همدستی با برادرش که گفته میشود متهم به جاسوسی برای یک کشور خارجی بوده، دستگیر شده است. گفته میشود که او در زندان دژبان در پادگان جمشیدآباد محبوس است.

۳۲- آقای وزیر فتاحی، در زندان اوین زندانی است. گزارش شده است که یک شرط آزادی وی، تقبیح و پس گرفتن باورهای سیاسی‌اش می‌باشد.

۳۳- خانم فیروزه فیاض، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۴- خانم زهرا فلاحی، بنابه گزارش‌ها محکوم به ۳۸ سال زندان گردیده است. محل زندانی و شرایط جای وی نامعلوم است.

۳۵- آقای نواب هلی قائم مقامی، به اتهامات سیاسی در زندان قم محبوس است. وضعیت جاری او نامعلوم است.

۳۶- خانم زینب قنوتی، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۷- خانم نرگس قنبری، ۳۴ ساله، معلم مدرسه که گفته میشود در زندان مسجد سلیمان محبوس است. بنابه گزارش‌ها در ۱۹۸۱ بازداشت و بدلیل شرکت در تظاهرات سیاسی به زندان ابد محکوم گشته است.

۳۸- آقای جعفر پور، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین تهران زندانی است.

۳۹- آقای کی‌نوش حکیمی، فرمانده سابق ناوگان ایران، به اتهام جاسوسی برای یک کشور خارجی محکوم گردیده است. محل زندان و وضعیت جاری او نامعلوم است.

۴۰- آقای کوروش جلیلی، به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است. وی در سال ۱۹۹۰ بازداشت گردیده است.

۴۱- آقای فرهاد جاویان، ۲۵ ساله، متاهل، در زندان اوین در تهران به اتهامات سیاسی محبوس است. وی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۴۲- آقای امیر هوشنگ کرمانی، معلم در شهر جیرفت استان کرمان، در فروردیه ۱۹۸۴ بازداشت و به ۳۰ سال زندان محکوم گردیده است. گزارش شده است که از ۱۹۸۸ او حق ملاقات نداشته است. وی در زندان گارد کرمان محبوس است.

۴۳- خانم مهرناز کمروزی خدایار، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۴۴- آقای خالد علی کریمی، به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. وضعیت جاری و محل زندان وی نامعلوم است.

۴۵- خانم ناهید خداجو، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۴۶- آقای نیر خروشان، برادران، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین محبوس است.

۴۷- آقای احمد خسروی، به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده و وضعیت جاری و محل زندان وی نامعلوم است.

۴۸- آقای محمود متحدین، گفته میشود که پیش از ۱۲ سال است که در زندان اوین بخاطر شرکتش در سازمان باصلاح نرقان محبوس است.

۴۹- آقای منصور موسوی، کارمند سابق وزارت راه ایران، در زندان زنجان به اتهامات سیاسی محبوس است. وی در ۹ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۵۰- آقای داود مظفر، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین تهران محبوس است.

۵۱- آقای حسین نفتیان، در سال ۱۹۸۷ بازداشت و به اتهامات سیاسی به ۵ سال زندان محکوم گردیده است. بنابه گزارش‌ها وی در زندان اوین در تهران محبوس است.

۵۲- آقای نوروز نقی زاده، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین در تهران محبوس است.

۵۳- آقای فریدون نجفی، ۳۲ ساله، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی در زندان گوهردشت محبوس است.

۵۴- آقای همایون نجفی، ۳۵ ساله، در سال ۱۹۸۹ بازداشت و بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی در زندان گوهردشت محبوس است.

۵۵- آقای جلیل ناظمی، متولد در سال ۱۹۶۴، در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۴ به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. محل زندان و وضعیت جاری وی نامعلوم است.

۵۶- آقای ابراهیم بناهت، گفته میشود به اتهامات سیاسی در زندان تبریز محبوس است.

۵۷- خانم نسرين نردینیان، در زندان اوین به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۵۸- آقای حسین نوپور، در زندان اوین در تهران محبوس است. او به اتهامات سیاسی محکوم و آزادی وی برای ژوئیه سال ۱۹۹۱ طرح ریزی شده بود. وی هنوز در زندان نگهداشته میشود و گفته میشود که یک شرط آزادی وی تقبیح فعالیت‌های سیاسی گذشته‌اش در ملاقات است.

۵۹- آقای رضا پاخش، تکنسین سابق بیمارستان جوشمندله در تهران، در زندان زنجان محبوس است. وی در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۶۰- آقای هارف پاک، متولد رضائیه، ۵۱ ساله، به اتهامات سیاسی در زندان اوین در تهران محبوس است. وی در نوامبر سال ۱۹۸۹ بازداشت گردیده

است.

۶۱- آقای روح‌الله پرتیلی، ۵۷ ساله، متاهل، دارای ۵ فرزند، به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است. وی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۶۲- آقای حسین پرواز، اهل نی، فریدن، گفته میشود که به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است.

۶۳- آقای مجاهد خیرالله رحیمی، متولد ۱۹۶۴ در اردبیل، دستگیری در ۱۹۸۲ با اتهام سیاسی و محکوم به ۱۵ سال حبس. بنابه گزارش‌ها در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۶۴- آقای محمد طاقی رحیم‌پور بعثت ندادن اطلاعات در باره محل همسرش (خانم زهرانوری)، او ستوان دوم ارتش ایران بود. وضعیت فعلی و محل بازداشت او مشخص نیست.

۶۵- آقای مهرداد رزائی، گفته میشود در زندان اوین در تهران با اتهام سیاسی در بازداشت است.

۶۶- آقای محمدامین الرعایا، بنابه گزارش‌ها به اتهامات سیاسی و در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۶۷- آقای علیرضا صادقی، ۲۸ ساله، در سال ۱۹۸۸ به اتهام سیاسی دستگیر و بنابه گزارش‌ها در زندان اردبیل در بازداشت است.

۶۸- آقای عادل سعیدی گفته میشود در زندان ارومیه به اتهام سیاسی در بازداشت بسر می‌برد. او در سال ۱۹۸۱ دستگیر شده است.

۶۹- آقای مصطفی صالح یار، متولد دسامبر ۱۹۶۷، دستگیری در ۱۹۸۷ و محکوم به ۶ سال حبس به اتهام سیاسی، او در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۷۰- خانم شمعین سمبعی در زندان اوین در تهران به اتهام داشتن ارتباط با یک حزب ممنوعه و به اتهام بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت است.

۷۱- آقای محمد سخاوت‌مند، ۴۱ ساله، متولد تبریز، به اتهام سیاسی در زندان اوین در تهران بازداشت است. او در اکتبر ۱۹۸۹ دستگیر شده است.

۷۲- خانم مریم بانو سپهری رهنما در سال ۱۹۸۳ دستگیر، محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. بنابه گزارش‌ها او در زندان اوین در تهران به اتهام تماس با یک حزب ممنوعه و به اتهام بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت است.

۷۳- آقای توفیق ستایشی، متولد تبریز در سال ۱۹۵۷ و دانشجوی سابق دانشگاه شریف در تهران، بنابه گزارش‌ها در سال ۱۹۸۲ به اتهام سیاسی دستگیر و در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۷۴- آقای منصور شاهری، ۳۳ ساله، بازداشت در زندان اوین تهران به اتهام سیاسی، او در سال ۱۹۸۸ دستگیر شده و بنابه گزارش‌ها بسیار مریض است.

۷۵- آقای حسن شتابی، ناخدای سابق، طبق گزارش‌ها در سال ۱۹۸۸ دستگیر شده و گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی بازداشت است.

۷۶- آقای مهدی خوش سلوک، رئیس کمپانی نوافرم به اتهام سیاسی دستگیر شده است. وضعیت فعلی و محل بازداشت او نامعلوم است.

۷۷- خانم فرخنده سلیمانی در زندان اوین تهران به اتهام ارتباط با حزب ممنوعه و بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت بسر می‌برد.

۷۸- آقای منصور طاهری، ۳۸ ساله، بنابه گزارش‌ها در سال ۱۹۸۶ به اتهام سیاسی دستگیر شده و در زندان جزین نزدیک تهران بازداشت است.

۷۹- خانم اشرف تاهان در زندان اوین در تهران به اتهام ارتباط با حزب ممنوعه و بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت بسر می‌برد.

۸۰- آقای جمشید ترابی، ۳۹ ساله، دانشجوی سابق دانشگاه تهران، بنابه گزارش‌ها در سلول بلوک ۶ آموزشگاه زندان اوین در تهران بازداشت است. او در سال ۱۹۸۲ به اتهام سیاسی دستگیر شده و طی محاکمه کوتاهی که گفته میشود بدون حضور وکیل مدافع و بدون اجازه فراخواندن شهود در دفاع از خود به ۱۵ سال حبس محکوم شد.

۸۱- آقای حیدر یوسف گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۲- آقای عباس زابلی گفته میشود در زندان اوین به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۳- آقای مهر احمدزاده گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است. او در سال ۱۹۹۰ دستگیر شده است.

۸۴- آقای زمانی طبق گزارش‌ها به اتهام سیاسی دستگیر و در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۸۵- آقای فرید محمود محمد زمانی در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۶- آقای علی ضیائی ما گفته میشود به اتهام سیاسی در زندان اوین در تهران در بازداشت است.

۸۷- آقای حسن ذوالفقاری طبق گزارش‌ها از طریق گروه اپوزیسیون عراقی به نام اتحادیه‌ی

کردستان (پ.ی.و.ک.)، در آوریل ۱۹۹۱، در قصر شیرین، شهری نزدیک مرز عراق، به حکومت ایران تحویل داده شده است. محل بازداشت او نامعلوم است. مشخص نیست آیا آقای ذوالفقاری به چیزی متهم، و محاکمه و محکوم شده است یا نه.

ضمیمه ۲

نامه آقای امیر انتظام معاون نخست وزیر سابق و سخنگوی اولین دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، به نماینده ویژه کمیسیون

ضمن رجوع به شواهد زیر، من بدینوسیله رژیم جمهوری اسلامی ایران را به جرایم و خطاهائی که طی ۱۲ سال گذشته مرتکب شده است متهم کرده و ضمن جلب توجه آن ارگان بین المللی به موارد مذکور امیدوارم که از طریق بدست آوردن امکان تجدید محاکمه از مسلم ترین حقوق خود و دیگر هموطنانم دفاع کنم.

من نمونه‌های تخلف از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقل و در مورد هر یک توضیح میدهم.

دولت ایران متعهد است که به معاهده بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی که ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده و فادار باشد، این معاهدات در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۲ (آذر ۱۳۵۱) به رای پارلمان ایران گذاشته شده و به تصویب رسیده است.

در طی این دوازده سال و در طی ماههائی که در زندان گذراندم، من شاهد تعدیات بسیار به حقوق مذکور بوده‌ام. من شاهد شکنجه صدها نفر بوده‌ام و خودم هم متحمل چنین رفتاری شده‌ام، از جمله:

- محسوم شدن با ضربات

- حبس انفرادی برای ۵۵۰ روز بدون وقفه

- محرومیت از ملاقات و صحبت: تا امروز بودن ۲/۵ سال در سلول ۱/۵x۲/۶۵ همراه ۲۷ نفر دیگر پشت درهای بسته، داشتن سه نوبت اجازه استفاده از توالت در ۲۴ ساعت (برای ۲۷ نفر فقط سه دوش)

- سه ساعت خواب (دراز کش) در ۲۴ ساعت

- فقدان بهداشت، تحریک پوست (بعثت نشستن برای دو سال)

- بیماری لگن خاصره

- رشد بیماریهای چشم و پرستات و زائوی چپ

- درد زخم معده و دیگر بیماریها بدون فزای کافی و معالجه تاکون

- بستری شدن بعد از ۶ سال انتظار تحت مراقبت ۶ نفر محافظه که دو تن از آنها در اتاق جراحی همراه من بودند.

- زدن موهای من با قیچی پشم گوسفند زنی در حضور صدها نفر و مسخره کردن من

- قطع رابطه من با همسر و فرزندم تا امروز

- دو بار بدن من نیمه شب برای اعدام و نگهداری من برای ۷۲ ساعت و صدها مورد دیگر

- کسی ممکن است فکر کند که این رفتارها دیگر امروز وجود ندارند. مثال‌های زیر حاکی از تداوم آنهاست

- در پاییز (آذرماه) ۱۹۹۱، ۲۴ ساعت بعد از ورود آقای گالیندو پوئل به ایران، در ساعت ۹ شب در هنگام ریزش باران و هوای سرد مجبور به تعویض یک بخش زندان شدم. ما را از بخش ۳ به بخش ۴، طبقه بالای واحد ۳۲ (که "بخش خارجی‌ها" نامیده می‌شد) انتقال دادند. برای انتقال از کامیونهای سرباز استفاده شد و در نتیجه آن گوش من سر ما خورد. برای ۴۰ روز از دسترسی به متخصص گوش محروم ماندم و هابیت هفونت پرده گوشم از بین برد.

بعد از دو ماه تحمل درد هفونت در هر دو گوش یک متخصص گوش به زندان فرا خوانده شد که فقط اعتراف کند که من ۴۰ درصد شنوایی خود را از دست داده‌ام.

در زمستان سرد ۱۹۹۲ ما از گرما و آب گرم در زندان محروم شدیم آنطور که آنها دعا می‌کردند به دلیل نقص در دستگاه حرارت مرکزی امکان تامین بیشتر از چند ساعت آب گرم وجود نداشته است.

تا ۱۲ درجه سانتیگراد است

افراد دیگری که زیر شکنجه‌اند:

- شکستن دندان و پاره کردن پرده گوش ناجی رحمانی، تنبیه با شلاق علی خیانی‌ها، شکنجه و اعدام صادق هزیزی، هوشنگ شاهین، علیرضا آشتیانی، حیدر مهرگان و اردشیر یگانه، اتصال جریان برق به پشت، آویزان کردن از پا یا دست، ایستاده نگاه داشتن فر دیرای هشت روز.

گرسنگی دادن به زندانیان: یک عدد نان و یک بشقاب برنج برای ۱۰ زندانی در ۲۴ ساعت

- نوع دیگر شکنجه که بکار گرفته شد: نگهداری زندانی در یک تابوت کوچک (۵۰x۸۰x۱۴۰ سانتیمتر) برای چند ماه است. در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)، سی زندانی در این تابوتها نگهداری شدند، آنها دیوانه شدند.

اینها نمونه‌هایی از شکنجه در رژیم ایران هستند.

امضاء امیر انتظام

۱۹۹۲